



دانشکده حضرت فاطمه (س) قائمشهر

پرونده ی توسعه ی حرفه ای

دوره ی کارورزی 3

دانشجو:

فاطمه خواجه صالحانی

استاد راهنما:

سهیلا شرف زاده

بهمن 4 139





بسمه تعالی

تأییدیه عملکرد دانشجویان در دوره های کارورزی

کمیته کارورزی دانشکده حضرت فاطمه (س)، مفاد پرونده ی توسعه ی حرفه ای خانم.....را در دوره ی کارورزی ۱، از نظر فرم و محتوا بررسی نموده و آن را در سطحارزیابی و پذیرش آن را برای تکمیل این دوره تایید می کند.

اعضاء هیئت بررسی پرونده	نام و نام خانوادگی	امضاء و تاریخ
ریاست دانشکده		
معاونت آموزشی دانشکده		
مدرس کارورزی		

فهرست

صفحه	عناوین
....	چرخه کنش پژوهی
۵	روایت «من»
۱۱	روایت های روزانه ی حضور در مدرسه
۳۱	روایت های سمینارهای (دانشکده)
۵۴	روایت های تدریس در کلاس (طراحی آموزشی)
۶۱	روایت پایانی
	پیوست
۶۶	روایت های اولیه همراه با بازخورد مدرس کارورزی
۱۰۵	مستندات کدگذاری روایت ها
....	CD محتوی همه ی مستندات ترم (نسخه ی word روایت ها، نسخه های اولیه حاوی بازخورد، فیلم تدریس، اسلاید های power point دفاع پایان ترم)

ماموریت من :

من فاطمه خواجه صالحانی، بیست و دو ساله، متولد ۱۳۷۲/۱۱/۲۶ دانشجوی ترم شش آموزش زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه فاطمه (س) قائم شهر هستم. یکی از نقاط ضعفم پر حرفی است. وقتی در کلاس هستم آن قدر راجع به مسائل مختلف البته مربوط به درس حرف می زنم از دست دادن زمان را متوجه نمی شوم. باید سعی کنم در کلاس هدف دارتر در عین حال مفیدتر حرف بزنم. در هنگام خواندن شعر یا نثر کمی صدایم می لرزد. باید بیشتر بخوانم تا مسلط تر شوم. آنچه دوست دارم باشم: بودن فردی متعادل در هر چیز است. فردی که توان جسمی و روحی اداره کلاسی با افراد مختلف را داشته باشد. معلمی که دانش آموزان به او اعتماد کنند در کلاسش با اشتیاق شرکت نمایند. در طول هفته منتظر آمدن روزی باشند که کلاس او تشکیل می شود. کلاسی که دانش آموز محور باشد. کلاسی که خود دانش آموزان مدیر لایق برای آن باشند. معلمی اخلاق مدار که دانش آموزانش را برای جامعه آماده کند. بهترین های درسی و خلقی را برای دانش آموزانش رقم بزند. کلاسی پر از نشاط، اطلاعات، سرگرمی که دانش آموزانش گذر ساعت را متوجه نشوند. معلمی که بال پرواز باشد برای همه ی دانش آموزانش. معلمی که تا سال های بعد یادش در دل های ذهن های دانش آموزان ماندگار باشد. معلمی که یادگیری فعال داشته باشند. باید خروجی معلمان را دید، آن هم نه در درس بلکه در اخلاق و درس. هر چند معلم یکی از مهره های تربیتی است ولی به نظر من می تواند مهم ترین مهره باشد. می خواهم معلمی باشم که با رعایت اعتدال بیست سال بعد با همان انگیزه اهداف به کلاس درس بروم. معلمی که سنش بر کارش انگیزه اش تأثیر نگذارد. می خواهم در آینده شغلی خود فردی باشم پر از تجربه و علم که اگر روزی به عقب برگردم دوباره شغل معلمی را انتخاب کنم. مطمئنم که انتخاب دیگری نخواهم داشت. در طول دوران دانشجویی سعی می کنم با مطالعاتی که در زمینه تخصصم دارشتم باشم تا خود را از نظر علمی ارتقا دهم و در سطح بالاتری از دانش آموزانم قرار بگیرم. آن هم در این عصر که با یک کلیک دنیایی از اطلاعات در اختیار دانش آموزان قرار می گیرد. اما تجربه را باید در کلاس با تدریس هایم به دست بیاورم. ترم گذشته کم و بیش به تدریس پرداختم. اما در ترم شش به تدریس مستقل یک درس رسیدیم. دوست دارم در این ترم با تدریس یک خاطره خوش برای خودم و یک تدریس سطح بالا برای دانش آموزانم رقم بزنم. آن گونه که تمام دانش آموزانم از تدریس

لذت برده ، یادگیری فعال داشته باشند و بتوانند خودشان آن درس را برای دیگری تدریس کنند. من در کل دوران زندگی ام از اینکه اطلاعاتی به کسی می دهم لذت می بردم. اینکه می دانم و باعث دانستن دیگران بشوم برایم مثل پرواز است. در این ترم با تدریس به هدف معلمی خود نزدیک ترمی شوم. این ترم سنگ محکی است برای حرفه معلمی ام. امیدوارم در حرفه ام حرفه ای عمل کنم.

روایت های روزانه حضور در مدرسه

اولین جلسه حضور در مدرسه

زنگ اول:

سه شنبه ۱۳۹۴/۸/۵ اولین روز کارورزی ۳ است. ساعت ۷:۱۵ پس از پرس و جو مدرسه را پیدا کردم. دانش آموزان بارنگ های مختلف در حال رفتن به مدرسه بودند. دبستان، متوسط اول، دایم نامید می شدم که متوسط دوم نیایش را هم گوشه تابلو دیدم. کمی گیج شده بودم. روی دیوار مدرسه مبلغ کرایه سرویس ها زده شده بود. آیا درست آمده ام یا نه؟ یک در ورودی داشت، بعد به دو در می رسیدید. یکی ابتدایی، دیگری متوسط اول و دوم. از یکی از دانش آموزان پرسیدم: مدرسه نیایش اینجا است؟ گفتند: بله. وارد مدرسه شدم. ابتدای مدرسه کوچه تنگی است که یکی از دیوارهایش، دیوار نمازخانه بود. همه ی بچه ها به من نگاه می کردند. پچ پچشان به گوشم می رسید. مستخدم را دیدم. خانم مسنی بود. پرسیدم: دفتر کجاست. با لبخند مرا راهنمایی کردند. به در ورودی سالن رسیدم. بچه ها گفتند: اجازه نمی دهند وارد شوید. لبخند زدم در سالن قفل داشت. در زدم. یکی از بچه ها در را باز کرد. نمی گذارند داخل بروید. لبخند زدم دفتر مدیریت را پرسیدم. ساعت ۷:۳۰. هیچ یک از کارکنان نیامده بودند. یک خانم مسنی وارد شدند. دانش آموزی هم پشت سرشان آمد. دانش آموز بلند بلند می گفت: «چه وضعی است. هیچ کس هنوز نیامده است. برنامه صبحگاه دیر شده است. امروز کار داریم.» بیشتر از مسئولین نگران بود. آن خانم هم گفت: من پیکار کنم. در اتاق را باز کرد. بیا بلندگو را بگیر. مرا ندیده بود. جلو رفتم. سلام کردم. خودم را معرفی کردم. گفتند: با مدیر هماهنگ است؟ گفتم: بله. خانم دیگری آمد. فکر کنم معاون پرورشی است. چون با همان دختر در حال تدارک برنامه صبحگاه هستند. با آن خانم هم سلام علیک کردم. این دو نفر سخت مشغول کارهای صف بودند. من هم به اتاق با پرده های کرم رنگ، در آبی و دو میز روبه رویی خیره شده بودم. از خانم که زوتر آمده بود فامیلشان را پرسیدم. خانم عابدینی، معاون اجرایی. آن خانم دیگر خانم ابراهیمی نژاد معاون پرورشی است. حدسم درست بود. آن دختر هم یکی از فعالان مدرسه بود. چون اسمش هم روی دیوار برای انتخابات زده شده بود. امروز انتخابات دانش آموزی است. خانم عابدینی گفتند: امروز خیلی کار داریم. پس از تنظیم

بلندگو برنامه اجرا شد. منم از پنجره اتاق به صف نگاه می کردم. صفی با چندرنگ مختلف. خانم عابدینی وارد شدند. گفتم: چرا این دانش آموزان چندرنگ هستند. گفتند: چون متوسط اول و دوم باهم است. تازه، امسال سیصد نفر هستند. سال های پیش نه صد نفر بودند. تصور نه صد نفر دانش آموز در این مدرسه برایم غیرممکن بود. از خانم عابدینی پرسیدم: شما سه شنبه ها معلم ادبیات دارید؟ گفتند: بله. فامیلی معلم ادبیات را پرسیدم. گفتند: خانم خضرای. خانم فقیه. ولی خانم فقیه از این مدرسه رفته است. خانم فقیه معلم راهنمای من بود. تعجب کردم. پس من باید چه کارکنم. مدیر هنوز نیامده بود. خانم عابدینی گفتند: مدیر و معاون به اداره رفتند. هر وقت آمدند به شما اطلاع می دهم. من هم سالن را قدم می زدم. سالنی تقریباً بزرگ. از در ورودی وقتی داخل می شویم، در دو طرف دو در دارد. یکی دفتر متوسط اول، دیگری اتاق خانم عابدینی. کنار اتاق خانم عابدینی دفتر متوسط دوم است که هنوز باز نشده. کنار دفتر راه رویی دارد که آبدارخانه و یک کلاس چهارم انسانی در آن است. دستگاه پرینتر بزرگ هم در سالن است. روبه روی در ورودی آزمایشگاه است. کنار دفتر متوسط اول کتابخانه ای به هم ریخته که دانش آموزان در حال مرتب کردند آن بودند. یک دیوار را شیشه سکوریت کرده بودند و اتاق مشاور با پرده های صورتی قرار دادند. اتاق هوشمند هم روبه روی اتاق مدیر متوسط اول بود. هر کسی که می آمد می پرسیدم شما خانم مدیر هستید؟ هیچ کدام نبودند. به اتاق خانم عابدینی رفتم. خانم عابدینی به من گفتند: چون خانم مدیر دیر می آیند. من و خانم ابراهیمی نژاد کارها را انجام می دهیم. خانم مدیر برای مشخص کردن معلم ادبیات به اداره رفتند. بعد راجع به سختی کارش، تنها بودن و ازدحام کارها سخن گفت. پرونده هایی که تنظیم کرده بودند، کم پرونده های بچه ها، لیست صدور کارنامه، لیست صدور مدرک دیپلم و ده ها کار دیگر که انجام می دهند. انقدر خسته بودند که به فکر باز خرید افتادند. گفتند: دو سال دیگر خودم را باز خرید می کنم. برنامه تمام شده بود. دانش آموزان به کلاس رفتند. در اتاق مدیر هم برای نشستن معلمان باز شده است. چند نفر دیگر آمدند. من هم از همه فامیلیشان با کارشان را پرسیدم. خانم دادبان رابط بهداشت هستند. از وقتی آمده فکر این است، بنر را کجا بچسبانند. به اتاق مدیر رفتم. همه ی معلمان نشسته بودند. به همه سلام کردم. خانم ابراهیمی نژاد از معلمان خواهش کردند به کلاسشان بروند. معلمان هم با کمی مکث راهی کلاس ها شدند. خانم عابدینی برنامه را به من نشان دادند. امروز خانم فقیه زنگ دوم و چهارم ادبیات و تاریخ ادبیات با سوم انسانی داشت. به تابلو های اعلانات خیره شده بودم. مستخدم مرا صدا زد. خانم مدیر آمدند. بروید، پیشش. خوشحال شدم. انگار کسی از آشنایانم را می خواهم ببینم. به دفتر خانم مدیر رفتم. خانم عابدینی مرا

معرفی کردند. خانم مدیر خانمی بسیار زیبا و خوش برخورد بودند. با من روبوسی کردند. من هم گواهی خود را به ایشان دادم. از حضورم هم در مدرسه تشکر کردند. راجع به خانم فقیه پرسیدم. گفتند: به مدرسه ای دیگر رفته اند. گفتم سه شنبه ادبیات دارید؟ گفتند: بله. مهم ادبیات بود، نه معلمش. خانم مدیر برایم چایی آوردند. به خانم ابراهیمی نژاد گفتند: باید امروز صبحانه می خریدیم. فکرکنم برای من. از خانم مدیر برای بازدید از مدرسه اجازه گرفتم. خانم مدیر هم گفتند: مدرسه متعلق به خودت است. از سالن به سمت در ورودی خارج شدم. بچه ورزش داشتند. نماز خانه در ابتدای مدرسه بود و درش قفل شده بود. در اتاق خانم عابدینی که بودم، مستخدم گفتم: امروز جلسه در نمازخانه است و آن را تمیز کردند. از مستخدم پرسیدم: تنها هستید. گفتند: نه دو نفر هستیم. ولی امروز تنهاهستم. نمازخانه را از پنجره ای که پرده های سبزش کنار رفته بود دیدیم. خیلی زیبا و تمیز بود. با قالی سجاده ای سبز. باغچه هایی دورتادور مدرسه بود. دو حیاط تقریباً مجزا داشت. در هر دو حیاط آبخوری بود. ولی سرویس بهداشتی در طرف دیگه حیاط که دور از در ورودی بود قرار داشت. در کنار دیوار مدرسه سکو هایی تعبیه شده بود. تور والیبال هم در حیاط کوچک قرار داشت. به طرف دیگر حیاط رفتم. بچه ها دورم جمع شدند. شما معلم ادبیات هستید؟ برایشان توضیح دادم من کارورز هستم. بعد از آن به ادامه موقعیت پژوهی خود پرداختم. سه کاج بزرگ در طرف دیگر حیاط بود. در سالن، آبی رنگ و دو طرف آن باغچه بود. امکانات ورزشی برای ورزش های والیبال، بسکتبال، هندبال، فوتبال در مدرسه موجود بود. مدرسه، آب، برق، تلفن دارد. زمین مدرسه هم آسفالت است. دیوار های مدرسه سفید و دارای نوشته های تربیتی است. یک در سبز بزرگ بین مدرسه ابتدایی و نیایش است. یک حیاط کوچک هم در پشت مدرسه است. وارد سالن شدم. به داخل آزمایشگاه رفتم. آزمایشگاهی تقریباً مجهز. با سکویی وسط اتاق که شش شیر آب داشت. برای هریک از درس های زیست، فیزیک، شیمی قفسه های جدا تعبیه شده بود. اتاق هوشمند هم شش کامپیوتر جدید و قابل استفاده و پنج کامپیوتر قدیمی و غیر قابل استفاده بود. طبقه بالا ده کلاس داشت. شش کلاس متوسط اول، چهار کلاس متوسط دوم. کلاس سوم انسانی هم طبقه بالا بود. یک سالن بزرگ، دو شوفاز هم داشت. روبه روی پله، یک پنجره بزرگ وجود داشت که سقف خانه ها با ماهوارهایشان آن را پوشانده بود. به اتاق مدیریت رفتم. خانم فضلی معاون آموزشی و مدیر با یکی از بچه ها در مورد نصب بنر صحبت می کردند. دانش آموزان این مدرسه در ارتباط و هماهنگی کامل با مدیریت هستند. در کارهای پرورشی هم خیلی فعال هستند. از خانم مدیر اجازه خواستم تا عکس بگیرم. خانم مدیر هم با کمال میل قبول کردند. حتی موقع عکس

برداری، خانم ابراهیمی نژاد گفتند: صبر کنید بچه ها بیایند برای انتخابات شورا از آن ها هم عکس بگیر. گفتم: شاید بچه ها دوست نداشته باشند. این کار را نکردم. به اتاق مدیریت رفتم. همه با هم ارتباط نزدیکی داشتند. مدیر بعضی از معلمان را با نام کوچک صدا میزدند. موقع صبحانه بود. خانم عابدینی معلمان را به خوردن آش ترشی که یکی از مادران درست کرده بود، دعوت کردند. یکی از معلمان نرفت. لقمه داشت که مثل من خورد. خانم مدیر دوباره آمدند و همه را به خوردن آش ترش دعوت کردند. به من هم گفتند: شما بیاید عزیزم. شما هم جز همکاران هستید من هم تشکر کردم. خانم فضلی به مستخدم گفتند: برای ما کنار گذاشتی. مستخدم گفتند: بله. فکر کنم آش را می گفت. زنگ خورده بود.

زنگ دوم:

خانم فقیه نیامدند. از مدیر پرسیدم، می توانم جهت آشنایی به کلاس بروم. گفتند: بله حتماً. من هم بیایم؟ گفتم: نه ممنونم. باخانم رجبی هم تماس گرفتم و ایشان را هم در جریان گذاشتم. به کلاس سوم انسانی رفتم. در را باز کردم. بچه ها در حال بیرون رفتن از کلاس بودند. با تعجب به من نگاه کردند. از جایشان بلند شدند، صلوات فرستادند. من هم روی صندلی نشستم. تمام تنم می لرزید. همه بچه ها پر از سؤال بودند. من چه کسی هستم؟ چرا آمدم؟ معلم جدیدم؟ با بچه ها سلام و علیک کردم. خود را معرفی کردم. بچه ها از رتبه ام، دانشگاه تربیت معلم، چگونگی قبول شدن در آن و سؤال پرسیدند. بعد از پاسخ به سؤالات بچه ها، در مورد علاقه شان به ادبیات پرسیدم. کدام درس را در ادبیات بیشتر دوست دارند. از کدام بخش ادبیات بیشتر لذت می برند؟ شعر، نثر... از آن ها پرسیدم چرا به رشته ادبیات آمدید؟ بعضی ها واقعاً باعلاقه آمدند. بعضی ها گله داشتند به انسانی اهمیت نمی دهند. گفتم: چه معلم هایی را بیشتر دوست دارید. گفتند: خانم فقیه. گفتم: چرا؟ گفتند: ما را درک می کردند. واو به واو کلمات را نمی خواستند. تمام نکات درس را می گفتند و... گفتم: شما چه معلم هایی را دوست دارید؟ هر کدام پاسخ های خودشان را داشتند، مثلاً: معلم هایی که نکات درسی را بگوید، کل کتاب را نخواهد و فهم ما برایشان مهم باشد، خوش رو باشند، ما را درک کنند، هر چه مربوط به نکات کنکوری است، بگویند و... الآن که در حال تایپ هستم متوجه شدم من اصلاً به فیزیک کلاس توجه نکردم از بس با بچه ها راجع به موضوعات مختلف بحث کردیم متوجه ساعت هم نشدم. ولی می دانم کلاس هوشمند نبود. اندازه کلاس برای سی و یک نفر مناسب بود. همه جز دو نفر روی نیمکت ها نشسته بودند. از همه نامشان را پرسیدم. یکی از بچه ها که حرف می زد، با فامیلش تذکر

دادم. بچه‌ها همه تعجب کرده بودند که من چطور یادم بود. خودمم هم خوشم آمد. از روی جواب سؤال‌هایم تقریباً بچه‌های درسخوان کلاس را پیدا کردم. سطح درسی‌شان خوب است. اطلاعات خوبی هم داشتند. از رمان‌های مختلف مجازی و غیرمجازی. در کل از ادبیات مطلع بودند. دفعه بعد از خانم مدیر دفتر نمرات خانم فقیه را می‌گیرم تا بینم حدس‌هایم درست بوده‌اند یا خیر. بعضی از بچه‌ها ادبیات سنتی و بعضی ادبیات مدرن را دوست داشتند. در مورد رمان‌های مجازی صحبت کردیم. نظرات خوبی دادند. در مورد عشق‌های قدیمی و جدید. مقایسه عشق‌های اسطوره‌ای لیلی و مجنون با عشق‌های رمان‌های امروزی. در مورد حجاب، فلسفه‌اش، آیا از اعراب گرفته‌شده یا خیر، شبکه‌های مجازی، درست استفاده کردند از آن‌ها. بسیاری از موضوعات دیگر. زنگ خورد بچه‌ها امتحان داشتند. ولی ماندند و صحبت کردیم. به آن‌ها گفتم: بروید از زنگ استفاده کنید. امتحان هم دارید. همه منتظر ماندند من بروم. چون قبلش در مورد این حرف زدیم که احترام معلم نه به‌عنوان معلم بلکه به‌عنوان یک انسان بزرگ‌تر از آن‌ها بسیار مهم است. به دفتر رفتم. کمی با همکاران صحبت کردم. سؤال‌شان را پاسخ دادم. بیشتر معلمان امتحان داشتند. برای همین نمی‌توانستم به کلاسشان بروم. بچه‌های سوم انسانی هم ورزش داشتند. خانم مدیر هم تا زنگ آخر جلسه داشتند. چون موقعیت پژوهی خود را انجام دادم، تصمیم گرفتم به خانه برگردم.

دومین جلسه ۱۳۹۴/۸/۱۲

زنگ اول:

دومین جلسه حضورم در مدرسه نیایش بود. بعد ورود به مدرسه وجابه جایی دانش آموزان به دفتر رفتم. مدیر و همه ی کارکنان حضور داشتند. معلم راهنما نیامده بود. از مدیر خواستم تا با معلم جغرافیا سوم انسانی به کلاس بروم. دانش آموزان معلم جغرافیای خود را بسیار دوست داشتند. برای همین من به کلاس ایشان رفتم. خانم مدیر هم باکمال میل پذیرفتند. با معلم جغرافیا هماهنگ کردم و به کلاسش رفتم. یکی از دانش آموزان غایب بود. من سر جایش نشستم. معلم بعد از احوالپرسی شروع به پرسش شفاهی کردند. بین پرسش ها به کسانی که کمی ضعیف بودند کمک می کردند. در بین دانش آموزان این کلاس یک نفر نابینا و یک نفر هم در تکلم مشکل دارد. بین دانش آموزانی که پرسش می شدند دانش آموزی که در تکلم مشکل داشت هم بود. معلم سعی می کردند سؤالات کوتاه جواب را از این دانش آموز بپرسند. فرصت بیشتری هم به دانش آموز می دادند. هنگام تدریس بیشتر در کنار فرد نابینا می ایستادند تا بهتر حرف ها را بشنود. یکی از دانش آموزان هم برایش سؤالات را می نویسد خواهرش با او سؤالات را کار می کند. معلم هم به صورت شفاهی می پرسند. البته رابط هم دارند. دانش آموزان به ترتیب سؤال ها را جواب دادند. بعد از معلم شروع به تدریس کردند. در ابتدا گفتند این درس بسیار مهم است. درس را با مروری در درس های سال گذشته شروع کردند. از دانش آموزان می پرسیدند. آن ها را تشویق می کردند. سعی می کردند با نقشه و قدم به قدم پیش بروند. بعد از اتمام کلاس به دفتر رفتیم. از ایشان تشکر کردم. در مورد درس دانش آموزان از ایشان پرسیدم، دانش آموزان خوبی بودند. درسشان را هم می خواندند. در کلاس شیطنت نمی کردند. از دیگر معلمان هم در مورد دانش آموزان پرسیدم. آن ها هم از دانش آموزان راضی بودند.

زنگ دوم:

معلم راهنما نداشتم. به تنهایی به کلاس رفتم. دانش آموزان امتحان داشتند. کار به خصوصی نداشتم. در مورد علایق، درس، معلم که دوست دارند، و. در جلسه گذشته بحث کردیم. دانش آموزان خیلی نگران درس و عقب افتادن خود بودند. در مورد معلم راهنما از من می پرسیدند. من بی اطلاع بودم حرفی نردم.

دانش آموزان گفتند شما معلم ما می شوید؟ گفتم خیر. گفتند: پس شما تا معلمان بیاید، شما درس بدهید. من هم گفتم در حال حاضر نمی توانم. از یکی از دانش آموزان کتابش را گرفتم. به دانش آموزان گفتم وقتی من در حال تدریس هستم شما نباید به کتابخانه بروید و آن را مرتب کنید. اجازه نگیری دودر هر لحظه بیرون نروید. وقتی خانم مدیر یا معاون می آید شما باید بلند شوید. وقتی درس می دهم نباید باهم حرف بزنند. اگر معلمی در وسط حرف هایش تپق زد نباید بخندید. در مورد موارد انضباطی خیلی باهم حرف زدیم. آن ها هم خیلی خوب گوش می دادند و حرف هایم را تأیید می کردند. از آن ها پرسیدم آیا از کتاب های کمک درسی هم استفاده می کنند. آن ها هم گفتند: برای آزمودن. می خواستم بدانم آیا معلم را با آن کتاب ها محک می زنند یا نه. موقعیت پژوهی دانش آموزان را در جلسه قبل به طور کامل انجام دادم. برای همین باید باخانم قنبری مشورت کنم. درس تاریخ ادبیات را بگیرم یا ادبیات. بعد از زنگ به دفتر رفتم دانش آموزان نمرات خوبی در دفتر نمره داشتند. هرچند تعداد نمرات کم بود اما همان ها هم خوب بودند. چند نفر در کلاس که دارای اختلالات حرکتی و جسمی هستند هم نمرات خوبی داشتند. میانگین نمراتشان هجده بود. . بچه ها ساعت بعد تک رنگ امتحان دین و زندگی و ورزش داشتند، به خاطر همین به دانشگاه آمدم.

سومین جلسه ۱۳۹۴/۸/۱۹

زنگ اول:

در سومین جلسه از حضورم در مدرسه نیایش بعد از سلام و احوال‌پرسی به دفتر مدیریت رفتم. معلمان آمده بودند. زنگ کلاس خورد. یکی از معلمان بلند شدند و به سایرین گفت: بلند شوید، بریم کلاس تا نگفتند، خانم‌ها بفرمایید کلاس. همیشه باید تذکر بشنوید. بقیه هم نیش خندی زدند و به کلاس‌ها رفتند. معلم جغرافیا به من گفت: می‌توانید همراه من به کلاس بیایید. من هم خوشحال شدم همراهشان رفتم. وارد کلاس شدیم. بچه‌ها با دیدن من خوشحال شدند. من در کنار یکی از دانش‌آموزان نشستم. معلم بعد از سلام و احوال‌پرسی از دانش‌آموزانی که یکشنبه امتحان نداده بودند، پرسش شفاهی انجام داد. سه نفر بودند. در هنگام پرسش معلم به دانش‌آموز فرصت تفکر می‌دادند. بعد از پرسش دانش‌آموزان فعالیت‌هایی را که باید آماده می‌کردند نشان دادند. بعضی از دانش‌آموزان انجام نداده بودند. خانم گرزین، معلم جغرافیایشان به آن‌ها وقت دادند تا یکشنبه تحویل دهند. برای فعالیت هم یک نمره گذاشتند. به دانش‌آموزان هم گفتند: شما به نمره مستمر نیاز دارید. دانش‌آموزان هم گفتند: خانم حتماً یکشنبه می‌آوریم. نمره یکی از مشوق‌های بیرونی در انجام تکالیف برای تحریک دانش‌آموزان است. خانم گرزین از نماینده خواستند تا برگ‌های فعالیت‌ها را جمع کنند. م توجه شدم نماینده کلاس دانش‌آموز است که از نظر تکلم مشکل داشت. شاید خانم گرزین برای بالا بردن اعتمادبه‌نفس دانش‌آموز این کار را کرده بودند. خانم گرزین مانند همیشه درسش را از روی کتاب دادند. از دانش‌آموزان هم می‌پرسیدند. بیشتر مطالب را دانش‌آموزان در سال دوم خواندند. برای همین خانم گرزین آن‌ها را به سال گذشته می‌برد تا مروری بر آن‌ها شود. این کار اعتمادبه‌نفس دانش‌آموزان را بالا می‌برد. چون با مرور گذشته و درس‌هایی که خواندند سریع به سؤال‌های خانم گرزین پاسخ می‌دهند. درس امروز در مورد لایه‌های مختلف زمین بود. به نظر من خانم گرزین به جای درس دادن از روی کتاب می‌توانستند یک نیم‌کره تهیه کنند و لایه‌های مختلف را با نشان دادن آن تدریس کنند. وقتی چشم درگیر تدریس شود دانش‌آموز درس را بهتر متوجه می‌شود. سخنرانی محض خسته‌کننده

است. درس جغرافیا هم پر از نقشه و کره و است. معلم به راحتی می تواند با تهیه ی ابزار درس جغرافیا از آزمایشگاه یا پاور پوینت درس را تدریس کند. بعد از تدریس دانش آموزی را برای حل مسئله پای تخته آوردند. دانش آموز در حال حل کردن مسئله بود. ناگهان خانم فضلی، معاون آموزشی در را باز کردند و با یک اشاره به معلم از دانش آموزان خواستند تا به نمازخانه بروند. سخنران دعوت کرده بودند. من آن قدر متعجب بودم که تا چند ثانیه فقط به دانش آموزانی که به بیرون می رفتند خیره شدم. از خانم گرزین پرسیدم: همیشه همین طور است؟ گفتند: بله. دفعه قبل بچه ها در حال دادن امتحان بودند که معاون آمد و راجع به شلمچه حرف زد. بچه ها هم تمرکز خود را از دست داده بودند. هرچه با خودم کلنجار می رفتم که اگر من جای خانم گرزین بودم چه کاری می کردم؟ کلاس برای معلم است. کسی حق ندارد قبل از زنگ تفریح آن را از معلم سلب کند. چه برسد به اینکه دانش آموز هم در حال امتحان دادن باشد. مدرسه باید ساعت مشخصی را برای امور فرهنگی در نظر بگیرد. اگر خبری شد می توانند با بلندگو اعلام کنند که بعد از اتمام کلاس دانش آموزان در نمازخانه حضور به عمل آورند، نه اینکه دانش آموزان را از کلاس درس کشان کشان به نمازخانه ببرند. قبل از اتمام کلاس دانش آموزان از خانم گرزین خواهش کردند با دفتر در مورد معلم جدید ادبیات صحبت کنند تا نیاید. خانم گرزین هم گفتند این مسائل به من مربوط نمی شود. دانش آموزان واقعاً معلم خود را نمی خواستند. من هم مستأسل بودم و با خود گفتم اگر با من هماهنگ نشود چه کاری انجام دهم. در میان همه های دانش آموزان از کلاس بیرون آمدم. وارد دفتر شدیم. خانم گرزین به معاون با شوخی گفتند: خانم فضلی جان چرا همیشه زنگ کلاس مرا می گیرید. خانم فضلی هم گفتند: به خدا تقصیر من نیست همین الان از اداره زنگ زدند، گفتند، بچه ها را جمع کنید، سخنران در راه است. من واقعاً شگفت زده بودم. بعد از چند دقیقه، معلمی با بافتی بر دوش انداخته و لنگان لنگان وارد دفتر شد. پاها یا کمرش درد می کرد. کمی هم چاق بود. خانم گرزین بعد از آن دیدن ایشان بلند شدند و با صدایی بلند گفتند: سلام خانم. کجاها بودید. خوبیم خانم تیر ملک. من هم که گوش هایم تیز شده بود. خانم تیر ملک؟ معلم راهنمای من؟ بالاخره من معلم راهنما پیدا کردم؟ سریع بلند شدم و دست دادم خودم را معرفی کردم. گرم برخورد کردند. ایشان در طرف دیگر نشستند. گرم مشغول احوال پرسی بودند. همه از زیارتشان خوشحال و مسرور بودند. روابط اجتماعی بالایی داشتند. در سال های قبل معاون و مدیر بودند. بعد از استقرار کامل ایشان بلند شدم و پیششان رفتم. از درسی که با دانش آموزان داشتند پرسیدم. آرایه و تاریخ ادبیات داشتند. از ایشان خواستم تا برآوردی داشته باشند تا دو جلسه دیگر به چه درسی در آرایه می رسند.

درس تشبیه بود. من هم قبول کردم. ایشان کتاب را روبه‌رویم باز کردند و گفتند: بین همه‌چیز اینجا نوشته بچه‌ها می‌خوانند و تشبیه را از ابیات خارج می‌کنند. بچه‌ها معمولاً در امتحان نهایی نمره خوبی در آرایه می‌آورند. من هم هاج‌وواج مانده بودم؛ یعنی چه بچه‌ها خودشان در کلاس از روی کتاب می‌خوانند. صحبت دیگری نشد. من بلند شدم و روی صندلی خودم نشستم. بحث‌های همیشگی بین معلمان شروع شده بود. یک زنگ هم از دست داده بودند. برای اینکه سخنرانی طول کشید. هیچ‌کدام نگران زنگ از دست‌رفته نبودند. به کتابخانه مدرسه رفتم. کتابی گرفتم و خواندم. به دفتر آمدم. خانم فضلی زنگ‌ها را تقسیم کردند.

زنگ دوم:

ما به کلاس رفتیم. من صندلی را گرفتم و در گوشه‌ای از دیوار گذاشتن تا دانش آموزان و شیوه تدریس معلم را بررسی کنم. قبل از ورود، معلم از من پرسید دانش آموزان خوبی هستند؟ چون من تازه به کلاسشان می‌روم. من هم گفتم بله. بعد از سلام و احوال‌پرسی خیلی کوتاه، از دانش آموزان خواستند تا کتاب آرایه را بیرون بیاورند. از دانش آموزان خواستند تا یکی بخواند. یکی از دانش آموزان بازیگوش کلاس با مسخره‌بازی در حال خواندن بود. معلم به او گفت می‌خواهی تا آخر سال بازیگوشی کنی. از بالای عینک هم به نگاهی با عصبانیت انداخت. دانش آموزان همه‌ی کردند که چه کسی بخواند. بالاخره یکی شروع کرد. درسشان قالب‌های شعر بود. معلم از یکی از دانش آموزان خواست تا پای تخته بیاید و شکل چینش قافیه را در قالب‌ها بکشد. معلم هر قالبی را که درس می‌داد، دانش‌آموز از جایش برمی‌خاست و شکل را می‌کشید. معلم پاهایش درد می‌کرد. طی مشاهدات دفتری متوجه شدم، دیسکشان باز شده است. سؤالی برایم مطرح شد، آیا این معلم باید به کلاس بیاید؟ آن‌هم طبقه دوم؟ توان جسمی برای یک معلم بسیار مهم است. معلمی که توان جسمی نداشته باشد از شور معلمی می‌کاهد. معلم سرزنده شاداب دانش‌آموزانی با انگیزه به بار می‌آورد. درس را بچه‌ها می‌خواندند همراه با یک نمونه شعری در کتاب. خانم تیر ملک کمترین کاری که می‌توانستند انجام دهند، تهیه‌ی چند مثال غیردرسی بود؛ اما حتی این کار را هم نکردند. در هنگام تدریس، یک مبحث را اشتباه توضیح دادند. دانش آموزان هم متوجه نشدند. پشت سر هم می‌پرسیدند و خانم تیر ملک هم سرسری جواب می‌دادند. دانش آموزان در حین خوانش شعر از روی کتاب هم اشتباه می‌خواندند اما خانم تیر ملک آن را تصحیح نمی‌کردند. تک‌زنگ بود معلم کلاس بعد آمدند.

ماهم از کلاس بیرون رفتیم. بچه‌ها از من می‌پرسیدند: معلم خوب بود؟ من هم هرچند به‌دروغ گفتم: اره. خانم تیر ملک می‌توانستند درس قالب شعری با ساختن پاور پوینت یا ارائه چند مثال و دادن آن مثال‌ها به گروه‌ها و پرسش و پاسخ به تدریس بپردازند؛ اما خیلی راحت از این مبحث گذشتند. به بچه‌ها هم در هرچند ثانیه می‌گفتند: درس را بخوانید، تمرین‌ها حل شود، متوجه می‌شوید. باهم از کلاس خارج شدیم. در دفتر از خانم تیر ملک خواستم تا دو جلسه دیگر کلاس را برای تدریس در اختیار من بگذارند. ایشان هم قبول کردند. بچه‌ها مثل همیشه ورزش و امتحان دین و زندگی داشتند. خانم تیر ملک هم ساعت یک تا دو کلاس داشتند. من هم ساعت دو در دانشگاه کلاس داشتم. به خاطر همین از خانم تیر ملک اجازه رفتن خواستم. ایشان هم گفتند: برو کار به خصوصی نداریم، تاریخ ادبیات است که بچه‌ها از روی درس می‌خوانند. خودم تا آخر ماجرا و روش تدریس ایشان را متوجه شدم. ولی دفعه بعد می‌مانم تا ببینم اطلاعات تاریخی ایشان در چه حدی است. مشتاقم تا هفته بعد که کلاس ندارم در کلاسشان شرکت کنم.

چهارمین جلسه حضور در مدرسه ۱۳۹۴/۸/۲۶

اولین جلسه تدریس در کلاس

خانم تیر ملک ساعت دوم و چهارم در مدرسه کلاس دارند. ساعت دوم به مدرسه رفتیم. بعد از سلام و احوال‌پرسی با معلم، خانم تیر ملک را دیدیم. کنار ایشان نشستیم. متوجه شدم، معلم آرایه دانش آموزان تغییر کرده و در روز شنبه با معلمی دیگری دارند. خیلی ناراحت شدم. شب قبل برای برقراری ارتباط تا دو صبح بیدار بودم. منتظر ماندم تا معلم ادبیاتشان هم که تغییر کرده بود، تشریف بیاورند؛ اما معلمشان نیامد. تصمیم گرفتم برقراری ارتباطم را امروز انجام دهم. از غیبت معلمشان استفاده کردم. خیلی نگران دانش آموزان هستم. از درس عقب مانده‌اند، معلمشان هم در حال تغییر است. بچه‌ها مثل همیشه در سالن بودند. با دیدن من وارد کلاس شدند. متعجب بودند. می‌پرسیدند. خانم حبیبی کجا هستند؟ چرا نمی‌آیند؟ من هم گفتم: مطلع نیستم. از عدم برنامه‌ریزی درست مدرسه خیلی ناراحت بودم. خانم تیر ملک هم لطف کردند، پیشنهاد دادند به مدرسه‌ای دیگر بروم. من هم برایشان توضیح دادم که امکان‌پذیر نیست. بچه‌ها از قبل باخبر بودند که آرایه ندارند. خانم تیر ملک هم گفتند بچه‌ها آرایه نیاوردند. من هم گفتم: من امروز به کتاب نیاز ندارم. برای بچه‌ها توضیح دادم من برای اجرای کارم آمدم. هرچند امروز آرایه ندارید، ولی من می‌خواهم آرایه تدریس کنم. چون شنبه‌ها که شما آرایه دارید، من نیستم. بچه‌ها هم قبول کردند و حرفی نزدند. به یک فیلم‌بردار نیاز داشتم. یکی از بچه‌های بازیگوش کلاس داوطلب شد. همه می‌گفتند: خانم فیلم را خراب می‌کند. مسخره‌بازی درمی‌آورد. من هم گفتم: نه مطمئنم درست فیلم‌برداری می‌کند. او هم بادی به غبغبش انداخت و به بچه‌ها نگاه کرد. واقعاً عالی فیلم‌برداری کرد. حتی وقتی بچه‌ها بازیگوشی می‌کردند به آن‌ها تذکر می‌داد. دادن مسوولیت به دانش آموزان بازیگوش آن‌ها را متعهد به کلاس کرده، از آن‌ها دانش آموزان ساعی و درس‌خوان می‌سازد. برای فیلم‌برداری، دوباره با بچه‌ها سلام و احوال‌پرسی کردم. بعد از آن حضور و غیاب کردیم. سه نفر غایب بودند. چه حس خوبی بود، حضور و غیاب دانش آموزان برای اولین بار به عنوان معلم. برایشان غزلی از قیصر امین پور خواندم. چون خودشان در موقعیت پژوهی‌ام گفته بودند، دوست دارند معلم برایشان شعر یا نثر بخواند. بچه‌ها خیلی خوششان آمده بود. من می‌خواهم تشبیه را به آن‌ها تدریس کنم. برای همین از آن‌ها پرسیدم: تا به حال چه آرایه‌هایی را خواندید. دانش آموزان هم جواب دادند. بیشتر قالب‌های شعری را خوانده بودند. بعد از گروه‌ها خواستم، میان آنچه در بیرون یا در کلاس

می بینند رابطه و شباهت ایجاد کنند. یا بگویند چه چیزی شبیه به چه چیزی است. چرا؟ دانش آموزان کمی گیج شده بودند. برایشان توضیح دادم اصلاً سخت نیست. یکی از دانش آموزان گفت: مثل سنگ و پاک‌کن. گفتم آفرین. حالا بگو چرا فکر می‌کنی این دو شبیه هستند. بچه‌ها با مثال دوستشان تفهیم شدند. چقدر خوب درگیر بحث شده بودند. باهم فکر می‌کردند. یکی از بینشان در گروه می‌گفت: مثلاً فلانی به چیز دیگری شبیه است همه نگاهش می‌کردند و می‌گفتند: چرا مثلاً؟ او می‌گفت: چون رنگشان یکی است. همه می‌گفتند: آفرین به این قضیه فکر نکردیم. در انتهای کلاس دانش آموزان شیطون و بازیگوش آن‌قدر درگیر بودند، اصلاً حرف نمی‌زدند. بلکه به هم می‌گفتند: فکر کن عقب نیفتیم. بعد از چند دقیقه که گروه‌ها نوشتند. خواستم از گروه یک بخوانند. مثال‌های خیلی خوبی زدند. یکی از مثال‌های جالب تشبیه شوفاز به واگن قطار بود. هرکدام از گروه‌ها خواندند. خیلی جالب بود. تیر برق به درخت. ساعت به آفتاب. برای هرکدام هم دلیل یا همان وجه شبه می‌آوردند. کار دوم این بود گروه‌ها کلمات (باد، ابر، لب، زمین، رود، چشم) را در دفتر خود بنویسند. از آن‌ها پرسیدم، به نظر شما این‌ها به چه چیزی شبیه هستند؟ حداقل دو نمونه بگویند. گروه‌ها کارشان فوق‌العاده بود. همکاری داشتند. همه نظر می‌دادند. یکی هم می‌نوشت. بعد از چند دقیقه از آن‌ها پرسیدم، نوشتند؟ آن‌ها هم گفتند: بله. گروه‌ها خواندند. تشبیه‌های عالی و در بعضی قسمت‌ها خنده‌دار آورده بودند. مثل: تشبیه لب به ژله آلبالو. یا تشبیه‌های زیبا مثل: باد به زمان از نظر گذرا بودن. چشم به دوربین از لحاظ ثبت وقایع. لب به لعل. ابر به موی سفید و ایده‌های زیبا و جذاب دیگر. هدفم در این کار، پیدا کردن وجه شبه و ویژگی مشترک بین چیزهای مختلف بود. در کار بعدی برقراری ارتباط بین کلمات علم/نور. درخت/دانش. معلم/فانوس دریایی بود. هدفم شناختن ادات تشبیه و وجه شبه بود. دانش آموزان وجه شبه‌های بسیار زیبایی که من تا به حال به آن‌ها فکر نکردم، آورده بودند. مثل، دانش چون شاخه‌های متفاوت دارد شبیه درخت است. چون بارو میوه دارد. چون هر چه علممان بیشتر باشد مردم بیشتر به سراغ ما می‌آیند مثل درختی که بار و میوه داشته باشد. برای هریک از گروه‌ها دست زدیم. خودم هم آن‌ها را به گفتن کلمات آفرین، عالی بود، واقعاً زیبا بود، تشویق می‌کردم. بعد از آن از هر گروهی خواستم تا جملاتی مثل: شکستنی مانند، درخشان مثل، سفید همانند را کامل کنند. هرکدام مثال‌هایی آوردند مانند سفید همانند برف. موی سفید، درخشان مثل لامپ، خورشید و. در این فعالیت دانش آموزان با ادات تشبیه آشنا می‌شوند... از دانش آموزان خواستم خود را به جای فصلی که دوست دارند بگذارند و بگویند چرا دوست دارند شبیه آن باشند. خیلی برایشان سخت بود. سؤال می‌پرسیدند، مثلاً چگونه. من هم برایشان

توضیح دادم مثلاً: من دوست دارم مانند بهار همه جا را سرسبز کنم. به آن‌ها گفتم هرکدام به صورت جداگانه فکر کنید چون فصل‌هایتان متفاوت است. نزدیک زنگ بود فقط از سه نفر پرسیدم. یکی از دانش آموزان را با شماره و نام صدا کردم. کمی استرس داشت و نمی دانست چه چیزی بگوید از او خواستم بنشیند و فکر کند. در همان لحظه بلند شد و گفت: دوست دارم مانند زمستان باشم چون با باران همه چیز را می شوید من هم دوست دارم غصه ها را بشویم. گفت: همین الآن به ذهنم رسید. او را تشویق کردم. یکی دیگر از دانش آموزان که نوشته ای زیبا که قبلاً نوشته بود را خواند. خیلی زیبا و دلنشین بود. از بچه ها خواستم او را تشویق کنند. در ابتدا از گروه یک می پرسیدم و به ترتیب جلو می رفتم. بعضی از ایده ها مانند هم بود، برای همین گروه های دیگر چون بعد از گروه اول می گفتند، فکر می کردند تکراری است و نگوییم. به خاطر همین به ترتیب نگفتم. بعضی وقت ها گروه دو اولین گروه بود. بعضی دیگر گروه هایی غیر از گروه یک. در تمرین ها متوجه می شدم دانش آموزانی که در ابتدا انگیزه کافی را نداشتند با انگیزه با گروه های خود همکاری می کنند. وقتی مباحثه و نقد دانش آموزان در گروه ها را می دیدم متوجه می شدم چقدر درگیر کار و درس شده اند. گویا کسی غیر از درس به هیچ چیز دیگری فکر نمی کرد. در آخر از دانش آموزان خواستم تا برای هفته بعد هرکدام یک تشبیه برای من بیاورند. زنگ به صدا درآمد ولی دانش آموزان بیرون نمی رفتند از آن ها خواستم بروند اما دوست داشتند مثال های خود را بخوانند. چند نفری خواندند و با هم رفتیم.

دومین جلسه تدریس ۱۳۹۴/۹/۲

زنگ دوم:

وقتی وارد مدرسه شدم، زنگ تفریح بود. مثل همیشه با همه سلام و احوال‌پرسی کردم. در دلم فقط از خدا می‌خواستم معلم جدید وقتش را به من بدهند تا من بتوانم امروز کارهایم را انجام دهم. در غیر این صورت هیچ‌وقت دیگری ندارم. چون شنبه تا ساعت شش کلاس دارم. دانش‌آموزان هم فقط شنبه آرایه دارند. معلمی ناشناس در گوشه‌ای نشسته بود. حدس زدم خانم حبیبی، معلم جدید بچه‌ها باشد. سلام و احوال‌پرسی کردم خودم را معرفی کردم. خانم بسیار آرام و صبور و با درک بالا. وضعیتم را برای ایشان شرح دادم. هرچند می‌خواستند از زنگشان استفاده کنند و به‌جای تاریخ ادبیات به بچه‌ها ادبیات درس بدهند اما قبول کردند ساعت آخر را به من بدهند. ایشان در مدرسه نمونه دولتی درس می‌دادند و خدا را شکر کردم بالاخره برای بچه‌ها یک معلم خوب و باسوادی آمد. من بچه‌ها را بیشتر از ایشان می‌شناختم به خاطر همین در مورد بچه‌ها از من پرسیدند. بعد از آن باهم به کلاس رفتیم. ایشان ابتدا با دانش‌آموزان آشنا شدند. درس‌هایی که تدریس شده است را پرسیدند. شیوه کاری خود، اینکه بعد از هر درس پرسش می‌شود، چون عقب هستند باید چند درس را باهم بدهند، بچه‌ها باید در درس دادن با معلم همکاری کنند را گفتند. تدریس را شروع کردند. دانش‌آموزان به ترتیب می‌خواندند. معلم علاوه بر معنی، نکات دستوری، نگارشی، زبان فارسی، آرایه و هر آنچه مربوط به درس بود را برای دانش‌آموزان می‌گفتند. دانش‌آموزان را به سال‌های قبل می‌بردند و از دانش‌های قبلی آن‌ها پرسش می‌کردند. درعین حال در حین درس هم از دانش‌آموزان می‌پرسیدند. دانش‌آموزان هم با پاسخ به معلم اعتماد به نفس پیدا می‌کردند. در پایان معلم برای هفته بعدشان امتحان با حفظ شعر گذاشتند. شعر را هم به صورت جای خالی و کتبی امتحان خواهند گرفت. معلم بسیار ریزبین و نکته‌سنجی بودند به دانش‌آموزان نکات تستی و کنکوری را در حین درس گوشزد می‌کردند. به نظر من از سایر معلمان بهتر عمل کردند. بعد از اینکه به دفتر رفتیم از من پرسیدند خوب بودم؟ من هم از ایشان خیلی تعریف کردم و از اینکه وقت خوشان را به من دادند تشکر کردم.

زنگ سوم:

دانش‌آموزان باز هم کارگاه و سخنران داشتند. معلمان هم گله‌مند از کمبود وقت.

زنگ چهارم:

اتاق فناوری را برای تدریس آماده کردم. البته قبل از آن بامدیرهماهنگ کردم. ایشان هم مشکلی نداشتند. از بچه‌ها خواستم به اتاق فناوری بیایند. دستگاه ولپ تاپ مشکل داشت. با کمک بچه‌ها آن را درست کردیم. از یکی از دانش آموزان خواستم فیلم برداری کند. بعد از ورود و سلام و احوال‌پرسی، حضور و غیاب کردم. شعری را که آماده کرده بودم، از آقای مشیری برایشان خواندم. خیلی خوششان آمده بود. گفتند: شما خیلی زیبا می‌خوانید. منم می‌توانم مثل شما بخوانیم برای همین شعر را دوست نداریم. به آن‌ها پیشنهاد دادم چند بار شعر را بخوانند. فایل صوتی آن‌هم در اینترنت موجود است، می‌توانند گوش بدهند. پاور پوینت را آماده کردم. متأسفانه تمام زحماتم هدر رفت. چون سیستم آنجا پایین‌تر از لپ‌تاپ من بود، پویانمایی‌ها را نمی‌خواند و اسلایدها به صورت ساده اجرا می‌شدند. در هر حال خدا را شکر کردم که حداقل فایل پاور بالا آمده است. ابتدا از بچه‌ها پرسیدم در هفته گذشته کلمه کلیدی که بیشتر راجع به آن حرف زدیم چه چیزی بود؟ آن‌ها هم گفتند: تشبیه. بعد از آن من هم گفتم موضوع امروز ماهم تشبیه است. تشبیه را تعریف کردم. البته قبلش از دانش آموزان می‌خواستم تعریفی ارائه دهند. بعد از آن سؤالی از تشبیه پرسیدم. ارکان تشبیه را با سؤال و جواب از بچه‌ها توضیح دادم. مثالی آوردم و گفتم: چه ارکانی حذف شده است. بچه‌ها پاسخ دادند. سؤالات زیادی پرسیدم که در آن‌ها ارکان مختلف تشبیه حذف بود. بعد از آن وجه شبه و ادات را باهم حذف کردم. از دانش آموزان پرسیدم آیا این هم تشبیه است. آن‌ها فکر کردند و با شک جواب دادند بله. گفتم این تشبیه با تشبیهات قبلی چه فرقی دارد. آن‌ها گفتند: وجه و ادات ندارد. بعد تشبیه بلیغ را برایشان توضیح دادم؛ که در آن وجه و ادات حذف است. تشبیه بلیغ اسنادی را هم با مثال به بچه‌ها درس دادم. در میان تدریس خانم مدیر آمدند و گفتند: ما اتاق فناوری را برای کلاس ضمن خدمت می‌خواهیم. از ایشان پنج دقیقه وقت خواستم. در صورتی که خیلی از کارهایم مانده بود و من قبلاً با ایشان هماهنگ کرده بودم. سریع درس را جمع‌بندی کردم. دوباره معاون پرورشی آمدند و گفتند: سخنران آمده و اتاق را نیاز دارند. مرحله انتقال به موقعیت جدید را با دادن چند سؤال به پایان رساندم؛ اما به اشتراک‌گذاری را به دلیل وقت اندک نتوانستم اجر کنم. متأسفانه تدریس رادرسى دقیقه به پایان رساندم. ولی می‌توانستم بیشتر از این بچه‌ها را با مثال‌های گوناگون آشنا کنم. در و طول تدریس با پرسش و پاسخ پیش رفتم. ابتدا برای دانش آموزان فرضیه‌ای برای مبحث جدید می‌ساختم و سپس درس می‌دادم. دانش آموزان هم تماماً با من همکاری می‌کردند. به سؤالاتم با اشتیاق پاسخ می‌دادند. همه داوطلب پاسخگویی بودند. البته بعضی از افراد

که اصلاً داوطلب نمی شدند خودم آن ها را انتخاب می کردم. در آخر تدریس هم بادانش آموزان درس را خلاصه کردیم. به این صورت که من از دانش آموزان می پرسیدم و آن ها هم جواب می دادند. خداحافظی کردم و به دانشگاه آمدم.

سومین جلسه تدریس ۱۳۹۴/۹/۹

زنگ چهارم:

روز دوشنبه برای اجرای ارزشیابی به مدرسه رفتم. روز قبل بادنش آموزان هماهنگ کردم تا فردا زنگ نماز از آن‌ها امتحان بگیرم. به دلیل اینکه سه‌شنبه امتحان ادبیات دارند و کلاس آخر را هم معلم برای تدریس ادبیات می‌خواهد همچنین آن‌ها در روز شنبه آرایه دارند. من شنبه تا ساعت ۵ کلاس دارم و با برنامه‌هایم هماهنگ نیست. عدم برنامه‌ریزی درست مدرسه باعث شد، برنامه‌هایی که در طرح درس نوشتم به‌خوبی انجام نگیرد. تغییر دبیران، جابه‌جایی کلاس‌های ادبیات، عدم برگزاری کلاس به دلیل برنامه‌های پرورشی غیره، عوامل اختلال در برنامه‌های من بود. در بدو ورود مدرسه، بادنش آموزان در حیاط مدرسه برخورد کردم. به آن‌ها گفتم: به کلاس رفته، برای امتحان آماده شوند. به اتاق مدیریت رفتم. بعد از احوال‌پرسی، متوجه شدم دانش آموزان را به سینما بردند. دانش آموزان کلاس من هم جزو آن‌ها بودند. چون معلم دو زنگشان نیامده بودند. آن‌ها هم رفتند. غایبین زیاد بودند. ولی ارزشیابی را برگزار شد. ارزشیابی ۱۵ دقیقه بود. چند دقیقه اول آخر را فیلم‌برداری کردم. چون تمرکز دانش آموزان از بین می‌رفت. بعد از آن‌ها پرسیدم همه سؤال‌ها را نوشتند؟ گفتند: بله. پرسیدم کدام سؤال سخت بود؟ آن‌ها همان‌طور که انتظار داشتم به سؤال آخر اشاره کردند. باوجود سختی سؤال همه آن را حل کرده بودند. سؤالاتم شامل سؤال چهارگزینه‌ای، تشریحی، کوتاه پاسخ، جای خالی، از درسش تشبیه بود. در ابتدا سؤالات را برایشان شرح دادم. از آن‌ها خواستم اگر سؤالی دارند، دستشان را بالا ببرند. بعضی از دانش آموزان استرس داشتند. می‌پرسیدند، آیا امتحانتان سخت است؟ من هم آن‌ها را به آرامش دعوت می‌کردم. ۱۵ دقیقه تمام شد. برگه‌ها هم جمع شد. در حال آماده شدن و آمدن به دانشگاه بودم که یکی از دانش آموزان از من خواست تا استعاره را برایش توضیح دهم. بقیه هم که از کلاس بیرون رفتند به کلاس آمدند. گفتم هرکس می‌خواهد می‌تواند برود، اشکالی ندارد. ماندند و من هم برایشان استعاره را توضیح دادم. به سؤالاتشان جواب دادم. مشکلاتشان را حل کردم. فرق استعاره و تشبیه را به آن‌ها گفتم. آن‌ها هم همه آنچه را که گفتم یادداشت‌برداری کردند.

تجربیات کلی حضور در مدرسه :

مدارسی که برای دو مقطع تحصیلی در نظر گرفته می شود باید هم از نظر فیزیکی و هم از نظر روان شناختی مورد بررسی قرار گیرد، آیا این مدرسه برای تعداد دانش آموزان فیزیک مناسب دارد و آیا این دو مقطع اگر باهم ترکیب شوند از نظر روانی اجتماعی مشکلی پیش نمی آید. همچنین برگزاری مراسم ها و هماهنگی بین مقاطع است. تعداد معاونان اجرایی در مدرسه باید با تعداد دانش آموزان هماهنگی داشته باشد.

دانش آموزان، به خصوص دانش آموزان سال سوم چهارم بیشتر از معلمانی که نکات مهم درسی را می گوید و از آن هادر کلاس مشارکت می خواهد خوششان می آید. دانش آموزان با مشارکت در درس درگیر شدن با آن بیشتر درس را درک کنند. برای انتخاب معلمان این دویاه بیشتر از پایه های دیگر متوسطه ی دوم باید دقت نظر داشت. چون دانش آموزان هم پایانی دارند و هم کنکور.

دانش آموزان معلمانی را دوست دارند که آن ها را درک کند. معلمانی که در درس دادن سختگیری نداشته باشند. امتحانات کلاسی بگیرند. در مورد مسائل غیردرسی که باعث بالا رفتن اطلاعاتشان شود

هم صحبت کنند. از نوشتن زیاد معنی خسته می شوند. همکاری در یک مدرسه بین کارکنان بسیار حیاتی است. دانش آموزان درس معلمانی که به آن ها علاقه دارند بهتر فرامی گیرند. معلم در تدریس باید تفاوت های فردی دانش آموزان را در نظر بگیرد. معلم باید قانون کلاس خود را به دانش بگوید تا دانش آموزان بدانند باید چه رفتاری را در کلاس پیش بگیرند. معلم باید سطح دانش آموزان را قبل از تدریس بررسی کند. و با در نظر گرفتن استعداد دانش آموز، مسئولیتی را برای بالا بردن اعتماد به نفس دانش آموز به او محول کند. معلم در تدریس باید از روش های مختلف استفاده کند. معلم باید در تدریس، دانش آموزان را هم شرکت دهد. روش تدریس مناسب درس را انتخاب کند. در اولین جلسه موقعیت پژوهی برای شناخت درست دانش آموزان داشته باشد تا ببیند در چه سطحی هستند. اگر مشکلات جسمی دارد و نمی تواند بایستد و بنویسد در اتاق فناوری با پاورپوینت درس دهد تا دانش آموز در هر چند ثانیه برای نوشتن به جای معلم از جای خود بلند نشود. کار گروهی یکی از بهترین روش ها برای فعال کردن دانش آموزان است با این شرط که همه دانش آموزان را درگیر کنیم. از همه اعضای گروه پرسش شود. باید به دانش آموز مجال

فکر کردن و پرواز دهیم. نباید با سخنرانی صرف درس را به اتمام برسانیم. مدرسه هم باید برای دانش آموزان به خصوص در درس های تخصصی آن ها معلمان خبره انتخاب کند. نه معلمانی که در هر هفته تغییر می کنند. دانش آموزان تشویق را دوست دارند. وقتی دانش آموزی را تشویق می کردم متوجه می شدم پیش دوستانش احساس بزرگی می کند. مسئولیت به دانش آموز بازیگوش باعث می شود احساس تعهد بیشتری به کلاس و درس داشته باشد. شیوه تدریس معلم هم در جذب دانش آموز به درس و هم در سطح یادگیری آن بسیار مهم است. معلم در حین درسی مانند ادبیات فقط نباید ادبیات درس دهد بلکه باید از متن داده شده برای همه دروس مربوط به ادبیات استفاده کند مانند زبان فارسی، آرایه و. معلم با درگیر کردن دانش آموز در درس یادگیری فعالی را رقم می زند. دانش آموزان از اینکه معلمشان برایشان کتاب های غیردرسی مثل شعر بخواند لذت می برند. معلم باید با پرسش و پاسخ از دانش آموزان تدریس کند. دانش آموزان وقتی درگیر درس هستند بهتر درس را متوجه می شوند. سؤالات ارزشیابی باید از آسان به پیچیده باشد تا دانش آموز با حل کردن سؤالات ابتدایی اعتماد به نفس بگیرد. بعضی سؤالات باید پیچیده باشد تا دانش آموز از حد دانش فراتر برود. مشکلات دانش آموزان از سؤالات مربوط به ارزشیابی باید در همان روز حل گردد.

روایت های سمینار های (دانشکده)

خانم شرف زاده : ۱۳۹۴/۷/۷

اولین کلاس کارورزی برگزار شد. بعد از مشخص شدن کلاس به طبقه دوم رفتیم. اولین بار باخانم شرف زاده کلاس داشتم. در کلاس مستقر شدیم. تعدادمان کم بود. بچه ها به دنبال کلاس بودند. ده دقیقه گذشت. تقریباً همه آمده بودند. خانم شرف زاده کامپیوتر را روشن کردند. فرم های مربوط که الف و جیم نامیده می شدند را نشان دادند. در بین نشان دادن فرم ها توضیحات لازمه را نیز بیان می کردند. چه کار هایی باید انجام شود. چند جلسه باید در مدرسه حضور داشته باشیم. چند جلسه باید تدریس انجام شوند. بچه ها هم پر از سردرگمی و سوال بودند. کی به مدرسه می رویم؟ چه پایه ای باید تدریس کنیم؟ چرا باید فیلم برداری کنیم؟ مدرسه نداریم. خانم شرف زاده هم تا پایان کلاس به سوالات دانشجویان پاسخ دادند.

یافیه ها:

ده جلسه باید در مدرسه حضور پیدا کنیم.

شش جلسه تدریس کنیم. طراحی درس بیشتر بر عهده

استاد تخصصی است.

پرسش: آیا تعداد جلسات زیاد نیست؟

آیا تدابیری برای جلساتی که در فرجه قرار می گیرند

یا در امتحانات دانشجویان اندیشیده شده؟

استاد شرف زاده: ۱۳۹۴/۷/۱۴

محل برگزاری در سالن اجلاس بود. خانم شرف زاده با طرح درس چگونگی نوشتن آن کلاس را شروع کردند. چند طرح درس به ما نشان دادند. از روی طرح درس شیمی به ما توضیحات لازم را دادند. بعد از طرح درس و سوالاتی که از جانب دانشجویان مطرح شد. خانم شرف زاده از ما خواستند خودمان را معرفی کنیم. چه طرحی برای معلمی داریم. چه می‌خواهیم شویم واقعی خود را بیان کنیم. بعد از چند دقیقه همه نوشتند. شروع به خواندن کردند. هدف بیشتر دانشجویان یاددهی یا آموزش فعال بود. کلاس با بررسی هدف دانشجویان و بحث در مورد آن‌ها پایان یافت.

یافته ها:

آشنایی نسبی با طرح درس. آشنایی با طرح درس

در دروس دیگر. آشنایی با کنش پژوهی.

توصیف من چه کسی هستم.

استادقنبری: ۱۳۹۴/۷/۲۱

خانم قنبری استاد واحد حافظ ما بودند. استاد کاردان وبا اطلاعاتی هستند. از اینکه استاد راهنمای تخصصی ما شدند بسیار خوشحال بودم. خانم قنبری وارد شدند. مانند همیشه سر حال وبا نشاط. البته ایشان نباید الان برای ما کلاس می گذاشتند. بلکه فقط بررسی کارا های ما، از نظر تخصصی بر عهده دارند. حضورشان وبرگزاری کلاس لطفی مضاعف در حق ما بود. خانم قنبری ابتدا در مورد کارهایی که تا به الان انجام دادیم پرسیدند. ماهم سرشکسته کار خاصی انجام نداده بودیم. گفتند: پس به سراغ طرح درس و چگونگی نوشتن آن می رویم. فرم طرح درس را از طرح درس خانم خلیلی کپی کردیم. همه طرح درس خالی داشتیم. خانم قنبری از اهداف شروع کردند. هر ستون از فرم را با مثالی از دستور زبان فارسی برایمان توضیح دادند. خانم قنبری تاکید داشتند، ما مفهومی کلی از کتاب ها انتخاب کنیم. اینگونه هدف جزئی بهتر بیان می گردد. خانم قنبری تمام نکات تخصصی را همراه با مثال برایمان تا مرحله تجربه کردن بیان کردند. خانم قنبری مانند یک معلمی که در کلاس است ، مراحل اجرا را برایمان نمایش دادند. چگونه شروع شود. چگونه گروه بندی کنیم. آزمون رفتار ورودی بگیریم. آزمون های تکوینی چگونه انجام شود. چگونه دانش آموزان را با درس همراه کنیم. هرچند چهار ساعت کامل با خانم قنبری داشتیم اما باز هم ساعت خیلی زود سپری شد. خانم قنبری نتوانستند تمام فرم را تدریس کنند. کلاس بسیار پر بار بود. بسیاری از سوالات و ابهامات دانشجویان برطرف شد. کمی از اضطراب اینکه در مدرسه چه کاری باید انجام دهیم. چگونه کلاس را اداره کنیم و مدیریت زمان داشته باشیم را برایمان توضیح دادند. کلاس هم با سوالات دانشجویان و پاسخ از جانب خانم قنبری پایان یافت.

یافته ها:

یادگیری فرم طراحی آموزشی تا به تجربه گذاشتن

چگونگی اداره کلاس.

چگونگی شروع درس. راه حل هایی برای جدایت کلاس. برقراری ارتباط با دانش آموزان از طریق پرسش و پاسخ چگونگی تدریس درس هجاها در زبان فارسی عمومی.. انتخاب مفهوم کلی برای طرح درس. چگونگی برگزاری آزمون تکوینی. پایانی. ورودی

خانم شرف زاده: ۱۳۹۴/۷/۲۸

کلاس یک ربع زودتر شروع شد. در ابتدا خانم شرف زاده موضوع بحث امروز را بیان کردند. کنش پژوهی. ایشان فرمودند برای کنش پژوهی ابتدا باید خود را توصیف کنید. من چه کسی هستم؟ در کجا زندگی می

کنم. حساسیت هایم چیست؟ آرمان های معلمی من چیست؟ بعد از این ها بیان مسئله داریم. وقتی به مسئله رسیدیم تمام بچه ها شروع به اعتراض کردند که ما این مراحل را در ترم قبل انجام دادیم. دوباره چرا باید انجام شود. یکی از دانشجویان گفت: مگر کنش پژوهی مسئله سازی نیست. خانم شرف زاده هم گفتند: تا پایان مطالب تحمل داشته باشند. سوال ها را در آخر از ایشان پرسند. خانم شرف زاده خواستند تا آخر فرم سوالی نپرسند. ولی هر خط از فرم برای بچه ها سوال بود. بچه ها معترض به مسئله و حل و ارائه راحل بودند. حجم کار هم بالا رفته بود. خانم شرف زاده گفتند: نگران نباشید من هر جلسه از شما یک مبحث را میخوانم. برای جلسه بعد هم من چه کسی هستم همراه با روایت کلاس ها و سمینار ها و روایت های مدرسه و موقعیت فیزیکی و آموزشی. به دلیل حجم بالا کار استثنا بچه ها از خانم شرف زاده خواستند تا جمعه به ما وقت بدهند. در روزهای دیگر تا پنجشنبه به ما وقت دادند. چون جمعه هم حجم کارها زیاد می شود و هم ایشان خودشان کلاس دارند. در ادامه ایشان گفتند "کنش پژوهی یک چرخه است. اینکه تمام نظریه های ارایه داده شده باید پشتوانه علمی داشته باشند. دوباره بچه ها اعتراض کردند که ما همه جا نمی توانیم پشتوانه داشته باشیم. خانم شرف زاده هم گفتند: باید پشتوانه در همه ی کار هایتان باشد. بحث تا ویژگی فرایند آموزشی که مبحث آخر بود ادامه داشت. در این میان خانم رهی متصدی کتابخانه وارد کلاس شدند. برگه ای به خانم شرف زاده دادند. برگه اجازه تعطیلی کلاس بود. خانم شرف زاده هم موافقت کردند. کلاس به اتمام رسید. بچه ها فلش به دست برای گرفتن فرم ها از خانم شرف زاده منتظر ماندند. من هم برای گرفتن فرم کارورزی به اتاق سایت رفتم تا سه شنبه هفته بعد به مدرسه نیایش بروم.

یافته ها:

تمام فعالیت های کارورزی ۳

خانم قنبری: ۱۳۹۴/۷/۲۸

ساعت ۸ تا ۱۲ با خانم قنبری کلاس داشتیم. ابتدا از ما پرسیدند به مدرسه رفتیم یا خیر. ما هم گفتیم: نه. خانم قنبری هم گفتند: خیلی دیر شده زودتر بروید و جسارت داشته باشیم. جلسه قبل تا به تجربه گذاشتن را تدریس کردند. ولی امروز دوباره از ابتدای طراحی آموزشی برایمان توضیح دادند. برای درس های مختلف مانند: دستور زبان، آرایه، ادبیات مثال های مختلفی داشتند. همه ی درس ها را مانند معلم درس دادند. ایشان گفتند: برقراری ارتباط برای این است که شناخت و ایجاد انگیزه کنیم. از دانش آموزان بپرسیم چه چیزی شما را

راضی می کند. موسیقی، خواندن، نوشتن. برای تدریس آرایه (تشبیه) یکی از دانش آموزان را پای تخته بیاوریم و بگوییم به چه کسی شبیه است. چرا؟ و مثال های مختلف. بازخورد را هم توضیحی، روایتی، خبری، تحقیقی بیان کردند که با کلمه من آغاز می شود. هر ستون تحلیل دارد که شامل پیش بینی، محدودیت ها، فرصت ها در فرایند اجرا است. مرحله به تجربه گذاشتن کاری است که دانش آموز به کارورز می دهد. به کار بستن مرحله اجرا و تدریس است. به اشتراک گذاشتن یعنی میان گروه ها یا افراد گروه به وسیله تکالیفی که برای هر درس آماده کردند اشتراک و همکاری برقرار شود. بعد از تحلیل و انتقال یعنی ایجاد فرصت جدید برای به کار گیری نوبت به سنجش است که نوع آن را استاد کارورز مشخص می کند. همه این مسایل و ریز مسایل دیگر را ما به صورت مکتوب یادداشت کردیم. در هر مرحله هم که لازم بود خانم قنبری برایمان تدریس می کردند. حتی دانشجویان را هم پای تخته می آوردند تا مسایل را حل کنند. ایشان گفتند: هر جا که لازم بود با من تماس بگیرید. دو شماره تلفن به ما دادند تا اگر یکی از آن ها جواب نداند دیگری در دسترس باشد. ایشان گفتند: اصلاً نگران نباشیم. طرح درس ها را نوشته، برایشان میل کنیم. بعد از بازخورد اگر دوست داشتیم برایشان قبل از رفتن به مدرسه اجرا کنیم. خانم قنبری هر آنچه می دانستد برایمان توضیح دادند. ما را آماده کردند. از استرسمان کم کردند. انسان فوق العاده ای هستند. چون من تا به حال در هیچ کلاسی مهارت معلمی را اینگونه نیاموخته بودم.

یافته ها:

تمام آنچه باید از طرح درس های مختلف در درس های ادبیات دانست، یاد گرفتیم.

خانم حسین زاده: ۱۳۹۴/۷/۲۸

سه شنبه علاوه بر کلاس خانم شرف زاده و قنبری یک کلاس ۴۵ دقیقه ای با خانم حسین زاده در سالن کنفرانس داشتیم. نمای کلی کارورزی سه را بیان کردند. ایشان اقدام پژوهی را اقدام برای حل مسئله ای که با آن درگیر نبودیم تعریف کردند. مانند آمدن مهمان ناخوانده برای فردی اما کنش پژوهی را به آشنایی مانند کردند که برای ارتقای مهارت آشنایی خود مهمان دعوت می کند. کنش پژوهی کارورزی سه هم پیدا کردن

مسئله برای ارتقای معلمی است. خانم حسین زاده در مورد من چه کسی هستم، گفتند: آرمانی ترین حالت خود را در آن بیان کنیم. این که معلمی مانند پرواز است، مانند پل است و.. فرم های مختلف را نیز توضیح دادند. فرم ب برای سمینار، فرم الف گزارش روایت روزانه، فرم ج چارچوب برای طراحی آموزشی. دانشجویان مسئله فیلم برداری را بیان کردند. خانم حسین زاده گفتند: مجوز آن از کشور آمده است. نگران چیزی نباشیم و لازم نیست از همه دانش آموزان فیلم بگیریم. ایشان در ادامه نکاتی را بیان کردند از جمله: بعد از طراحی آموزشی هر چند جلسه که معلم راهنمایمان تشخیص دادند در کلاس ها حضور پیدا کنیم. هر معلم برای یک دانشجو است مگر اینکه دو درس در دو زنگ داشته باشد. گزارش هایمان هم باید پشتوانه علمی داشته باشد. توضیحاتی هم در مورد کسانی که به عنوان همیار استاد کارورزی انتخاب شده بودند دادند. آن ها باید پوشه های دانشجویان را بررسی کنند. البته در حال حاضر نه. خانم حسین زاده خیلی باعجله تمام مسایل را بیان کردند. ما ساعت یک ربع به دو کلاس داشتیم. بعد از ماهم سری دیگری از دانشجویان با خانم حسین زاده کلاس داشتند. کلاس در نیم ساعت تمام شد و ما به کلاس دیگرمان رفتیم.

یافته ها:

نمایی کلی از کارهایی که در کارورزی ۳ باید انجام داد

خانم شرف زاده: ۱۳۹۴/۸/۱۲

ارائه خانم عسگردون:

در این جلسه از کلاس خانم شرف زاده به نقد و بررسی فعالیت های دانشجویان پرداختیم و دانشجویان به نوبت اولین جلسه خود را بازگو و دانشجویان دیگر سوالات استدلالی خود را می پرسیدند. اولین نفر خانم عسگردون بودند ایشان در اولین روز معلم راهنما نداشتند. به کلاس خانم خدادی رفتند. از رفتار معلم راهنمای خانم خدادی انتقاداتی داشتند. پرخاشگری به دانش آموزانی که به سوالات جواب می دادند از جمله آن بود. اما از

روش تدریس پرسش و پاسخ ایشان تمجید کردند. موقعیت فیزیکی را بررسی کردند. خانم مدیر هم بسیار منضبت بودند.

پرسش ها:

خانم خادمی پرسیدند: به کلاس خودش اصلاً نرفت. راجع به کلاس خود از مدیر می پرسید؟

عسگردون: خیر چون کلاس مشخص نبود.

خدادای: چرا پرسش و پاسخ خوب است؟

عسگردون: چون ما در کتاب روش و فنون تدریس در مورد محاسن آن خواندیم

گرجی: چرا معلم پر خاش کرد؟

عسگردون: چون دانش آموزان جواب سوالات دانش آموزی دیگر را دادند.

استاد: چگونه متوجه شدید مدیر منضبت است؟

عسگردون: چون دانش آموزی را در بیرون دید به خانواده اش زنگ زد. با آن های که آرایش داشتند یا فرم نپوشیده بودند برخورد می کرد.

ارائه خانم خدادادی:

خانم خدادای: ایشان هم همراه با خانم عسگردون به موقعیت پژوهی پرداختند. بعد به کلاس معلم راهنما رفتند. معلم راهنما از ابتدای کلاس در مورد کمبود وقت و درس دادن چند مبحث وارد درس شد. سه درس را پشت هم با مازیک قرمز تا انتهای تخته نوشتند. بعد حکایت خواندند. بعد هم شعر رامعی کردند. دانش آموزان هم پشت سر معلم غرولند می کردند. هیچ سوالی نمی پرسیدند.

پرسش ها:

رفیعی: زنگ تفریح را می گرفت.

دانشجویان: با دلایلی مخالفت کردند. مانند: استراحت کردن. غیر قانونی بودن.

گرجی: از روش کلاس معکوس استفاده می کرد.

دانشجویان. در ایران جواب نمی دهد. شاید دانش آموزی امکانات نداشته باشد.

استاد: چرا ماژیک قرمز خوب نبود.

دانشجویان: چون هم چشم دانش آموزان اذیت می شدوهم دانش آموزان آخر نمی دیدند.

ارائه خانم عبدی:

خانم عبدی از املا دانش آموزان ناراضی بودندولی در انشا فوق العاده عمل کردند. جلسه اول معلم خوب رفتار می کرد. هم با دانش آموزان هم با دفتر. جلسه دوم برخورد خوبی نداشتند.

پرسش ها: استاد: از کجا متوجه شدید انشایشان خوب ولی املا ضعیف است؟

عبدی: چون چگونگی نوشتن کلمات ساده مثل به ندرت یا آثار را نمی دانستند. معلم یک ماه در میان املا میگوید. یک تک زنگ املا دارند. انشا یک کتاب دارد ویک زنگ کامل.

سجادی: چون دانش آموزان در فضای مجازی هستند فقط می خوانند ودر آن جا املا رعایت نمی شود.

عبدی: این موضوع در کلاس هم دیده می شد. دانش آموزان از هم رمان مجازی می خواستند.

ارائه خانم بابادوست:

فضای فیزیکی مدرسه خوب نبود. همه چیز به هم ریخته بود. معلم راهنما وضعیت پوشش خوبی نداشت. البته از نظر شخصیت معلمی. معلم راهنما از او می ترسید. حکایتی خواند وبعد شروع به بازی با دفترش شدند. بچه ها هم هر کاری دلشان می خواست انجام می دادند.

پرسش ها:

استاد: از کجا فهمیدی مدرسه خوب نبود؟

بابادوست: تخته گچی بود.بیشتر وسایل به هم ریخته بود. کلاس کوچک بود.

دانشجویان: معلم دیگر کاری نکرد؟

بابادوست: خیر.

ارائه خانم جلیلی:

معلم راهنما به صورت مشخصی از ایشان می ترسید. با دانش آموزان به صورت پرخاشگرانه رفتار می کردند. هیچ آرایه یا نکات مهم را برای دانش آموزان بیان نمی کرد. کلاس بسیار کوچک بود. دانش آموزان بسیار ناهنجار بودند. معلم حتی معنی شعر را هم نمی دانستند. به نظر دانش آموزان اهمیت نمی دادند. ساعت بعد دانش آموزان بیکار بودند. خانم جلیلی خودشان به کلاس رفتند. متوجه شدند دانش آموزان نا به هنجار نیستند. اگر درست درس داده شود گوش می دهند. معلومات ادبی بسیار کمی داشتند. ایشان هم به آن ها چند آرایه را تدریس کردند.

پرسش ها:

به نظر من اطلاعات کم ادبی دانش آموزان دلیل بر اینکه فقط این معلم روش تدریس درست ندارد اشتباه است. چون این دانش آموزان از پایه ضعیف هستند. هرچند معلم این کلاس هم درست عمل نکردند.

ارئه خانم کاظمی:

همراه با خانم عبدی به کلاس رفته بودند. معلم مدیریت ضعیفی داشت. نحوه تدریس معلم خوب نبود. چون درس را میدند. بعد می گفتند خط اول این آرایه خط پنجم آرایه ای دیگر. بهتر بود همراه با متن آرایه ها را بیان کنند.

پرسش ها:

صالحانی: چرا نحوه تدریس خوب نبود؟

کاظمی: چون درس را می دادند. بعد می گفتند خط اول این آرایه خط پنجم آرایه ای دیگر. بهتر بود همراه با متن آرایه ها را بیان کنند.

استاد: چرا مدیریت ضعیف بود؟

کاظمی: چون دانش آموزان به درس گوش نمی دادند و معلم هم چیزی نمی گفت یک دفعه آبروی یکی از دانش آموزان را میبرد.

ارائه خانم خلیلی:

مدرسه عالی. معلم بسیار خوب. دانش آموزان درس خوان. به موقعیت پژوهی پرداختند. معلمان روابط بسیار خوبی داشتند. مدیر با آن ها بسیار خوب رفتار می کردند. از مدیر درمورد نمره ادبیات دانش آموزان

پرسیدند و مدیر لیستی به آن ها دادند که نمره تمام دانش آموزان در تمام پایه ها در درس ادبیات در آن وارد شده بود. این کار بسیار مثبتی بود.

استاد شرف زاده: ۱۳۹۴/۸/۱۹

بعد از بازخوردها خانم شرف زاده متوجه شدند، دانشجویان کمی در مسایل کارورزی یک و دو ضعیف هستند یا آن را رعایت نمی کنند. برای همین در ابتدای کلاس مباحث کارورزی یک و دو را به صورت شاخه بندی و خلاصه برای ما توضیح دادند. مانند مشاهدات تاملی و مسایل مربوط به آن. بعد از توضیح مراحل مختلف آن، از ما خواستند تا هنگام روایت تا مرحله قضاوت و ارزشگذاری پیش بریم و توصیف ساده نداشته باشیم.

یافته ها:

بیشتر متوجه شدم که چه کارهایی باید انجام دهم. نمیدانستم باید نوشته ها را قضاوت هم کرد. شاخه بندی مطالب موجب ثبت ذهنی آن شد.

خادمی:

خانم خادمی روایت هفته قبل خود از مدرسه را بیان کردند. سیزده آبان بود. بچه ها در کلاس بودند و به راهپیمایی نرفتند. طی مشاهدات خانم خادمی متوجه شدیم دانش آموزان ریاضی در درس های تخصصی مانند ریاضی یا زبان بسیار فعال و با انگیزه هستند اما در زنگ ادبیات کسل و بی انگیزه به نظر می رسند. البته در روش تدریس معلمان هم بحث هایی شد. روش تدریس معلمان زبان و ریاضی روش تدریس فعال بود که دانش آموزان را با انگیزه می کند. اما در کلاس ادبیات روش سخنرانی به کار گرفته می شود که کسل کننده هم هست.

پرسش ها:

صالحانی: به نظر شما بردن دانش آموزان به راهپیمایی یا سایر کارهای فرهنگی در زمان آموزشی درست است؟

خادمی: خیر. دانش آموزان از درس خود عقب می مانند. می توانند دانش آموزانی که ورزش دارند ببرند.

به نظر من هم. باید ساعت فرهنگی برای مدارس در نظر گرفته شود

معلم ادبیات هم باید روشی به کار گیرد تا دانش آموزان هم نقش فعال در تدریس داشته باشند.

ارائه خانم قنبری:

استاد راهنمای خانم قنبری یکی از اساتید خودمان است و این موضوع کارش را کمی سخت می کند. از این لحاظ که استرسش بیشتر از ماست. بچه های معلم راهنما ایشان ساعت هفت، قبل از صبحگاه به کلاس می روند. در هنگام درس دادن هم ابتدا درس را می دهند سپس نکات را دوباره می گویند. درشان درس گاو دوم دبیرستان بود. بچه ها در طی نظریات خود گفتند بهتر بود فیلم گاو را برای بچه ها پخش می کردند تا کمی باعث تنوع شود. اما کلاسشان وسایل کمک آموزشی نداشت. ما به استاد گفتیم: وقتی حجم درس زیاد است و معلم وقت ندارد تمام درس هایش را به موقع بدهد، چطور فیلم هم پخش کند. استاد گفتند: چند هفته در میان هم شده برای تنوع این کار را بکنند. حتی در نوشتن طرح درس اگر نمی توانید برای همه درس ها طرح بنویسید. در هر سال سه الی چهار درس از همان کتاب را طرح درس بنویسید.

پرسش ها:

صالحانی: دانش آموزان با زود آمدن مشکلی ندارند؟

گفتند: اصلا.

پس به نظر من اگر دانش آموزان از این کار خسته نمی شود ، اگر زود تر بیایند ، مشکلی رخ نمی دهد. در مورد فیلم : فیلم گاو خیلی قدیمی و سیاه و سفید است . بچه ها اصلا لذت نمی برند.

هر چند می توانستند طی درس دانش آموزان را فعال کنند . آرایه ها را از دانش آموزان پیرسند.

ارائه خانم حسینیان:

خانم حسینیان در زنگ های مختلف به کلاس ها مورد نظر خود رفتند و متوجه شدند در کلاس عربی بسیاری انضباط و در کلاس های دیگر بهتر هستند. در کلاس عربی معلم هیچ تلاشی برای ساکت کردن دانش آموزان نمی کردند. در ضمن حال جسمی خوبی هم نداشتند. در نظریات که دانشجویان دادند دریافتیم : معلم مدیریت درستی در کلاس نداشتند. ولی دانش آموزان در عین حال به سوالات معلم هم پاسخ می دادند. و این جای تعجب بود.

پرسش ها:

به نظر من خانم حسینیان باید چند جلسه به کلاس درس عربی بروند . شاید دلیلی دیگر برای شیطنت دانش آموزان وجود داشته باشد.

ارائه خانم پوریانی:

خانم پوریانی مدرسه را از نظر خانوادگی ، فرهنگی ، درسی بررسی کردند که در سطح متوسط بودند. دانش آموزان درس خوان. معلم از روش تدریس فعال و متنوع مثل شاخه بندی ، پخش فیلم و.. استفاده می کردند. هنگام تدریس پیش نیاز ها را بیان می کردند. دانش آموزان به یکدیگر در یادگیری کمک می کردند. اگر کسی مشکلی داشت او را مسخره نمی کردند.

پرسش ها:

به نظر من مدرسه ایشان مدرسه ای ایده آل بود. چون هم معلم روش مناسبی داشت و هم دانش آموزان فعال بودند. اینکه پیش نیاز ها را مطرح می کردند باعث می شد دانش آموزان بهتر درس را متوجه شوند.

ارائه خانم قلی پور:

معلمشان روش تدریس نادرست را در پیش گرفته بودند. از روی کتاب های کمک آموزشی در کلاس تدریس می کردند و امتحان می گرفتند. اما نکات مثبتشان این بود که از هر درسی که دادند پرسش می کردند. دانش آموزان هم پیش خوانی داشتند.

پرسش ها:

به نظر من معلم می توانست سوال ها را در خانه طرح کند. درسش را هم نباید از روی کتاب های کمک آموزشی بدهد چون اعتماد دانش آموزان سلب می شود. معلم باید تسلط کامل بر روی درسش داشته باشد. گفت و گو های دیگری هم در کلاس مطرح شد مانند: معلمان نکات دستوری یا معانی را قبلاً آماده کنند. موافقان و مخالفانی داشت. مخالفان نظرات خود را اینگونه مطرح کردند: ضعف مالی. بهانه دانش آموزان از اینکه نتوانستند پرینت بگیرند...

معلم اگر نهایت تلاش خود را برای ساکت کردن دانش آموزان انجام داد ولی ساکت نشدند بهترین کار بی اعتنائی است. معلمان اگر هم بخواهند روش دیگری را در تدریس استفاده کنند وقت کم می آورند پس باید حجم کتاب ها کم شود.

استاد شرف زاده: ۱۳۹۴/۹/۳

ارائه خانم گرجی:

معلمشان مریض بودند. ایشان به نیابت از معلم امتحان گرفتند. سپس درس را شروع کردند. مفهوم جناس را درس دادند. جناس های مختلف را روی تخته نوشتن و گفتند چه تفاوتی باهم دارند. دانش آموزی را که بازیگوشی می کرد بیشتر در درس شریک می کردند.

یافته ها:

اینکه با فرضیه سازی بیش رفتند جنبه مثبت کارشان بود. و اینکه دانش آموز بازیگوش را شریک کردند باعث می شد دانش آموز هم به درس گوش کند و هم مزاحم دیگران نشود.

خانم رفیعی: اگر من بودم به دانش آموز می گفتم برود بیرون بخندد و بعد بیاید. من نظر خانم رفیعی را رد می کنم با اخراج دانش آموز موافق نیستم. معلم باید به گونه ای باشد که دانش آموز را در ساعت تدریس در کلاس نگه دارد نه اینکه او را بیرون بیاندازد.

ارائه خانم رهی:

به تدریس فعل و ویژگی های آن در زمان کوتاهی پرداختند. معلمشان به ایشان وقت نمی دادند. در طول تدریستان از گروه ها استفاده می کردند.

یافته ها :

استفاده از گروه در طول تدریس هم باعث یادگیری

فعال می شود و هم تعامل دانش آموزان را بالا می برد.

استاد: ارایه پاورپوینت و فلش کارت برای تدریس جالب است.

ارائه خانم سجادی:

طنز در انشا نویسی را برعهده داشتند. ایشان برای کارشان ابتدا چند نثر طنز آمیز را برای دانش آموزان خواندند. سپس برایشان قسمتی از فیلم قهوه تلخ گذاشتند که هم طنز آمیز است و هم مربوط به درس و مدرسه بود. موضوعاتی را که دانش آموزان باید انشامی نوشتند به صورت عکس در پاور پوینت به آن ها نشان دادند. سطح انشا نویس دانش آموزان قوی بود ولی در طنز ضعف داشتند.

یافته ها:

در تدریستان بسیار خلاق بودند. ارایه عکس و فیلم طنز آمیز برای دانش آموزان جالب است. آن ها را راغب به نوشتن می کند.

گر جی : بسیار خوب بود شاید من به ذهنم نمی رسید موضوعات را به صورت عکس به دانش آموزان نشان دهم.

ارائه خانم رفیعی:

ایشان مبحث ادبیات پایداری را بر عهده داشتند. آهنگ مربوط به درس را پخش کردند. عکس و هنرهای دستی شهدا را آوردند. از دانش آموزان پرسیدند راجع به پایداری و مقاومت چه چیزی می دانید. سپس جناس را با مثال توضیح دادند. روی تخته نوشتند پایداری مثل این خود باعث درگیری ذهنی دانش آموز می شود.

یافته ها:

تدریس درس خشکی مانند ادبیات پایداری سخت است. اینکه ایشان خلاقیت های جالبی به کار گرفتند. دانش آموزان را در حال و هوای ادبیات پایداری قرارداد.

ارائه خانم باقری:

برای دانش آموزان درس را از روی خواند. در هنگام جمله سازی از اسم دانش آموزان استفاده کردند. دانش آموزان کند نویس بودند گفتند اگر زود بنویسد پانتومیم بازی می کنیم. همه سریع نوشتند.

یافته ها:

پانتومیم ابتکار جالبی بود. هم خستگی کلاس از بین رفت هم مشوقی برای تند نویسی دانش آموزان شد. استفاده از اسم دانش آموزان هم برای جلب توجهشان جالب بود.

خانم شرف زاده: ۱۳۹۴/۹/۱۷

ارائه خانم خادتمی فر:

ایشان را جمع به انواع روش های تدریس که قبلا هم آن ها خوانده بودیم مطالبی خواندند. روش های سخنرانی و بحث گروهی ، حل مسئله ، آزمایشگاهی. در بین حرف هایشان دانشجویان هم مطالبی می گفتند. خانم صالحانی گفتند: من از روش حل مسئله برای تدریس استفاده کردم. در این روش از تجربیات دانش آموزان برای تدریس استفاده می شود. ایشان این کار را در تدریس خود انجام دادند. برای تدریس درس تشبیه از دانش آموزان خواستند تا آن چه در بیرون و کلاس می بینند را به هم ربط دهند و بگویند چرا. در مورد روش هایی که در درس ادبیات بیشتر کاربرد دارد هم بحث هایی شد. دانشجویان هر کدام نظراتی داشتند. خانم گرجی گفتند: بحث گروهی یا پرسش و پاسخ بیشتر مورد استفاده قرار می گیرد. خانم صالحانی گفتند: در کنار این ها بیشتر از روش سخنرانی ، استفاده می شود. روش نمایشی هم مورد استفاده قرار می گیرد. استاد هم تایید کردند و گفتند: در بعضی از مدارس زنگ هنر با زنگ ادبیات یکی شده و دانش آموزان در آن به کارهای هنری مربوط به ادبیات می پردازند.

یافته ها:

بیشترین روش تدریس مورد استفاده در ادبیات روش، بحث گروهی ، سخنرانی، نمایشی می باشد. با ارائه روش های مختلف انشا نویسی با روش های بازخورد آن هم آشنا شدیم. برای عدم یکنواختی کلاس بهتر است از چند روش برای تدریس استفاده شود.

ارائه خانم گرجی:

در مورد روش سخنرانی ، بحث گروهی، سخنرانی، مطالبی را خواندند. بیشتر دانشجویان از بحث گروهی و سخنرانی در تدریس خود استفاده کرده بودند. استاد هم در مورد بحث گروهی مطالبی را توضیح دادند. مانند: بحث های گروهی چند دسته اند. داخل گروه. سرگروه ها با هم، گروه ها با هم ، مسابقه گروهی. که استفاده از هر کدام مزیتی دارد.

ارائه خانم رهی:

در مورد فواید و مراحل بحث گروهی مطالبی را خواندند. که خود دانشجویان و استاد هم با بحث هایی که داشتند به این نتایج رسیده بودند. ولی مراحل بحث گروهی مطلب جدیدی بود که ایشان ارائه دادند.

ارائه خانم جلیلی:

در مورد انواع انشا ، توصیفی ، تخیلی، تحلیلی، خلاصه نویسی، نامه نگاری و... مطالبی را مطالبی خواندند.

ارائه خانم قنبری:

در مورد عوامل نبوغ دانش آموزان در نوشتار و گفتار مطالبی را خواندند. در آرایه ایشان عوامل نبوغ ضلع های مختلفی مانند: خانواده ، مدرسه ، معلم ، دانش آموز داشت. هر یک به سهم خود در این نبوغ سهیم بودند. البته بیشتر بر خود دانش آموز تاکید داشت. زیرا او خود باید از عوامل دیگر استفاده کرده و با نوآوری آن ها به نبوغ تبدیل کند.

ارائه خانم خاتمی فر:

گزارشی از برقراری ارتباط خود ارائه دادند. معلمشان با ایشان همکاری می کنند. در ابتدای کار خود گروه بندی کردند بعد از آن شروع به برقراری ارتباط کردند. درس فعل و انواع آن را برعهده داشتند. از دانش آموزان در مورد فعل ، جایگاهش در جمله سوالاتی پرسیدند. با روش بحث گروهی درس را پیش بردند. تکلیف به تجربه گذاشتن را به دانش آموزان دادند. دانش آموزان املا داشتند و معلم از روش سخنرانی و پرسش و پاسخ استفاده می کردند. دانش آموزان در کلاس ادبیات ساکت و آرام بودند اما در کلاس آمادگی دفاعی به دلیل عدم مدیریت درست معلم بسیار بازیگوشی می کردند.

یافته ها:

استفاده از بحث گروهی روش مناسب برای تدریس ادبیات است.

رفتار و مدیریت معلم در کلاس باعث کنترل رفتار دانش آموزان می شود

ارائه خانم زرگری:

خانم کریمی ، معلم راهنما به تدریس پرداختند. لغات را برایشان معنی کردند. از دانش آموزان آرایه های درس را با روش پرسش و پاسخ سوال می کردند. بعدش تمرین حل کردند. بعد از آن خانم زرگری ارزشیابی خود را برایشان ارائه دادند. دانش آموزان بسیار ضعیف بوده و نمرات بسیار پایینی داشتند. نمرات قبلی آنان هم به همین منوال بود. استاد گفتند: آیا احساس نکردی از قصد این کار را کردند؟ خانم زرگری گفتند: نه ، نمرات قبلیشان هم همینطور بود. دانش آموزانش حتی خواندن صحیص کلمات را نمی دانستند. بر طبق آنچه بحث شد به این نتیجه رسیدیم ، دانش آموزان این کلاس از پایه ضعیفند. بسیاری از مشکلات آن ها بسیار پیش پا افتاده و برای سنشان بسیار تعجب برانگیز بود.

استاد:

بازخورد هایی از قبیل : ذکر روش تدریس خود در کلاس ، در روایت های خود وهم چنین روش تدریس معلم در روایت ها آورده شود. بیشتر راجع به روش تدریس معلم تخصصی درس ابیات در روایت بحث شود. آیا از یک روش استفاده می کند یا چند روش تلفیقی ؟ استاد متذکر شدند: انشا به نوشتار و خوانش دانش آموزان بسیار کمک می کند . در نوشتن مقالات هم تاثیر به سزایی دارد. مدارسی پژوهش محور در سطح کشور به وجود آمده که دانش آموزان را با چگونگی پژوهش آشنا می کنند تا بتوانند مقالاتی ارائه دهند یا حتی شیوه خواندن و نوشتن را یاد بگیرند.

خانم شرف زاده: ۱۳۹۴/۹/۲۴

ایشان در این جلسه به رائه بازخورد دانشجویان پرداختند. بعضی از دانشجویان بازخورد های خود را برای سایرین خوانده، خانم شرف زاده از همه خواستند تا این نکات را رعایت کنند.

یافته ها:

آشنایی با بازخورد های متفاوت دانشجویان به کاگیری آن در روایت های خود.

ارائه خانم خاتمی فر:

ایشان در علایم نگارشی و ویرایشی مشکل داشتند. مانند: خط فاصله بعد از ویلگول، نقطه و.. توجه به چگونگی نوشتار و تحریر جملات. از زیاد نوشتن پرهیز کنند. مطالب مهم را ذکر کنند. حاشیه رفتن را کنار بگذارند. مستندات بیشتری باید ارائه دهند. در جایی گفتند: معلم نباید سوالات را به دانش آموزان بدهد. استاد خواستند برای این ادعا دلیل بیاورند تا مستند باشد. روش تدریس معلم چه بود و شما چه روش تدریس را پیشنهاد می کنید؟

ارائه خانم صالحانی:

ایشان هم در علایم نگارشی مشکل داشتند. حاشیه نویسی کردند. استاد از ایشان پرسیدند، معلم چگونه به تدریس دانش آموز نابینا می پردازد. چگونه امتحان می گیرد؟ ایشان هم توضیح دادند که این بچه ها رابط دارند. از آن ها بیشتر شفاهی پرسش می شود. سایر دانش آموزان هم برایشان سوالات را در کتاب می نویسند. ارائه خانم گرجی:

علایم نگارشی مشترک با سایرین. در جایی از روایتشان گفتند: دانش آموزان استرس داشتند. استاد از ایشان خواستند دلیل استرس های دانش آموزان و راهکارهایی برای کم شده استرس بدهند تا نوشته علمی شود. یا نظریات خود را در این مورد بیان کنند.

استاد: تکالیفی و مواردی که باید برایشان ارسال کنیم، را، بازگو کردند. و از دانشجویان خواستند بازخورد، همراه با اصلاحیه ها را برایشان بفرستند.

استاد شرف زاده: ۱۳۹۴/۹/۲۸

آخرین جلسه از کلاس استاد شرف زاده به مباحث مربوط به دفترچه اختصاص یافت. اینکه ترتیب دفترچه چگونه باشد. از روایت من شروع می شود و تا پیوست ها ادامه دارد. فونت و اندازه آن را بیان کردند. در مورد کد گذاری و جمله پایانی نیز توضیحاتی دادند. ماباید بعد از کد گذاری جمله تبیینی خود را بیان کنیم مانند کارورزی ترم گذشته. نوشته ها از حالت فرم در آمده و به صورت یک دست با تاریخ نوشته شود. سعی کنیم از تاملات کلاس های اساتید و کلاس های مدرسه کد گذاری را انجام دهیم. و در آخر مهلت ارسال کارها را تا ۱۱ دی اعلام کردند. تاریخ برگزاری کنفرانس را اطلاع می دهند.

تجربیات کلی من از کلاس های استاید:

برقراری ارتباط با دانش آموزان از طریق پرسش و پاسخ روش بسیار خوبی است. برگزاری آزمون تکوینی در بین تدریس، پایانی در زمان اتمام تدریس، ورودی، قبل از تدریس. روش پرسش و پاسخ برای تدریس یکی از بهترین روش‌هاست. ما در کتاب روش و فنون تدریس در بخش انواع روش تدریس دکتر سیف در مورد محاسن آن از جمله، درگیر شدن دانش آموزان با درس، فهم بهتر درس، هزینه کم و... را خواندیم.

در زمان‌هایی که معلم واقعاً وقت کم دارد می‌تواند از روش کلاس داری معکوس استفاده کند. درواقع تدریس به صورت مجازی است. البته نقدهایی هم بر این تدریس وارد است مانند نبود امکانات کافی برای دانش آموزان، نبود زیرساخت‌های مناسب فناوری و...

در هنگام تدریس نباید از کل تخته برای نوشتن استفاده کرد یا حداقل تا انتهای تخته را نباید نوشت چون دانش آموزان نیمکت‌های آخر قادر به دیدن آن نیستند. از مازیک رنگ قرمز هم باید برای نوشتن نکات مهم استفاده کرد نه برای نوشتن کل مطالب بر روی تخته چون چشم‌های دانش آموزان خسته می‌شد و با خستگی چشم مغز هم از ادامه فعالیتش باز می‌ماند.

دانش آموزان در درس انشا و نگارش قوی‌تر از املا هستند به دلیل اینکه معلم یک ماه در میان املا می‌گوید. یک تک‌زنگ املا دارند. انشا یک کتاب و یک زنگ کامل دارد همچنین دانش آموزان در فضای مجازی هستند و فقط می‌خوانند و در آنجا املا رعایت نمی‌شود. این موضوع در کلاس هم دیده می‌شد. عوامل نبوغ در نوشتار ضلع‌های مختلفی مانند: خانواده، مدرسه، معلم، دانش آموز. هر یک به سهم خود در این نبوغ سهیم هستند. البته بیشتر تانید بر خود دانش آموز است؛ زیرا او خود باید از عوامل دیگر استفاده کرده و با نوآوری آن‌ها، به نبوغ نوشتاری برسد.

گاهی اطلاعات کم ادبی دانش آموزان دلیل صرف بر روش تدریس نادرست معلم نیست، چون بعضی از دانش آموزان از پایه ضعیف هستند. هرچند معلم نقش به سزایی دارد اما محدوده‌ی زمانی به او اجازه مانور زیاد را نمی‌دهد.

هنگام تدریس بهتر است همراه با متن نکات آن گفته شود چون دانش آموز در همان لحظه تمام حواسش در همان متن معطوف است اگر همه درس را بدیم سپس نکات را بگوییم هم وقت کم می‌آوریم و هم دانش آموز درگیر کل متن شده است. معلم ادبیات باید روشی به کار گیرد تا دانش آموزان نقش فعال در تدریس داشته باشند. مثلاً می‌تواند در طی تدریس آرایه‌ها را از دانش آموزان بپرسد. مطابق با درس فیلم پخش شود و به نقد ادبی آن پردازد که چقدر شبیه به متن خوانده شده است. در مجموع معلم از روش تدریس فعال متنوع مثل شاخه بندی، پخش فیلم و... استفاده کند. هنگام تدریس پیش‌نیازها را بیان کند. دانش آموزان باید یاد بگیرند در یادگیری به یکدیگر کمک کنند. اگر کسی مشکلی داشت او را مسخره نکنند. به نظر من معلم نباید از روی

کتاب‌های کمک آموزشی تدریس کند. چون اعتماد دانش آموزان سلب می شود. معلم باید تسلط کامل بر روی درسش داشته باشد. حتی در هنگام پرسش نباید کتاب کمک آموزشی در دست داشته باشد. می تواند از قبل سؤال هارا گرفته و بادانش آموزان به حل آن پردازند. کمبود وقت یکی از مشکلات اعظم معلمان ادبیات است که معلمان را مجبور به ارائه معنی متون به دانش آموزان، قبل از تدریس می کند. تا بتواند در کلاس نکات دیگر را بیان کند. البته مخالفان این امر اذعان دارند این کار باعث بهانه تراشی دانش آموزان شده و شاید امکانات لازم برای تکثیر آن یا پرداخت هزینه را نداشته باشند. معلمان اگر هم بخواهند روش دیگری را در تدریس استفاده کنند وقت کم می آورند پس باید حجم کتاب ها کم شود. استفاده از گروه در طول تدریس، هم باعث یادگیری فعال می شود وهم تعامل دانش آموزان را بالا می برد. در زنگ انشا ارائه عکس فیلم برای دانش آموزان جالب است. آن ها را راغب به نوشتن می کند. همچنین می توان عکس هایی از موضوعات انشا به صورت پاورپوینت ارائه داد. در زنگ املا برای تندنویسی دانش آموزان کند نویس انگیزه های بیرونی ایجاد کنیم. پانتومیم ابتکار جالبی است. هم خستگی کلاس از بین رفته، هم مشوقی برای تندنویسی دانش آموزان می شود. بیشترین روش تدریس مورد استفاده در ادبیات روش، بحث گروهی، سخنرانی، نمایشی هست. بحث های گروهی چند دسته اند. داخل گروه. سرگروه ها باهم، گروه ها باهم، مسابقه گروهی؛ که استفاده از هر کدام مزیتی دارد. برای عدم یکنواختی کلاس بهتر است از چند روش برای تدریس استفاده شود.

تدریس با فرضیه سازی جنبه مثبت کار یک معلم است. فعال کردن دانش آموز بازیگوش در تدریس باعث می شد دانش آموز هم به درس گوش کند وهم مزاحم دیگران نشود. به نظر من اخراج دانش آموز بازیگوش از کلاس درست نیست. مدیریت معلم باید به گونه ای باشد که دانش آموز را در ساعت تدریس در کلاس نگه دارد نه اینکه او را بیرون بیندازد. در مدیریت کلاس معلم اگر نهایت تلاش خود را برای ساکت کردن دانش آموزان انجام داد ولی ساکت نشدند بهترین کار بی اعتنائی است.

روایت های تدریس در کلاس (طراحی آموزشی)

مشخصات: نام مدرسه نقش پایه تحصیلی ... سوم انسانی ... موضوع. تشبیح..... درس جلسه... .. نام معلم
راهنما..... زمان:...../خواجه صالحانی

محتوا (مفاهیم/ مهارت ها به تفکیک): آشنایی با آرایه تشبیه انواع آن. مفاهیم مربوط به تشبیح (مشبه/مشبه به/وجه شبه/ادات تشبیه)

مهارت ها: تعریف تشبیه. همراه با انواع آن. تعریف ارکان تشبیه. تشخیص تشبیه در جمله یا شعرونوع آن (اسنادی، بلاغی). نشان دادن ارکان تشبیه در جمله یا شعر... تشخیص ارکان حذف شده در تشبیح (وجه شبه، ادات). حدس هوشمندانه در تشخیص وجه شبه حذف شده همراه با دلیل آن. آوردن مثال های غیر از کتاب درسی برای تشبیه و انواع آن.

پیامد یادگیری: انتظار می رود دانش آموزان تشبیه و انواع آن را بشناسند و در متن داده شده تشخیص دهند. بتوانند تعریف درست از تشبیه و تشبیح بلیغ و اسنادی به همراه ارکان آن ها ارائه دهند. ارکان تشبیه را در متن تشخیص دهند. تشبیح بلیغ را

همراه با وجه شبه حذف شده دریافت کنند در تشبیهات داده شده در نظم و نثر ارکان حذف شده را مشخص کنند. بتوانند تشبیهاتی بین کلمات داده شده ایجاد کنند.

مراحل	شرح تکالیف یادگیری / تکالیف عملکردی به تفکیک مراحل	محدوده زمانی	مواد / منابع یادگیری
برقراری ارتباط	بعد از سلام و احوال پرسری و حضور و غیاب. از دانش آموزان پرسیدم چه آرایه هایی تا به حال خواندند. از گروه ها خواستم به اطراف خود در کلاس یا بیرون به دقت نگاه کنند. ببینند چه چیزهایی شبیه به هم هستند و چرا؟ می توانند آنچه در کلاس هست را به هم ربط دهند یا در درون کلاس با بیرون. از گروه ها خواستم کلمات (باد/لب/رود/ابر/لامپ /) را بنویسند. و فکر کنند هریک از آنها به چه چیزی شبیه هستند. چرا؟ برای هر یک حداقل دو مورد نام ببرند. از گروه ها خواستم بین کلمات علم/نور-معلم /فانوس دریایی-درخت /دانش ارتباط برقرار کنند. همراه با دلیل. از گروه ها خواستم هریک از عبارت های (شکستی مثل /سنگین همانند/درخشان مانند/سفید همچون) را با تشبیه کامل کنند. از هر کدام از دانش آموزان خواستم خود را به جای فصلی که دوست دارند بگذارند و بگویند چرا. من مانند بهار هستم چون... هر یک از فعالیت ها با هدف آماده سازی برای یادگیری تشبیه و ارکان آن در نظر گرفته شده است.	۴۰ دقیقه	تعامل گروه ها. مشارکت دانش آموزان. پرسش و پاسخ. سخنرانی. مازیک یک عدد. آبپز رنگ. تخته. کاغذ و قلم.
فرآیند هدایت و ارائه بازخورد	من به مدرسه رفتم. از دانش آموزان خواستم تا آرایه هایی را که خواندن نام ببرند. بیشتر قالب های شعری را خوانده بودند. با تشبیه هم آشنایی داشتند. بعد از آن ها خواستم آنچه در بیرون یا کلاس می بینند به چه چیزی شبیه است. چرا؟ دانش آموزان ابتدا کمی تعجب کردند. اما با		

یک مثال من متوجه موضوع شدند. گروه‌ها شروع به نوشتن کردند. تعامل گروهی بالایی داشتند. مثال‌هایی محسوس در عین حال جالب پیدا کردند. مانند: تخته پاک کن به ابراز نظر رنگ، شکل. کار بعدی پیدا کردن مشابه‌هایی برای باد، لب، رود و بود. این بار خیلی زودتر کارشان را تمام کردند. مثال‌ها برای باد جالب‌تر از سایر کلمات بود. فعالیت بعدی برقراری ارتباط تشبیه بین کلمات علم/نور. فانوس دریای /معلم. کلمات را بر روی تخته نوشتیم و از دانش آموزان خواستیم بین کلمات ارتباط ایجاد کنند. گروه‌ها رابطه‌هایی جالبی ایجاد کردند. مانند درخت چون شاخه دارد علم هم مانند درخت شاخه‌های متفاوتی دارد. از گروه‌ها خواستیم تا جملات را شکستی مثل، سنگین همانند را تکمیل کنند. فعالیت آخر جایگذاری خود به جای یکی از فصل‌ها به همراه علت شباهت بود. سعی کردم در همه‌ی فعالیت‌ها هم برای دانش آموز ایجاد فرضیه کنم. فرضیه‌سازی برای مشبه. مشبه به. وجه و ادات. در مثال‌های دانش آموزان اضافی تشبیه هم بود مانند لب لعل. فرضیه ایجاد شده برای سایرین نبودن همه‌ی ارکان تشبیه بود. از دانش آموزان خواستیم تا یک تشبیه از آن کتاب‌هایی که در طی یک هفته می‌خوانند بیاورند.				
با استفاده از رغبت دانش آموزان مهارت‌های گوناگون را به آن‌ها آموختم. مهارت ایجاد تشبیه، برقراری آرایه تشبیه بین دو کلمه، پیدا کردن وجه شبه در مثال‌های مختلف. تصحیح تشبیهات نادرست دانش آموزان. تجربه به من نشان داده دانش آموزان با تشبیهات ملموس بهتر می‌توانند فرضیه‌های لازم را برای مهارت‌هایی که قرار است تدریس شود کسب کنند. اگر می‌خواستم این درس را بدون تجزیه و تحلیل دانش آموزان تدریس کنم جذابیتی نداشت. ولی با این کار تدریس عمیق‌تر و پائین‌تری خواهم داشت. همچنین تجربه اولین جلسه نشان داد گروه‌بندی برای تدریس یکی از بهترین روش‌هاست. دانش آموزان تجربیات خود را در گروه خود بیان کرده و این‌گونه بر تعداد تجربیاتشان افزوده می‌شود. به نظر می‌رسد در جلسات بعدی باید آموزش اصلی را شروع کنم.			تحلیل و تفسیر	
از دانش آموزان خواستیم تا یک مثال از تشبیه از کتاب‌هایی که در طی هفته می‌خوانند بیاورند.		۵ دقیقه	به تجربه گذاشتن	
جمع‌آوری پاسخ‌های گروه‌های مختلف آن			فرآیند هدایت و ارائه بازخورد	
یادگیری مشارکتی به تعامل بیشتر فراگیران با هم دیگر و معلم می‌انجامد که این روند منجر به هم‌افزایی درک هم‌افزایی و گسترش تفکر خلاق و نقادی شده که توان فردی یا گروهی افراد را ارتقا می‌بخشد.			تحلیل و تفسیر	

	۴۵ دقیقه	در این درس به تدریس تشبیه می‌پردازم. برای تدریس تشبیه پاور پوینتی آماده کردم. تمام اسلایدهای پاور پوینت همگام با نحوه ی تدریس است. ابتدا از دانش آموزان می‌پرسم تکالیف هفته قبل، که تئوری نمونه‌هایی از تشبیه بود، آورده‌اند؟ سپس شروع به تدریس می‌کنم. به دانش آموزان می‌گویم کلمه کلیدی که جلسه قبل راجع به آن بحث کردیم چه چیزی بوده است. سپس پاور پوینت را باز کرده و درس را شروع می‌کنم. تشبیه و ارکانش را همراه با مثال توضیح می‌دهم. مثلاً: ابتدا تشبیه را معنی کرده بعد یک مثال می‌آورم. سپس از بچه‌ها می‌خواهم بگویند در این مثال چه چیزی به چیز دیگر تشبیه شده است؟ به نظر شما چرا این دو شبیه هم هستند؟ در مثال‌های ابتدایی از تشبیه کامل و دارای تمام ارکان استفاده می‌کنم. سپس مثال‌های متفاوتی ارائه می‌دهم و با آن مثال‌ها ارکان تشبیه را تدریس کنم. مثال‌هایی از تشبیه در نظم و نثر می‌آورم و از دانش آموزان می‌خواهم حال به صورت علمی و بر اساس درس داده شده تشبیه و ارکان آن را بیابند. به نظر شما چرا این دو تشبیه هم هستند. در مثال‌های ابتدایی مثال‌هایی از تشبیه کامل که دارای همه ی ارکان است استفاده می‌کنم. بعد مثال‌های متفاوتی می‌آورم و در قالب مثال‌ها، ارکان تشبیه که مشبه، مشبه به وجه شبه و ادات است را توضیح می‌دهم. سعی کردم مثال‌های مختلف با وجه شبه‌ها و ادات متفاوت در پاور ارائه دهم تا ذهن دانش آموز فعال‌تر گردد و با مثال‌های مختلف آشنا شوند. مثال‌های ارائه شده از آسان به دشوار است. بعد از طراحی تشبیه و ارکان آن نمونه سؤالاتی را آماده	به کار بستن
--	----------	---	-------------

		کرده تا دانش آموزان آن را به صورت گروه ی حل کنند. پس از حل آن ها، ارکان تشبیه را ابتدا از حذف ادات شروع می کنم. از دانش آموزان می خواهم بگویند این تشبیه با تشبیهات قبلی چه تفاوتی دارد. چه چیزی در اینجا تغییر کرده است؟ بعد از ادات وجه شبه را حذف می کنم و پرسش قبلی را تکرار می کنم. سپس تشبیه ی مثال می زنم که وجه شبه و ادات نداشته باشد. از دانش آموزان می پرسم آیا این مثال هم تشبیه است؟ چرا؟ پس اگر تشبیه است ارکان آن کجاست؟ فرضیه ای برای تدریس تشبیه بایغ اضافی و اسنادی براهشان می سازم. بعد از پاسخگویی دانش آموزان تشبیه بایغ را تدریس می کنم. مثال هایی آورده و از آن ها می خواهم وجه شبه آن را حدس بزنند. بعد از مثال ها سؤالاتی که در باب تشبیه بایغ تهی کردم براهشان به نمایش می گذارم و از آن ها می خواهم حلشان کنند. بعد از حل تمرین، سؤالاتی کلّی از تمام درس پرسیده می شود از این طریق به جمع بندی درس می پردازم.	
من سعی کردم بین فرضیه های ایجاد شده برای دانش آموزان و دانش سازمان یافته ارتباط برقرار کنم و بر اساس آن به آموزش مستقیم پردازم. برای برقراری ارتباط بین قواعد تشبیه، شبه و شبهه و وجه شبه و ادات از دانش آموزان کمک گرفتم... در تمام مراحل تدریس، سعی ام بر آن بود تا دانش آموزان را با درس درگهی کرده و نقش فعال به آن ها بدهم تا یادگیری انفعالی و تدریس به صورت سخنرانی نداشته باشم. با سؤال و جواب به اهداف آموزشی خود رسیده و با همین سؤال و جواب روند آموزش ادامه پیدا کرد.			فرآیند هدایت و ارائه بازخورد
با برقراری ارتباط بین قواعد و ارکان تشبیه زمینه را برای دانش آموزان در دانش سازمان یافته و درک و کاربرد قواعد تشبیه مهیا کردم. علاوه بر این فعالیت ها دانش آموزان با یادگیری انواع تشبیه زمینه ی لازم را برای دانش منظم و درک کاربرد تشبیه در نظم و نثر آماده کردم.			تحلیل و تفسیر
	۵ دقیقه	در این قسمت از دانش آموزان می خواهم تا	به اشتراک گذاشتن

		نمونه‌هایی از تشبیه را که آوردند برای هم بخوانند و درستی و نادرستی آن‌ها را باهم بررسی کنند.	
فرآیند هدایت و ارائه بازخورد	از دانش آموزان می‌خواهم تشبیهات دوستان خود را از نظر ارکان و نوع تشبیه‌شان بررسی کنند... من با این کار می‌خواهم یادگیری عمیق‌تر داشته باشند و در برقراری ارتباط بین قواعد تشبیه از دانش آموزان کمک گرفتم.		
تحلیل و تفسیر	در طول تدریس دانش آموزان تعامل بین گروهی و درون گروهی بسیار خوبی داشتند. به نظر می‌رسد وقتی دانش آموزان در یادگیری مشارکت داده شوند با کنجکاوی، علاقه، اشتیاق و فعالانه عمل می‌کنند.		
انتقال به موقعیت جدید	از دانش آموزان می‌خواهم بر اساس آنچه آموختند مثال‌هایی برای تشبیه و انواع آن به صورت نظم و نثر بیاورند. مثال‌هایی از تشبیه برایشان آماده کردم تا تشبیه و ارکان آن را بیابند. دهند.	۱۰ دقیقه	
فرآیند هدایت و ارائه بازخورد	با طرح پرسش‌ها می‌خواهم بدانم آیا دانش آموزان در موقعیت جدید هم می‌توانند مهارت‌های یاد گرفته شده را مورد استفاده قرار دهند یا به مهارت لازم در این زمینه رسیدند؟ و با سوق به حوزه‌های دیگر ذهنشان را فعال تر کنم.		
تحلیل و تفسیر	یادگیری واقعی مستلزم به کارگویی مهارت قواعد تشبیه در موقعیت جدید است. اگر دانش آموز قادر باشد این مهارت را در موقعیت جدید بشناسد و بی تکرار استفاده کند می‌توانم مطمئن باشیم تدریس موفق داشته‌ام. دانش آموز با این روند می‌تواند یکپارچگی دانش و جهان هستی را درک کند و با تجربه به دست آمده این ارتباط را به طور ملموس حس کند و نگاه تحلیلی به موضوعات مختلف داشته باشد.		
سنجش آموخته‌ها	در این بخش آزمونی برای دانش آموزان در نظر گرفته‌ام که در آن انواع آزمون‌های جور کردنی، صحیح و غلط، کوتاه پاسخ و تشریحی و جای خالی است. سؤالات از آسان به دشوار طراحی شده است. تشبیه چیست؟ انواع آن/ارکان تشبیه. تشبیه بلیغ اضافی و تعریف آن پیدا کرد بطن کردن این قواعد در نظم و نثر، از جمله سؤالات مطرح شده در امتحان هستند. البته در طی درس نیز از سنجش تکوینی	۱۵ دقیقه	

		استفاده کردم تا متوجه میزان آگاهی دانش آموزان در طی تدریسم شوم و هر گام از تدریس را با پرسشی آغاز می کردم.	
		گرفتن آزمون در پایان درس ما را متوجه میزان یادگیری دانش آموز از درس تدریس شده می کند همچنین دستیابی به مهارت تحلیل و ترکیب ارکان تشبیه و کاربرد تخصصی تر آن در نوشتار و گفتار به صورت روزمره.	تحلیل و تفسیر

روایت پایانی

مأموریتم در کارورزی سه تدریس درس تشبیه از کتاب آرایه ی دانش آموزان پایه سوم متوسط دوم بود. سه جلسه به موقعیت پژوهی و سه جلسه به تدریس پرداختم. پیش‌بینی‌هایم برای تدریس تقریباً درست بود. ولی به دلیل نداشتن معلم راهنما و جابه‌جای معلمان درس آرایه متأسفانه چیز زیادی از معلمان نیاموختم. آنچه آموختم بیشتر از کلاس درس خود و کلاس معلم جغرافیا و معلم ادبیات دانش آموزان که آن هم فقط یک جلسه بود. من در تدریس با مشکلاتی از جمله: نداشتن معلم راهنمای ثابت، ندادن وقت کافی برای تدریس، گرفتن وقت از سایر معلمان برای تدریس و مواجهه شدم. برنامه‌ریزی‌هایم در طرح درس تقریباً با موفقیت به پایان رسید. یک جلسه به موقعیت پژوهی و جلسه دیگر به دلیل نداشتن وقت وعدم هماهنگی کلاس آرایه با کلاس های من در دانشگاه مجبور به انجام سایر فعالیت ها در یک روز شدم. دانش آموزان بسیار علاقه‌مند به درس و تدریسم شدند. دوست داشتم به گونه‌ای تدریس کنم که هر کدام از دانش آموزان خود مدرسی برای آن درس شوند و همین‌طور هم شد. دانش آموزان نه تنها درس را کامل متوجه می‌شدند بلکه در آوردن مثال‌های تازه برای درس بسیار توانمند شده بودند و می‌توانستند از هر چیز یک تشبیه بسازند. ابتدا از این کار می‌ترسیدند ولی بعد از جلسه اول همه مشتاق به این کار شدند. همه با شوق سر کلاس شرکت می‌کردند و شعرخوانی مرا دوست

داشتند. یکی از نقاط ضعفم عدم مدیریت زمان بود. برای این کار برای همه ی فعالیت هایم وقتی را تنظیم می کردم در خانه تمرین می کردم تا با آن زمان هماهنگ شوم. در جلسه اول برقراری ارتباط نتوانستم موفق شوم. طی جلسات بعدی بیشتر سعی کردم. هدفمند تر به تدریس می پرداختم و در جلسات آخر نه تنها وقت کم نیاوردم بلکه با کمی وقت تمام فعالیت هایم را انجام دادم. من هرروز از مدرسه احساس می کردم چقدر معلم شده ام. و به صورت حرفه ای تر شغلم را دنبال می کردم. علاوه بر مدرسه که پر از تجربه بود ما در کلاس برای تبادل اطلاعات درس گروهی هایی داشتیم و من این نکات را دریافتم:

روش پرسش و پاسخ برای تدریس یکی از بهترین روش هاست. ما در کتاب روش و فنون تدریس در بخش انواع روش تدریس دکتر سیف در مورد محاسن آن از جمله، درگیر شدن دانش آموزان با درس، فهم بهتر درس، هزینه کم و... را خواندیم.

معلم راهنمای خانم قنبری ابتدا درس را کامل تدریس کرده، سپس نکات مهم را بعد از تدریس گوشزد می کنند. هم چنین با روش سخنرانی کلاس را پیش می بردند. هنگام تدریس بهتر است همراه با متن نکات آن گفته شود چون دانش آموز در همان لحظه تمام حواسش در همان متن معطوف است اگر همه درس را تدریس کنیم، سپس نکات مهم را بگوییم هم وقت کم می آوریم و هم دانش آموز درگیر کل متن شده است. معلم ادبیات باید روشی به کار گیرد تا دانش آموزان نقش فعال در تدریس داشته باشند. می تواند در طی تدریس آرایه ها را از دانش آموزان پرسند. مطابق با درس فیلم پخش شود و به نقد آن پردازند که چه میزان شبیه به متن خوانده شده است. در مجموع بهتر است معلم از روش تدریس فعال و متنوع مثل شاخه بندی، پخش فیلم و استفاده کند. نکته خوب معلم پوریانی این بود؛ که هنگام تدریس پیش نیاز ها را بیان می کنند. دانش آموزانشان می دانند باید در یادگیری به یکدیگر کمک کنند. اگر کسی مشکلی داشت او را مسخره نکنند. در یکی از جلسات بحث در کلاس خانم شرف زاه یکی از دانشجویان در مورد آوردن کتاب های کمک آموزشی توسط معلم در کلاس گله مند بودند. به نظر من معلم نباید از روی کتاب های کمک آموزشی تدریس کند. چون اعتماد دانش آموزان سلب می شود. معلم باید تسلط کامل بر روی درسش داشته باشد. حتی در هنگام پرسش نباید کتاب کمک آموزشی در دست داشته باشد. معلم می تواند از قبل سؤالات را گرفته، با دانش آموزان به حل آن پردازند. کمبود وقت یکی از مشکلات اعظم معلمان ادبیات است که معلمان را مجبور به ارائه معنی متون به دانش آموزان، قبل از تدریس می کند. تا بتواند در کلاس نکات دیگر را بیان کند.

البته مخالفان این امر اذعان دارند این کار باعث بهانه تراشی دانش آموزان شده و شاید امکانات لازم برای تکثیر آن یا پرداخت هزینه را نداشته باشند. معلمان اگر هم بخواهند روش دیگری را در تدریس استفاده کنند وقت کم می آورند پس باید حجم کتاب ها کم شود. استفاده از گروه در طول تدریس، هم باعث یادگیری فعال می شود و هم تعامل دانش آموزان را بالا می برد. از تدریس خانم سجادی یاد گرفتم، در زنگ انشا ارائه عکس فیلم برای دانش آموزان جالب است. آن ها را راغب به نوشتن می کند. همچنین می توان عکس هایی از موضوعات انشا به صورت پاورپوینت ارائه داد. از تدریس خانم باقری یاد گرفتم در زنگ املا برای تندنویسی دانش آموزان کند نویس انگیزه های بیرونی ایجاد کنیم. پانتومیم ابتکار جالبی است. هم خستگی کلاس از بین رفته، هم مشوقی برای تندنویسی دانش آموزان می شود. بیشترین روش تدریس مورد استفاده در ادبیات روش، بحث گروهی، سخنرانی، نمایشی هست. برای عدم یکنواختی کلاس بهتر است از چند روش برای تدریس استفاده شود.

تدریس با فرضیه سازی جنبه مثبت کار یک معلم است. فعال کردن دانش آموز بازیگوش در تدریس باعث می شد دانش آموز هم به درس گوش کند و هم مزاحم دیگران نشود. بعد از ارائه خانم گرجی و بحث در مورد اینکه یکی آموزانش بسیار بازیگوش بود یکی از دانشجویان نظرش این بود که آن دانش آموز باید اخراج می شد؛ اما به نظر من مدیریت معلم باید به گونه ای باشد که دانش آموز را در ساعت تدریس در کلاس نگه دارد نه اینکه او را بیرون بیندازد. در مدیریت کلاس معلم اگر نهایت تلاش خود را برای ساکت کردن دانش آموزان انجام داد ولی ساکت نشدند بهترین کار بی اعتنایی است.

تجرباتی که از حضور در مدرسه و تدریس کسب کردم:

در اولین جلسه حضور در کلاس به دلیل نداشتن معلم راهنما تنها به کلاس رفتم. از دانش آموزان خواستم تا ویژگی معلم خوب را از نظر خودشان بگویند. دانش آموزان، به خصوص دانش آموزان سال سوم چهارم بیشتر از معلمانی که نکات مهم درسی را می گوید و از آن هادر کلاس مشارکت می خواهد خوششان می آید. دانش آموزان با مشارکت در درس درگیر شدن با آن بیشتر درس را درک کنند. برای انتخاب معلمان این دوپایه بیشتر از پایه های دیگر متوسطه ی دوم باید دقت نظر داشت. چون دانش آموزان هم پایانی دارند و هم کنکور.

دانش آموزان معلمانی را دوست دارند که آن ها را درک کند. معلمانی که در درس دادن سخت گیری نداشته باشند. امتحانات کلاسی بگیرند. در مورد مسائل غیردرسی که باعث بالا رفتن اطلاعاتشان شود هم صحبت کنند.

از نوشتن زیاد معنی خسته می‌شوند. دانش آموزان درس معلمانی که به آن‌ها علاقه دارند بهتر فرامی‌گیرند. معلم در تدریس باید تفاوت‌های فردی دانش آموزان را در نظر بگیرد. در دومین جلسه حضور تمام قوانین کلاس را به دانش آموزان بازگو کردم چون معلم باید قانون کلاس خود را به دانش آموزان بگوید تا دانش آموزان بدانند باید چه رفتاری را در کلاس پیش بگیرند. معلم جغرافیای دانش آموزان مسئولیت‌های مختلفی به آن‌ها می‌دهد. معلم باید سطح دانش آموزان را قبل از تدریس بررسی کند و با در نظر گرفتن استعداد دانش آموز، مسئولیتی را برای بالا بردن اعتماد به نفس دانش آموز به او محول کند ... معلم باید در تدریس، دانش آموزان را هم شرکت دهد و روش تدریس مناسب درس را انتخاب کند. معلمی جدیدی که برای دانش آموزان آورند بدون شناخت از دانش آموزان شروع به تدریس کرد ندو به دلیل مشکلات جسمی اندکی که داشتند برای تدریس از دانش آموزان به شکل نادرست استفاده می‌کردند به طور مثال برای نوشتن هر مثال در هر چند دقیقه یکی از دانش آموزان را پای تخته می‌بردند و متوجه شدم دانش آموز خسته شده است. در اولین جلسه موقعیت پژوهی برای شناخت درست دانش آموزان بسیار مهم است تا معلم سطح دانش آموزان را دریابد. خانم تیر ملک فقط از روش سخنرانی استفاده می‌کردند و این باعث گوش ندادن دانش آموزان و بازیگوشی آن‌ها شد. اگر معلم مشکلات جسمی دارند و نمی‌تواند بایستد و بنویسد در اتاق فناوری با پاورپوینت درس دهد تا دانش آموز در هر چند ثانیه برای نوشتن به جای معلم از جای خود بلند نشود. کار گروهی یکی از بهترین روش‌ها برای فعال کردن دانش آموزان است با این شرط که همه دانش آموزان را درگیر کنیم. از همه اعضای گروه پرسش شود. باید به دانش آموز مجال فکر کردن و پرواز دهیم. نباید با سخنرانی صرف درس را به اتمام برسانیم. مدرسه هم باید برای دانش آموزان به خصوص در درس‌های تخصصی آن‌ها معلمان خبره انتخاب کند. نه معلمانی که در هر هفته تغییر می‌کنند. در طی تدریس نکات مهمی را فراگرفتم اینکه دانش آموزان تشویق را دوست دارند. وقتی دانش آموزی را تشویق می‌کردم متوجه می‌شدم پیش دوستانش احساس بزرگی می‌کند. به دانش آموز بازیگوش کلاس مسئولیت دادم. مسئولیت به دانش آموز بازیگوش باعث می‌شود احساس تعهد بیشتری به کلاس و درس داشته باشد. معلم دیگری که برای دانش آموزان آمد بسیار حرفه‌ای بود و روش تدریسشان را پرسش و پاسخ قرار دادند. موقعیت پژوهی کردند و سپس تدریس را شروع کردند. در هنگام تدریس ادبیات همه نکات درس‌هایی مثل آرایه و دستور زبان را هم در نظر داشتند. دانش آموزان هم با اشتیاق تمام به درس گوش می‌دادند و در درس شرکت می‌کردند. شیوه تدریس معلم هم در جذب دانش آموز به درس و هم در سطح یادگیری آن بسیار مهم است. معلم در حین درسی مانند ادبیات نباید فقط ادبیات درس دهد بلکه باید از متن

داده شده برای همه دروس مربوط به ادبیات استفاده کند مانند زبان فارسی، آرایه و. معلم با درگیر کردن دانش آموز در درس یادگیری فعالی را رقم می زند. در موقعیت پژوهی خود از دانش آموزان متوجه شدم از اینکه معلمشان برایشان کتاب های غیردرسی مثل شعر بخواند لذت می برند. معلم باید با پرسش و پاسخ از دانش آموزان تدریس کند. دانش آموزان وقتی درگیر درس هستند بهتر درس را متوجه می شوند. از تمام تجربیاتی که از کلاس اساتید و کلاس های کارورزی کسب کردم به این نتیجه رسیدم برای داشتن کلاس پربار و تاثیرگذار باید تدریس تعاملی همراه با دانش آموزان داشته باشم. برای مدیریت وقت باید برای هر بخش از فعالیت های خود زمانی را قرار داده و پایبند آن زمان باشم.

روایت های اولیه همراه با بازخورد مدرس کارورزی

نام مدرسه: نقش		نام معلم راهنما: فقیه	جلسه: ۱	تاریخ: ۱۳۹۴/۸/۵
هدف (چالش ذهنی)		انتظار دارم... با معلم راهنما در تدریس درسی به توافق برسم تا من به طراحی آموزشی پردازم... موقعیت پژوهی خود را به طور کامل انجام ۱۰...		
کارورز				
پیش بینی ها	رخداد ها/ وقایع	تأملات		
آشنایی با معلم راهنما و پرسنل مدرسه موقعیت پژوهی مدرسه	سه شنبه ۱۳۹۴/۸/۵ اولین روز کارورزی ۳ است. ساعت ۷:۱۵ پس از پرس و جو مدرسه را پیدا کردم. دانش آموزان بارنگ های	مدرسه برای هر دو مقطع تحصیلی کوچک بود.	ساعت ۱	

برگزاری مراسمات و هماهنگی بین مقاطع دشوار بود. تعداد معاونان اجرایی در مدرسه باید با تعداد دانش آموزان هماهنگی داشته باشد.	مختلف در حال رفتن به مدرسه بودند. دبستان، متوسط اول، داشتم ناامنی می شدم که متوسط دوم نیایش را هم گوشه تابلو دیدم. کمی گیج شده بودم. آلی درست آمده ام یا نه؟ یک در ورودی داشت، بعد به دو در می رسیدم. یکی ابتدایی، دیگری متوسط اول و دوم. از یکی از دانش آموزان پرسیدم: مدرسه نیایش اینجا است؟ گفتند: بله. وارد مدرسه شدم. ابتدای مدرسه کوچه تنگی است که یکی از دیوارهایش، دیوار نمازخانه بود. همه ی بچه ها به من نگاه می کردند. پیچپیشان به گوشم می رسید. مستخدم را دیدم. خانم مسنی بود. پرسیدم: دفتر کجاست. با لبخند مرا راهنمایی کردند. به در ورودی سالن رسیدم. بچه ها گفتند: اجازه نمی دهند وارد شوید. لبخند زدم در سالن قفل داشت. در زدم. یکی از بچه ها در را باز کرد. نمی گذارند داخل بروید. لبخند زدم و دفتر مدیریت را پرسیدم. ساعت ۷:۳۰ هیچ کس از کارکنان نیامده بودن. یک خانم مسنی وارد شدند. دانش آموزی هم پشت سرشان آمد. دانش آموز بلندبلند می گفت: «چه وضعی است. هیچ کس هنوز نیامده است. برنامه صبحگاه دیر شده است. امروز کار داریم.» بیشتر از مسئولین نگران بود. آن خانم هم گفت: من بیکار کنم. در اتاق را باز کرد. بیا بلندگو را بگی. مرا ندیده بود. جلو رفتم. سلام کردم. خودم را معرفی کردم. گفتند: با مدیر هماهنگ است؟ گفتم: بله.		
---	---	--	--

	روی میزی در اتاق نشستم. خانم دیگری آمد. فکر کنم معاون پرورشی است. چون با همان دختر در حال تدارک برنامه صبحگاه هستند. با آن خانم هم سلام علیک کردم. این دو نفر سخت مشغول کارهای صف بودند. من هم به اتاق با پرده های کرم رنگ، در آبی دو میز روبه رویم خیره شده بودم. از خانم که زوتر آمده بود فامیلش را پرسیدم. خانم عابدینی، معاون اجرایی. آن خانم دیگر خانم ابراهیمی نژاد معاون پرورشی است. حدسم درست بود. آن دختر هم یکی از فعالان مدرسه بود. چون اسمش هم روی دیوار برای انتخابات زده شده بود. امروز انتخابات دانش آموزی است. خانم عابدینی گفتند: امروز خیلی کار داریم. پس از تنظیم بلندگو برنامه اجرا شد. منم از پنجره اتاق به صف نگاه می کردم. صفی با چند رنگ مختلف. خانم عابدینی وارد شدند. گفتم: چرا این دانش آموزان چند رنگ هستند. گفتند: چون متوسط اول و دوم باهم است. تازه ، امسال سیصد نفر هستند. سال های پیش نه صد نفر بودند. تصور نه صد نفر دانش آموز در این مدرسه برایم غی ممکن بود. از خانم عابدینی پرسیدم: شما سه شنبه ها معلم ادبیات دارید؟ گفتند: بله. فامیلی معلم ادبیات را پرسیدم. گفتند: خانم خضرائی. خانم فقیه. ولی خانم فقیه از این مدرسه رفته است. خانم فقیه معلم راهنمای من بود. تعجب کردم. پس من باید چه کار کنم. مدیر هنوز نیامده بود. خانم		
--	---	--	--

	عابدینی گفتند: مدیر و معاون به اداره رفتند. هر وقت آمدند به شما اطلاع می‌دهم. من هم سالن را قدم می‌زدم. سالی تقریباً بزرگ. از در ورودی وقتی داخل می‌شویم، در دو طرف دو در دارد. یکی دفتر متوسط اول، دیگری اتاق خانم عابدینی. کنار اتاق خانم عابدینی دفتر متوسط دوم است که هنوز باز نشده. کنار دفتر راه رویی دارد که آبدارخانه و یک کلاس چهارم انسانی در آن است. کنار دفتر متوسط اول کتابخانه‌ای به هم ریخته که دانش آموزان در حال مرتب کردند آن بودند. یک دیوار را شیشه سکوریت کرده بودند و اتاق مشاور با پرده‌های صورتی قراردادند. اتاق هوشمند هم روبه روی اتاق مدی متوسط اول بود. هرکسی که می‌آمد می‌پرسیم شما خانم مدیر هستید؟ به اتاق خانم عابدینی رفتیم. خانم عابدینی به من گفتند: چون خانم مدیر دیر می‌ایند. من و خانم ابراهیمی نژاد کارها را انجام می‌دهیم. خانم مدیر برای مشخص کردن معلم ادبیات به اداره رفتند. بعد راجع به سخی کارش، تنها بودن و ازدحام کارها سخن گفت. پرونده‌هایی که تنظیم کرده بودند، کمد پرونده‌های بچه‌ها، لیست صدور کارنامه، لیست صدور مدرک دیپلم و ده‌ها کار دیگر که انجام می‌دهند. آن قدر خسته بودند که به فکر بازخری افتادند. دانش آموزان به کلاس رفتند. در اتاق مدیر هم برای نشستن معلمان باز شده است. چند نفر	
--	---	--

	دیگر آمدند. من هم از همه فامیلیشان باکارشان را پرسیدم. خانم دادبان رابط بهداشت هستند. به اتاق مدیریت رفتم. همه ی معلمان نشسته بودند. به همه سلام کردم. خانم ابراهیمی نژاد از معلمان خواهش کردند به کلاسشان بروند. معلمان هم باکمی مکث راهی کلاس ها شدند. خانم عابدینی برنامه را به من نشان دادند. امروز خانم فقیه زنگ دوم و چهارم ادبیات و تاریخ ادبیات با سوم انسانی داشت. به تابلوهای اعلانات خیره شده بودم. مستخدم مرا صدا زد. خانم مدی آمدند. بروید، پیشش. خوشحال شدم. انگار کسی از آشنایانم را می خواهم ببینم. به دفتر خانم مدیر رفتم. خانم عابدینی مرا معرفی کردند. خانم مدیر خانمی بسیار زیبا و خوش برخورد بودند. با من روبوسی کردند. من هم گواهی خود را به ایشان دادم. از حضورم هم در مدرسه تشکر کردند. راجع به خانم فقیه پرسیدم. گفتند: به مدرسه ای دیگر رفته اند. گفتم سه شنبه ادبیات دارید؟ گفتند: بله. مهم ادبیات بود، نه معلمش. خانم مدیر برایم چایی آوردند. به خانم ابراهیمی نژاد گفتند: باید امروز صبحانه می خورم. فکر کنم برای من. از خانم مدیر برای بازدید از مدرسه اجازه گرفتم. خانم مدیر هم گفتند: مدرسه متعلق به خودت است. از سالن به سمت در ورودی خارج شدم. بچه ورزش داشتند. نمازخانه در ابتدای مدرسه بود و درش قفل شده بود. در		
--	---	--	--

	اتاق خانم عابدینی که بودم، مستخدم گفتم: امروز جلسه در نمازخانه است و آن را تمیز کردند. از مستخدم پرسیدم: تنها هستید. گفتند: نه دو نفر هستیم. ولی امروز تنها هستیم. نمازخانه را از پنجره‌ای که پرده‌های سبزش کنار رفته بود دیدیم. خیلی زیبا و تمیزی بود. با قالی سجاده‌ای سبز. باغچه‌هایی دورتادور مدرسه بود. دو حیاط تقریباً مجزا داشت. در هر دو حیاط آبخوری بود. ولی سرویس بهداشتی در طرف دیگر حیاط که دور از در ورودی بود قرار داشت. در کنار دیوار مدرسه سکوهایی تعبیه شده بود. تور والیبال هم در حیاط کوچک قرار داشت. به طرف دیگر حیاط رفتیم. بچه‌ها دورم جمع شدند. شما معلم ادبیات هستید؟ برایشان توضیح دادم من کارورز هستم. بعد از آن به ادامه موقعیت پژوهی خود پرداختم. سه کاج بزرگ در طرف دیگر حیاط بود. در سالن، آبی‌رنگ و دو طرف آن باغچه بود. امکانات ورزشی برای ورزش‌های والیبال، بسکتبال، هندبال، فوتبال در مدرسه موجود بود. مدرسه، آب، برق، تلفن دارد. زمین مدرسه هم آسفالت است. دیوارهای مدرسه سفید و دارای نوشته‌های تربیتی است. یک در سبز بزرگ بین مدرسه ابتدایی و نهم است. یک حیاط کوچک هم در پشت مدرسه است. وارد سالن شدم. به داخل آزمایشگاه رفتم. آزمایشگاهی تغریبا مجهز. با سکویی وسط اتاق. برای هریک از درس‌های زیست،	
--	---	--

	فیزیک، شیمی قفسه‌های جدا تعین شده بود. اتاق هوشمند هم شش کامپیوتر جدید و قابل استفاده و پنج کامیوتر قدیمی و غی قابل استفاده بود. طبقه بالا ده کلاس داشت. شش کلاس متوسط اول، چهار کلاس متوسط دوم. کلاس سوم انسانی هم طبقه بالا بود. یک سالن بزرگ، دو شوفاز هم داشت. به اتاق مدیریت رفتم. خانم فضلی معاون آموزشی و مدی با یکی از بچه‌ها در مورد نصب بنر صحبت می‌کردند. دانش آموزان این مدرسه در ارتباط و هماهنگی کامل با مدیریت هستند. در کارهای پرورشی هم خیلی فعال هستند. از خانم مدیر اجازه خواستم تا عکس بگیرم. خانم مدیر هم باکمال میل قبول کردند. حتی موقع عکس برداری، خانم ابراهیمی نژاد گفتند: صبر کنید بچه‌ها بیایند برای انتخابات شورا از آن‌ها هم عکس بگیر. گفتم: شاید بچه‌ها دوست نداشته باشند. این کار را نکردم. به اتاق مدیریت رفتم. همه باهم ارتباط نزدیکی داشتند. مدیر بعضی از معلمان را بانام کوچک صدا می‌زنند. موقع صبحانه بود. خانم عابدینی معلمان را به خوردن آش ترشی که یکی از مادران درست کرده بود، دعوت کردند. یکی از معلمان نرفت. لقمه داشت که مثل من خورد. خانم مدیر دوباره آمدند و همه را به خوردن آش ترش دعوت کردند. به من هم گفتند: شما بیاید عزیزم. شما هم جز همکاران	
--	---	--

	هستی من هم تشکر کردم. خانم فضلی به مستخدم گفتند: برای ما کنار گذاشتی. مستخدم گفتند: بله. فکر کنم آش را می‌گفت. زنگ خورده بود.		
دانش آموزان الخصوص دانش آموزان سال سوم و چهارم بیشتر از معلمانی که نکات را می‌گویی و از آن‌ها در کلاس مشارکت می‌خواهد خوششان می‌آید. دانش آموزان با مشارکت در درس درگیر شدن با آن بیشتر درس را درک می‌کنند. برای انتخاب معلمان این دویایه بیشتر از پای‌های دیگر متوسطه دوم باید دقت نظر داشت. چون دانش آموزان هم پایانی دارند و هم کنکور. متأسفانه در این مدرسه کمترین توجه به همین پایه است.	خانم فقیه نیامدند. از مدی پرسیدم، می‌توانم جهت آشنایی به کلاس بروم. گفتند: بله حتماً. من هم بیایم؟ گفتم: نه ممنونم. باخانم رجبی هم تماس گرفتم وایشان را هم در جریان گذاشتم. به کلاس سوم انسانی رفتم. در را باز کردم. بچه‌ها در حال بیرون رفتن از کلاس بودند. با تعجب به من نگاه کردند. از جایشان بلند شدند، صلوات فرستادند. من هم روی صندلی نشستم. تمام تنم می‌لرزید. همه بچه‌ها پر از سؤال بودند. من چه کسی هستم؟ چرا آمدم؟ معلم جدیدم؟ با بچه‌ها سلام و علیک کردم. خود را معرفی کردم. بچه‌ها از رتبه‌ام، دانشگاه تربیت معلم، چگونگی قبول شدن در آن و سؤال پرسیدند. بعد از پاسخ به سؤالات بچه‌ها، در موردعلاقه‌شان به ادبیات پرسیدم. کدام درس را در ادبیات بیشتر دوست دارند. از کدام بخش ادبیات بیشتر لذت می‌برند؟ شعر، نثر... از آن‌ها پرسیدم چرا به رشته ادبیات آمدید؟ بعضی‌ها واقعاً باعلاقه آمدند. بعضی هاگله داشتندبه انسانی اهمیت نمی‌دهند. گفتم: چه معلم‌هایی را بیشتر دوست دارید. گفتند: خانم فقیه. گفتم: چرا؟ گفتند: ما را درک می‌کردند. واو به واو کلمات را	آشنایی بادانش آموزان موقعیت پژوهی دانش آموزان	ساعت دوم

	نمی‌خواستند. تمام نکات درس را می‌گفتند و... گفتم: شما چه معلم‌هایی را دوست دارید؟ هر کدام پاسخ‌های خودشان را داشتند، مثلاً: معلم‌هایی که نکات درسی را بگوید، کل کتاب را نخواهد فهم ما برایشان مهم باشد، خوش‌رو باشند، ما را درک کنند، هر چه مربوط به نکات کنکوری است، بگویند و... الآن که در حال تایپ هستم متوجه شدم من اصلاً به فیزیک کلاس توجه نکردم از بس با بچه‌ها راجع به موضوعات مختلف بحث کردیم متوجه ساعت هم نشدم. ولی می‌دانم کلاس هوشمند نبود. اندازه کلاس برای سری‌ویک نفر مناسب بود. همه جز دو نفر روی نفکته‌ها نشسته بودند. از همه نامشان را پرسیدم. یکی از بچه‌ها که حرف می‌زد، با فامیلش تذکر دادم. بچه‌ها همه تعجب کرده بودند که من چطور یادم بود. خودمم هم خوشم آمد. از روی جواب سؤال‌های تقریباً بچه‌های درس‌خوان کلاس را پتیا کردم. سطح درسی‌شان خوب است. اطلاعات خوبی هم داشتند. از رمان‌های مختلف مجازی و غی‌مجازی. در کل از ادبیات مطلع بودند. دفعه بعد از خانم مدیر دفتر نمرات خانم فقیه را می‌گیرم تا بینم حدس‌های درست بوده‌اند یا خیر. بعضی از بچه‌ها ادبیات سنتی و بعضی ادبیات مدرن را دوست داشتند. در مورد رمان‌های مجازی صحبت کردیم. نظرات خوبی دادند. در مورد عشق‌های قدیمی و	
--	--	--

	جدید. مقایسه عشق‌های اسطوره‌ای لیلی و مجنون با عشق‌های رمان‌های امروزی. در مورد حجاب، فلسفه‌اش، آیا از اعراب گرفته‌شده یا خیر، شبکه‌های مجازی، درست استفاده کردند از آن‌ها. بسیاری از موضوعات دیگر. زنگ خورد بچه‌ها امتحان داشتند. ولی ماندند و صحبت کردیم. به آن‌ها گفتم: بروید از زنگ استفاده کنید. امتحان هم دارید. همه منتظر ماندند من بروم. چون قبلش در مورد این حرف زدیم که احترام معلم نه به عنوان معلم بلکه به عنوان یک انسان بزرگ‌تر از آن‌ها بسیار مهم است. به دفتر رفتم. کمی با همکاران صحبت کردم. سؤالشان را پاسخ دادم. بیشتر معلمان امتحان داشتند. برای همین نمی‌توانستم به کلاسشان بروم. بچه‌های سوم انسانی هم ورزش داشتند. خانم مدیر هم تا زنگ آخر جلسه داشتند. چون موقعیت پژوهی خود را انجام دادم، تصمیم گرفتم به خانه برگردم.		
توصیه‌های معلم راهنما:			
توصیه‌های استاد راهنما:			

آنچه آموختم: دانش آموزان معلمانی را دوست دارند که آن‌ها را درک کند. معلمانی که در درس دادن سختگیری بیجا نداشته باشند. امتحانات کلاسی بگیرند. در مورد مسائل غی‌درسی که باعث بالا رفتن اطلاعاتشان شود هم صحبت کنند. از نوشتن زیاد معنی خسته می‌شوند. همکاری در یک مدرسه بین کارکنان بسیار حیاطی است. پرسش‌هایی که باید به آن پاسخ دهم: آلی باید مانند خانم فقیه عمل کنم یا نه. آلی می‌تواند به جای خانم فقیهی که دانش آموزان به ایشان بسیار علاقه‌مند هستند چند درس را بدهم؟	تأملات / دیدگاه کارورز:
استاد راهنمای علوم تربیتی:	استاد راهنمای تحصی:

در دوره متوسطه سه ساعت ۹۰ دقیقه و در دوره ابتدایی ۵ ساعت ۴۵ دقیقه. این گزارش مرتبط به حضور دانشجو در طول روز در واحد آموزشی است و گزارش تدریس بر اساس فرم شماره ۳ تدوین می‌گردد. سایر فعالیت‌هایی که دانشجو در طول حضور خود در مدرسه انجام خواهد داد شامل:

الف- مشاهده و تحلیل و تفسیر عملکرد معلم در سایر پایه‌ها/ کلاس‌ها/ ساعات؛

ب- مشارکت در اجرای فعالیت در سطح مدرسه شامل: مشارکت با مدیر/ معاونین/ سایر کارکنان در انجام وظایف روزانه؛

ج- مطالعه موقعیت در ابعاد ذکر شده در کارورزی ۱/ تعاملات، آشنایی با ساختار و سازمان مدرسه (قوانین و مقررات و...).

گزارش عملکرد ضمیمه این فرم خواهد شد و واکاوی تجارب کسب شده در فرایند فعالیت‌ها در گزارش پایانی مورد استفاده قرار خواهد گرفت.

فرم ۱: گزارش گزارش روزانه کارورز

نام مدرسه: نیایش

تاریخ: ۱۳۹۴/۸/۵

جلسه: اول

نام معلم راهنما: فقیه

هدف (جانش دهنی) کارورز: انتظار دارم... با معلم راهنما در تدریس درسی به توافق برسم تا من به طراحی آموزشی بپردازم... موقعیت پژوهی خود را به طور کامل انجام دهم.

بیش بینی ها	رخداد ها/ وقایع	تأملات
آشنایی با معلم راهنما و پرسنل مدرسه	سه شنبه ۱۳۹۴/۸/۵ اولین روز کارورزی است. ساعت ۷:۱۵ پس از پرس و جو مدرسه را پیدا کردم. دانش آموزان با رنگ های مختلف در حال رفتن به مدرسه بودند. دبستان متوسطه اولی داشتیم. نا امید می شدم که متوسط دوم نیایش را هم گوشه تابلو دیدم کمی گیج شده بودم. روی دیوار مدرسه مبلغ کرایه سرویس ها زده شده بود. آیا درست آمده ام یا نه. یک در ورودی داشت بعد به دو در می رسیدید. یکی ابتدایی. دیگری متوسط اول و دوم. از یکی از دانش آموزان پرسیدم: مدرسه نیایش اینجا است؟ گفتند نه. وارد مدرسه شدم. ابتدای مدرسه کوچه تنگی است که یکی از دیوارهایش، دیوار نماز خانه بود. همه ی بچه ها به من نگاه می کردند. بچه پشیمان به گوشم می رسید. مستخدم را دیدم. خانم مسنی بود. پرسیدم: دفتر کجاست. با لیخنند مرا راهنمایی کردند. به در ورودی سالن رسیدم. بچه ها گفتند اجازه نمی دهند وارد شوید. لیخنند زدم در سالن قفل داشت. در زدم. یکی از بچه ها در را باز کردند. نمی گذارند داخل بروید. لیخنند زدم و دفتر مدیریت را پرسیدم. ساعت ۷:۳۰ هیچ یک از پرسنل نیامده بودند. یک خانم مسنی وارد شدند. دانش آموزی هم پشت سرشان آمد. دانش آموز بلند بلند می گفت: چه وضعیه. هیچکی هنوز نیومده. هفت و نیمه. برنامه صبحگاه دیر شده. امروز کار داریم. بیشتر از مسئولین نگران بود. آن خانم هم گفت: من چیکار کنم. در اتاق راباز کرد. بیا بلندگو را بگیر. مرا ندیده بود. جلو رفتم. سلام کردم. خودم را معرفی کردم. گفتند با مدیر هماهنگ است؟ گفتم بله. روی میزی در اتاق نشستم. خانم دیگری آمد. فکر کنم معاون پرورشیست. چون با همان دختر در حال تدارک برنامه صبحگاه هستند. با آن خانم هم سلام علیک کردم. این دو نفر سخت مشغول کارهای صف بودند. من هم به اتاق با پرده های کرم رنگ. در آبی و دو میز روبه روبه خیره شده بودم. از خانم که زوتر آمده بود فامیلیش را پرسیدم. خانم عابدینی. معاون اجرایی. آن خانم دیگر خانم ابراهیمی نژاد معاون پرورشی. جلسه درست بود. آن دختر هم یکی از فعالان مدرسه بود. چون	مدرسه برای هر دو مقطع تحصیلی کوچک بود. برگزاری مراسمات و هماهنگی بین مقاطع دشوار بود. - بهتر است که مدرسه را خلاصه و کوتاه تر بنویسید و فقط اهداف و نقاط مهم را بنویسید. - متن را از لحاظ فاعل و مفعول و نگارشی، اصلاح کنید. به حقیقت، بعضی از موارد نامعناست. سطرهای مشخص شده که یقیناً موارد را در متن تصحیح کنید.

نام مدرسه: نیایش. صالحانی		نام معلم راهنما: تیر ملک	جلسه: اول	تاریخ: ۱۳۹۴/۸/۵
هدف (چالش ذهنی) کارورز		انتظار دارم... با معلم راهنما در تدریس درسی به توافق برسم تا من به طراحی آموزشی بپردازم.. موقعیت پژوهی خود را به طور کامل انجام دهم.....		
پیش بینی ها	رخداد ها/ وقایع	تأملات		
آشنایی با معلم راهنما و پرسنل مدرسه موقعیت پژوهی مدرسه	سه شنبه ۱۳۹۴/۸/۵ اولین روز کارورزی ۱۳:۰۵ ساعت. پس از پرس و جو مدرسه را پیدا کردم. دانش آموزان با رنگ های مختلف در حال رفتن به مدرسه بودند. دبستان، متوسط اول، داشتم نا امید می شدم که متوسط دوم نیایش را هم گوشه تابلو دیدم. کمی (علائمی مانند: نقطه و غیره باید فوراً بعد از جمله پایانی و با یک فاصله بعد از جمله بعدی بیاید.) گیج شده بودم. روی دیوار مدرسه مبلغ کرایه سرویس ها زده شده بود. آیا درست آمده ام یا نه یکی در ورودی داشت بعد به دو در می رسیدید. یکی ابتدایی. دیگری متوسط اول و دوم. از یکی از دانش آموزان پرسیدم: مدرسه نیایش اینجا است؟ گفتند: بله. وارد مدرسه شدم. ابتدای مدرسه کوچه تنگی است که یکی از دیوارهایش، دیوار نماز خانه بود. همه ی بچه ها به من نگاه می کردند. بچ پچشان به گوشم میرسید. مستخدم (بهتر بود متن روایت خلاصه کرده و نکات مهم را فقط یادداشت می کردید.)	مدرسه برای هر دو مقطع تحصیلی کوچک بود. برگزاری مراسمات و هماهنگی بین مقاطع دشوار بود.	ساعت اول	

	را دیدم. خانم مسنی بود. پرسیدم: دفتر کجاست. با لبخند مرا راهنمایی کردند. به در ورودی سالن رسیدم. بچه ها گفتند اجازه نمی دهند وارد شوید. لبخند زدم در سالن قفل داشت. در زدم. یکی از بچه ها در را باز کرد. نمی گذارند داخل بروید. لبخند زدم و دفتر مدیریت را پرسیدم. ساعت ۷:۳۰. هیچ یک از پرسنل نیامده بود. یک خانم مسنی وارد شدند. دانش آموزی هم پشت سرشان آمد. دانش آموز بلند بلند می گفت: چه وضعیه. هیچکی هنوز نیومده. هفت و نیمه. برنامه صبحگاه دیر شده. امروز کار داریم. بیشتر از مسئولین نگران بود. آن خانم هم گفت: من چیکار کنم. در اتاق راباز کرد. بیا بلندگو را بگیر. مرا ندیده بود. جلو رفتم. سلام کردم. خودم را معرفی کردم. گفتند با مدیر هماهنگ است؟ گفتم بله. روی میزی (روی میز یا روی صندلی و پشت میز؟) در اتاق نشستم. خانم دیگری آمد. فکر کنم معاون پرورشیست. (سعی کنید از اصول نویسندگی و به زبان رسمی و کتابی بنویسید.) چون با همان دختر در حال تدارک برنامه صبحگاه هستند. با آن خانم هم سلام علیک کردم. این دو نفر سخت مشغول کارهای صف بودند. من هم به اتاق با پرده های کرم رنگ. در (پرده های کرم رنگ چی؟ جمله ناتمام می باشد). آبی و دو میز روبه رویم خیره شده بودم. از (لازم نبود خیلی توضیح می دادید؛ جمع بندی و کوتاه تر می نوشتی بهتر بود). خانم که زوتر آمده بود فامیلیش را پرسیدم. خانم		
--	---	--	--

عابدینی. معاون اجرایی. آن خانم دیگر خانم ابراهیمی نژاد معاون پرورشی. حدسم درست بود. آن دختر هم یکی از فعالان مدرسه بود. چون اسمش هم روی دیوار برای انتخابات زده شده بود. امروز انتخابات دانش آموزی است. خانم عابدینی گفتند: امروز خیلی کار داریم. پس از تنظیم بلندگو برنامه اجرا شد. منم از پنجره اتاق به صف نگاه می کردم. صفی با چند رنگ مختلف. خانم عابدینی وارد شدند. گفتم چرا این دانش آموزان چند رنگ هستند. گفتند: چون متوسط اول و دوم با هم است. تازه امسال سیصد نفر هستند. سال های پیش نهصد نفر بودند. تصور نهصد نفر دانش آموز در این مدرسه برایم غیر ممکن بود. از خانم عابدینی پرسیدم: شما سه شنبه همامعلم ادبیات دارید؟ گفتند: بله. فامیلی معلم ادبیات را پرسیدم. گفتند: خانم خضرای. خانم فقیه. ولی خانم فقیه از این مدرسه رفته است. خانم فقیه معلم راهنمای من بود. تعجب کردم. پس من باید چه کار کنم. مدیر هنوز نیامده بود. خانم عابدینی گفتند: مدیر و معاون به اداره رفتند. هر وقت آمدند به شما اطلاع می دهم. من هم سالن را قدم میزد. سالنی **تغری** بزرگ. از در ورودی وقتی داخل **میشویم**. در دو طرف دو در دارد. یکی دفتر متوسط اول. دیگری اتاق خانم عابدینی. کنار اتاق خانم عابدینی دفتر متوسط دوم است که هنوز باز نشده است. کنار آن راه رویی دارد که آبدارخانه و یک کلاس چهارم انسانی در آن است. دستگاه پرینتر یزرگ هم در سالن است. روبه روی در ورودی آزمایشگاه است. کنار دفتر متوسط اول

کتابخانه ای به هم ریخته که دانش آموزان در حال مرتب کردند آن بودند... یک دیوار را شیشه سکوریت کرده بودند و اتاق مشاور با پرده های صورتی قرار دادند. اتاق هوشمند هم روبه روی اتاق مدیر متوسط اول بود. پله هایی در دو طرف دیوار که به طبقه بالا می رفت. هر کسی که می آمد می پرسیدم شما خانم مدیر هستید؟ هیچ کدام نبودند. من به گشت و گذارم ادامه دادم. به اتاق خانم عابدینی رفتم. خانم عابدینی به من گفت چون خانم مدیر دیر می آیند. من و خانم ابراهیمی نژاد کارها را انجام می دهیم. خانم مدیر برای مشخص کردن معلم ادبیات به اداره رفتند. بعد راجع به سختی کارش. تنها بودن و ازدحام کارها سخن گفت. پرونده هایی که تنظیم کرده بودند. کمد پرونده های بچه ها. لیست صدور کارنامه. لیست صدور مدرک دیپلم. و ده ها کار دیگر که انجام می ده اند. اقدر خسته بودند. که به فکر باز خرید افتادند. گفتند: دو سال دیگه خودمو باز خرید می کنم. برنامه تمام شده بود. دانش آموزان به کلاس رفتند. در اتاق مدیر هم برای نشستن معلمان باز شده بود. خانم ابراهیمی نژاد ادبا معلم ورزش در حال بحث در مورد گرانی توپ والیبال هستند، همراه با چاشنی غیبت از معلم ورزش باشگاه دخترش. چند نفر دیگر آمدند. من هم از همه فامیلیشان با کارشان را پرسیدم. خانم دادبان رابط بهداشت. که از وقتی آمده فکر این است بنر را کجا بچسباند. به اتاق مدیر رفتم. همه ی معلمان نشسته بودند. به همه سلام کردم. خانم ابراهیمی نژاد از معلمان خواهش کردند به کلاسشان

برونند. معلمان هم با کمی مکث راهی کلاس ها شدند. خانم عابدینی برنامه را به من نشان دادند. امروز خانم فقیه زنگ دوم و چهارم ادبیات و تاریخ ادبیات با سوم انسانی داشت. به تابلو های اعلانات خیره شده بودم. مستخدم مرا صدا زد. خانم مدیر او مدد، برو پیشش. واقعا؟؟؟ خوشحال شدم. انگار کسی از آشنایانم را می خواهم ببینم. به دفتر خانم مدیر رفتم. خانم عابدینی مرا معرفی کردند. خانم مدیر خانمی بسیار زیبا و خوش برخورد بودند. با من روبوسی کردند. من هم گواهی خود را به ایشان دادم. از حضورم هم در مدرسه تشکر کردند. راجع به خانم فقیه پرسیدم. گفتند به مدرسه ای دیگر رفته. گفتم من در هر صورت سه شنبه ادبیات دارید. گفتند: بله. مهم ادبیات بود، نه معلمش. خانم مدیر برایم چایی آوردند. به خانم ابراهیمی نژاد گفتند: باید امروز صبحانه می خریدیم. فکر کنم برای من. از خانم مدیر اجازه گرفتم برای بازدید از مدرسه. خانم مدیر هم گفتند مدرسه متعلق به خودت است. از سالن خارج شدم به سمت در ورودی. بچه ورزش داشتند. نماز خانه در ابتدای مدرسه بود و درش قفل شده بود. در اتاق خانم عابدینی که بودم. مستخدم گفت: امروز جلسه در نمازخانه است و آن را تمیز کردند. از ایشان پرسیدم تنها هستید. گفتند: نه دو نفریم. ولی امروز تنهام. اون خانم بیچاره سرش خیلی شلوغه من کاراشو انجام میدم. با زبان محلی با همه صحبت می کرد. میگفت دست یکی و دیگری خدا دستت و می گیره. نمازخانه را از پنجره ای که پرده های سبزش کنار رفته بود دیدیم. خیلی زیبا و تمیز بود. با

قالی سجاده ای سبز. کنار نمازخانه انباری کوچک با در بنفش بود. باغچه هایی دورتادور مدرسه بود. دو حیاط تقریباً مجزا داشت. در هر دو حیاط آبخوری بود. ولی سرویس بهداشتی در طرف دیگه حیاط که دور از در ورودی بود قرار داشت. در کنار دیوار مدرسه سکو هایی تعبیه شده بود. تور والیبال هم در حیاط کوچک قرار داشت. به طرف دیگه حیاط رفتم. بچه ها دورم جمع شدند. شما معلم ادبیات هستید؟ برایشان توضیح دادم من کارورز هستم. سه کاج بزرگ در طرف دیگه حیاط بود. در سالن، آبی رنگ و دو طرف آن باغچه بود. امکانات ورزشی برای ورزش های والیبال، بسکتبال، هندبال، فوتبال، در مدرسه موجود بود. مدرسه، آب، برق، تلفن دارد. زمین مدرسه هم آسفالت است. دیوار های مدرسه سفید و دارای نوشته های ترییتی است. یک در بزرگ سبز بین مدرسه ابتدایی و نیایش است. یک حیاط کوچک هم در پشت مدرسه است. وارد سالن شدم. به داخل آزمایشگاه رفتم. آزمایشگاهی تقریباً مجهز با سکویی وسط اتاق که شش شیر آب داشت. برای هریک از درس های زیستری، فیزیک، شیمی قفسه های جدا تعبیه شده بود. اتاق هوشمند هم شش کامپیوتر جدید و قابل استفاده و پنج کامپیوتر قدیمی و غیر قال استفاده بود. طبقه بالا ده کلاس داشت. شش کلاس متوسط اول. چهار کلاس متوسط دوم. کلاس سوم انسانی هم طبقه بالا بود. یک سالن بزرگ. دو شوفاژ هم داشت. روبه روی پله، یک پنجره بزرگ که سقف خانه ها با ماهوارهایشان آن را پوشانده بودند. به اتاق مدیریت رفتم. خانم

	فضلی معاون آموزشی و مدیر با یکی از بچه ها در مورد نصب بنر صحبت می کردند. دانش آموزان این مدرسه در ارتباط و هماهنگی کامل با مدیریت هستند. در کارهای پرورشی هم خیلی فعال هستند. از خانم مدیر اجازه خواستم تا عکس بگیرم. خانم مدیر هم با کمال میل قبول کردند. حتی موقع عکس برداری خانم ابراهیمی نژاد گفتند: واسه بچه ها بیان (سعی کنید به صورت رسمی و کتابی بنویسید) برای شورا از اونام عکس بگیر. گفتم شاید بچه ها دوست نداشته باشن. این کارو نکردم. به اتاق مدیریت رفتم. همه با هم ارتباط نزدیکی داشتند. مدیر بعضی از معلمان را با نام کوچک صدا میزد. موقع صبحانه بود. خانم عابدینی معلمان را به خوردن آش ترشی که یکی از مادران درست کرده بود، دعوت کردند. یکی از معلمان نرفت. لقمه داشت که مثل من خورد.. خانم مدیر دوباره آمدند و به همه را به خوردن آش ترش دعوت کردند. به من هم گفتند: شما بیا عزیزم. شما هم جز همکاران هستی. منم تشکر کردم. خانم فضلی به مستخدم گفت برای ما کنار گذاشتی دیگه. گفت: بله. فکر کنم آش را می گفت. زنگ خورده بود		
	خانم فقیه نیامد. از مدیر پرسیدم میتوانم جهت آشنایی به کلاس بروم. گفت بله حتما. من هم بیایم؟ گفتم نه ممنونم. با خانم رجبی هم تماس گرفتم و ایشان را هم در جریان گذاشتم. به کلاس سوم انسانی رفتم. در را باز کردم. بچه ها در حال بیرون رفتن از کلاس بودند. با تعجب به من نگاه	آشنایی با دانش آموزان موقعیت پژوهی دانش آموزان	ساعت دوم

کردند. از جایشان بلند شدند. صلوات فرستادند. من هم روی صندلی نشستم. تمام تنم می لرزید. همه بچه ها پر از سوال بودند. من کیم؟ چرا اوادم؟ معلم جدیدم؟ با بچه ها سلام و علیک کردم. خودمو معرفی کردم. بچه ها از رتبه ام، دانشگاه تربیت معلم، چگونگی قبول شدن در آن، و... سوال پرسیدند. بعد از پاسخ به سوالات بچه ها در مورد علاقتان به ادبیات پرسیدم. کدام درس را در ادبیات بیشتر دوست دارند. از کدام بخش ادبیات بیشتر لذت میبرند؟ شعر، نثر...؟ از آن ها پرسیدم چرا به رشته ادبیات آمدید؟ بعضی ها واقعا با علاقه آمدند. بعضی ها گله داشتند به انسانی اهمیت نمی دهند. گفتم چه معلم هایی را بیشتر دوست دارید. گفتند: خانم فقیه. گفتم چرا؟ گفتند ما را درک میکردند. واو به واو کلمات را نمیخواستند. تمام نکات درس را می گفتند... گفتم شما چه معلم هایی را دوست دارید؟ هر کدام پاسخ های خودشان را داشتند. الان که در حال تایپ هستم متوجه شدم من اصلا به فیزیک کلاس توجه نکردم از بس با بچه ها راجع به موضوعات مختلف بحث کردیم متوجه ساعت نشدم. ولی هوشمند نبود. اندازه کلاس برای سی و یک نفر مناسب بود. همه جز دو نفر روی نیمکت ها نشسته بودند. از همه نامشان را پرسیدم. یکی از بچه ها که حرف میزد. با فامیلی تذکر دادم. بچه ها همه تعجب کرده بودند که من چطور یادم بود. خودمم هم خوشم آمد. **تغریلبچه** های درسخوان کلاس را متوجه شدم. دفعه بعد از خانم مدیر دفتر خانم فقیه را میگیرم. سطحشان خوب بود. اطلاعات خوبی هم داشتند. بعضی از

	بچه ها ادبیات سنتی و بعضی ادبیات مدرن را دوست داشتند. در مورد رمان های مجازی صحبت کردیم. نظرات خوبی دادند. در مورد عشق های قدیمی و جدید. بسیاری از موضوعات دیگر. زنگ خورد بچه ها امتحان داشتند. ولی باز ماندند و صحبت کردیم. به آن ها گفتم بروید از زنگ استفاده کنید. امتحان هم دارید. همه منتظر ماندند من بروم. چون قبلش در مورد این حرف زدیم که احترام معلم نه به عنوان معلم بلکه به عنوان یک انسان بزرگ تر از آن ها بسیار مهم است. به دفتر رفتم. کمی با همکاران صحبت کردم. سوالاتشان را پاسخ دادم. بیشتر معلمان امتحان داشتند. برای همین نمی توانستم به کلاسشان بروم. بچه های سوم انسانی هم ورزش داشتند. خانم مدیر هم تا زنگ آخر جلسه داشتند. چون موقعیت پژوهی خود را انجام دادم. تصمیم گرفتم به خانه برگردم. در راه از بچه ها خداحافظی کردم.		
			ساعت سوم
			ساعت چهارم
			ساعت پنجم
توصیه های معلم راهنما :			
توصیه های استاد راهنما :			

تأملات/ دیدگاه کارورز:	آنچه آموختم: دانش آموزان معلمانی را دوست دارند که آن ها را درک کند. معلمانی که در درس دادن سختگیری بیجا نداشته باشند. امتحانات کلاسی بگیرند. در مورد مسایل غیر درسی که باعث بالا رفتن اطلاعاتشان شود هم صحبت کنند. از نوشتن زیاد معنی خسته می شوند. همکاری در یک مدرسه بین پرسنل بسیار حیاطی است. پرسش هایی که باید به آن پاسخ دهم: آیا باید مانند خانم فقیه عمل کنم یا نه. آیا میتوان به جای خانم فقیهی که دانش آموزان به ایشان بسیار علاقه مند هستند چند درس را بدهم؟
استاد راهنمای تخصصی:	استاد راهنمای علوم تربیتی:

در دوره متوسطه سه ساعت ۹۰ دقیقه و در دوره ابتدایی ۵ ساعت ۴۵ دقیقه. این گزارش مرتبط به حضور دانشجو در طول روز در واحد آموزشی است و گزارش تدریس بر اساس فرم شماره ۳ تدوین می گردد. سایر فعالیت هایی که دانشجو در طول حضور خود در مدرسه انجام خواهد داد شامل:

- الف- مشاهده و تحلیل و تفسیر عملکرد معلم در سایر پایه ها/ کلاس ها/ ساعات/؛
- ب- مشارکت در اجرای فعالیت در سطح مدرسه شامل: مشارکت با مدیر/ معاونین/ سایر کارکنان در انجام وظایف روزانه؛
- ج- مطالعه موقعیت در ابعاد ذکر شده در کارورزی ۱/ تعاملات، آشنایی با ساختار و سازمان مدرسه (قوانین و مقررات و...).

گزارش عملکرد ضمیمه این فرم خواهد شد و واکاوی تجارب کسب شده در فرایند فعالیت ها در گزارش پایانی مورد استفاده قرار خواهد گرفت.

نام معلم راهنما: حبیبی	جلسه:	تاریخ: ۹۴/۸/۱۲
هدف (چالش ذهنی) کارورز	انتظار دارم.. به موقعیت پژوهی پردازم.	
پیش بنی ها	رخدادها/ وقایع	تأملات
موقعیت پژوهی از کلاس، مدرسه، دانش آموزان پردازم.	دومین جلسه حضورم در مدرسه نیایش بود. بعد ورود به مدرسه وجابه جایی دانش آموزان به دفتر رفتم. مدیر و همه ی کارکنان حضور داشتند. معلم راهنما نیامده بود. از مدیر خواستم تا با معلم	دانش آموزان درس معلمانی که به آن ها علاقه دارند بهتر فرامی گنجند. معلم در تدریس
ساعت اول		

باید تفاوت‌های فردی دانش آموزان را در نظر بگیرد.	جغرافیای سوم انسانی به کلاس بروم. دانش آموزان معلم جغرافیای خود را بسط دهند. برای همین من به کلاس ایشان رفتم. خانم مدیر هم با کمال میل پذیرفتند. با معلم جغرافیا هماهنگی کردم و به کلاسش رفتم. یکی از دانش آموزان غایب بود. من سر جایش نشستم. معلم بعد از احوال‌پرسی شروع به پرسش شفاهی کردند. بین پرسش‌ها به کسانی که کمی ضعیف بودند کمک می‌کردند. در بین دانش آموزان این کلاس یک نفر نابینا و یک نفر هم در تکلم مشکل دارد. بین دانش آموزانی که پرسش می‌شدند دانش آموزی که در تکلم مشکل داشت هم بود. معلم سعی می‌کردند سوالات کوتاه جواب را از این دانش آموز پرسند. فرصت بیشتری هم به دانش آموز می‌دادند. هنگام تدریس بیشتر در کنار فرد نابینا می‌استادند تا بهتر حرف‌ها را بشنود. یکی از دانش آموزان هم برایش سوالات را می‌نوشتند و او سوالات را کار می‌کند. معلم هم به صورت شفاهی می‌پرسند. البته رابط هم دارند. دانش آموزان به ترتیب سؤال‌ها را جواب دادند. بعد از معلم شروع به تدریس کردند. در ابتدا گفتند این درس بسیار مهم است. درس را با مروری در درس‌های سال گذشته شروع کردند. از دانش آموزان می‌پرسیدند. آن‌ها را تشویق می‌کردند. سعی می‌کردند با نقشه و قدم به قدم پیش بروند. بعد از اتمام کلاس به دفتر رفتیم. از ایشان تشکر کردم. در مورد درس دانش آموزان از ایشان پرسیدم، دانش آموزان خوبی بودند. درسشان را هم می‌خوانند. در کلاس	
---	---	--

	شیطنت نمی کردند. از دیگر معلمان هم در مورد دانش آموزان پرسیدم. آن ها هم از دانش آموزان راضی بودند.		
معلم باید قانون کلاس خود را به دانش بگوید تا دانش آموزان بدانند باید چه رفتاری را در کلاس پیش بگیرند. معلم با پی سطح دانش آموزان را قبل از تدریس بررسی کند.	معلم راهنما نداشتم. به تنهایی به کلاس رفتم. دانش آموزان امتحان داشتند. کار به خصوصی نداشتم. در مورد علایق، درس، معلم که دوست دارند، و. در جلسه گذشته بحث کردیم. دانش آموزان خیلی نگران درس و عقب افتادن خود بودند. در مورد معلم راهنما از من می پرسیدند. من بی اطلاع بودم حرفی نزد. دانش آموزان گفتند شما معلم ما می شوئ؟ گفتم خیر. گفتند: پس شما تا معلمان بیاید، شما درس بدهید. من هم گفتم در حال حاضر نمی توانم. از یکی از دانش آموزان کتابش را گرفتم. به دانش آموزان گفتم وقتی من در حال تدریس هستم شما نباید به کتابخانه بروید وان را مرتب کنید. اجازه نگیرید و در هر لحظه بیرون نروید. وقتی خانم مدیر یا معاون می آید شما باید بلند شوید. وقتی درس می دهم نباید با هم حرف بزنند. اگر معلمی در وسط حرف هایش تپق زد نباید بخندید. در مورد موارد انضباطی خیلی با هم حرف زدیم. آن ها هم خیلی خوب گوش می دادند حرف هاء را تأیید می کردند. از آن ها پرسیدم آیا از کتاب های کمک درسی هم استفاده می کنند. آن ها هم گفتند: برای تست. می خواستم بدانم آیا معلم را با آن کتاب ها محک می زنند یا نه. موقعیت پژوهی دانش آموزان را در جلسه قبل به طور کامل انجام دادم. برای همین باید با خانم قنبری مشورت کنم.		ساعت دوم

	درس تاریخ ادبیات را بگیرم یا ادبیات. بعد از زنگ به دفتر رفتم. بچه ها ساعت بعد تک رنگ امتحان دین وزندگی و ورزش داشتند، به خاطر همین به دانشگاه آمدم.		
			ساعت سوم
			ساعت چهارم
			ساعت پنجم
توصیه های معلم راهنما:			
توصیه های استاد راهنما:			
تأملات / دیدگاه کارورز:		آن چه آموختم:	
		پرسش هایی که باید به آن پاسخ دهم:	
استاد راهنمای تخصصی:		استاد راهنمای علوم تربیتی:	

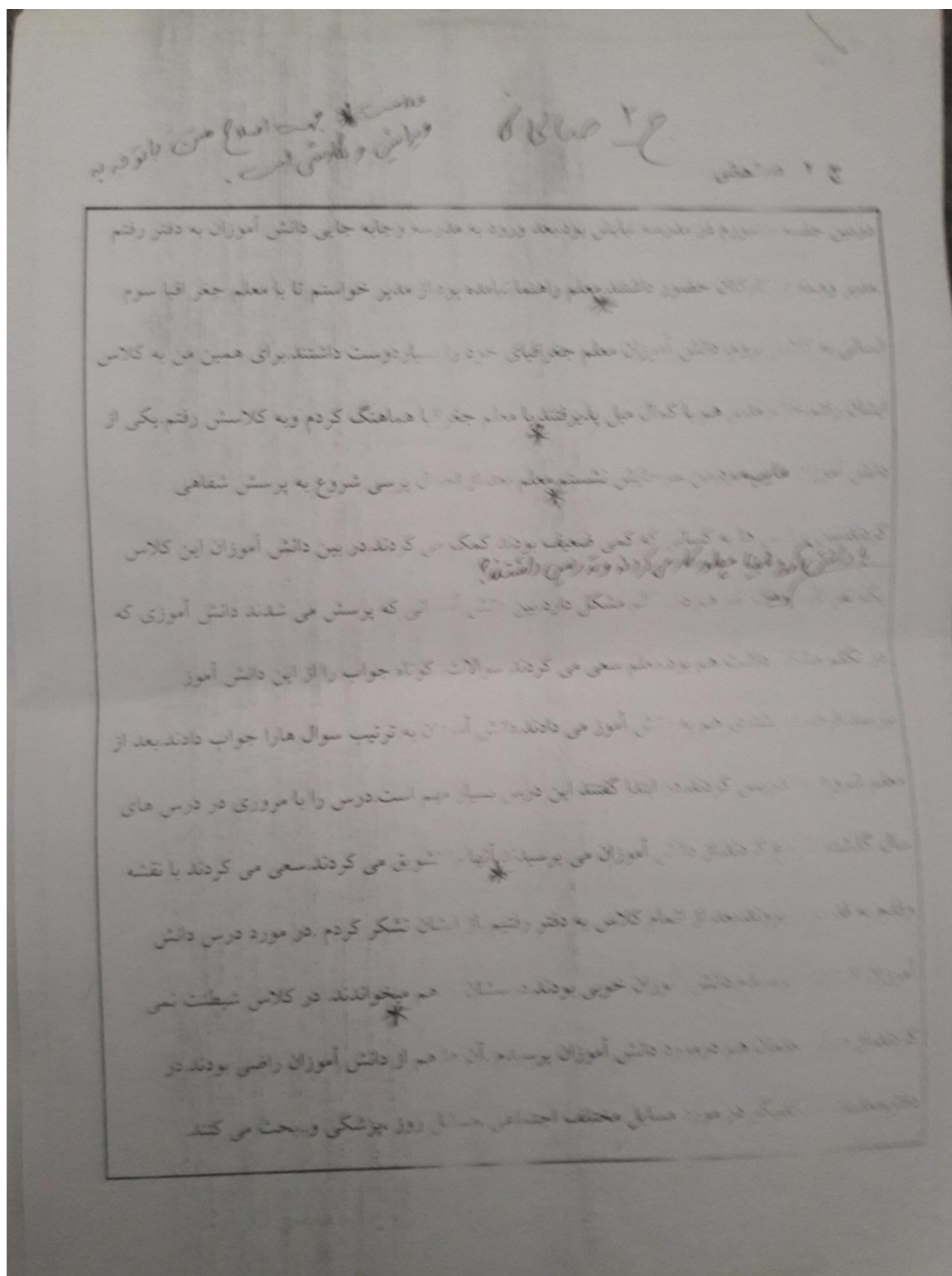
در دوره متوسطه سه ساعت ۹۰ دقیقه و در دوره ابتدایی ۵ ساعت ۴۵ دقیقه. این گزارش مرتبط به حضور دانشجو در طول روز در واحد آموزشی است و گزارش تدریس بر اساس فرم شماره ۳ تدوین می گردد. سایر فعالیت هایی که دانشجو در طول حضور خود در مدرسه انجام خواهد داد شامل:

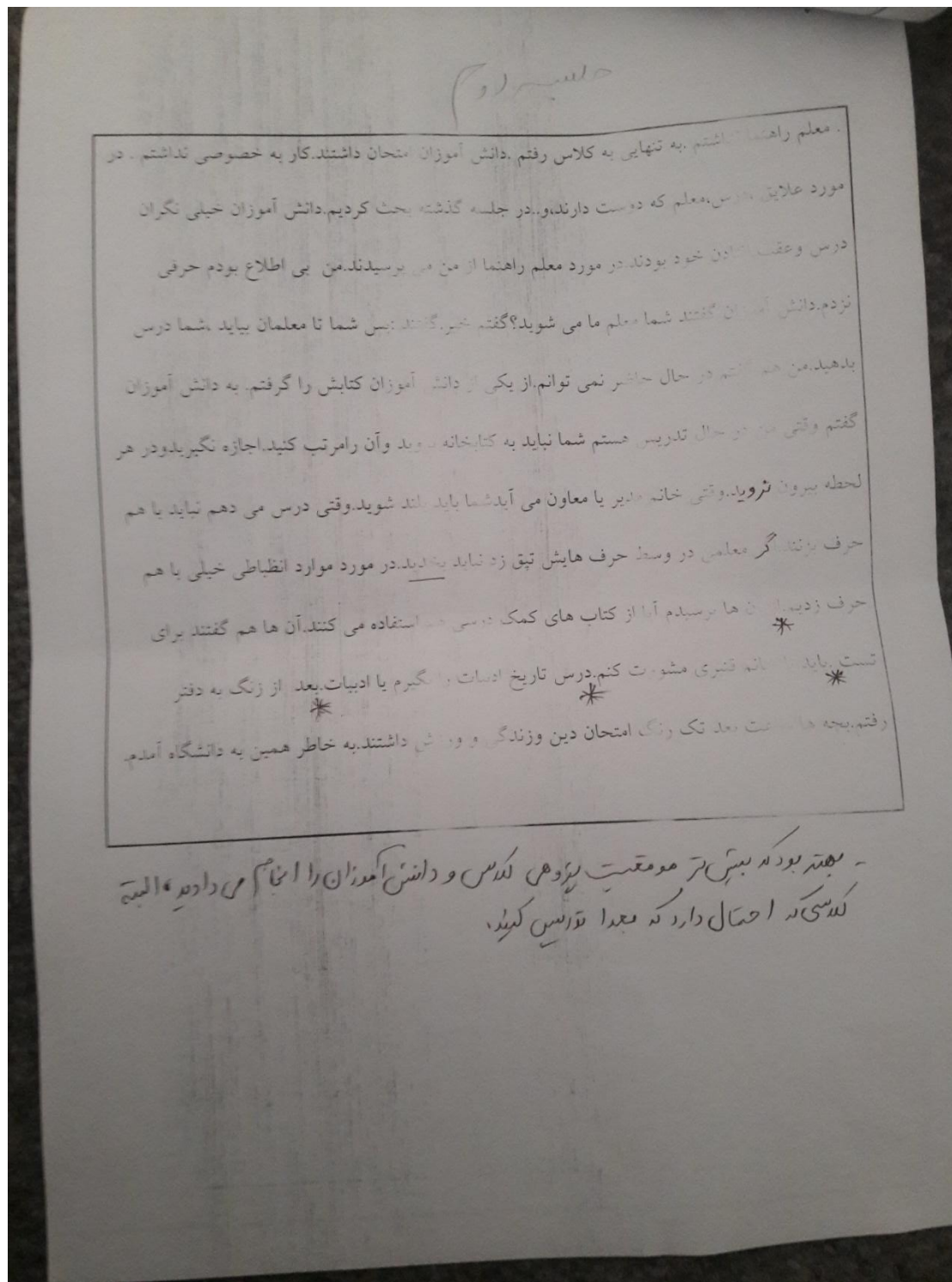
الف- مشاهده و تحلیل و تفسیر عملکرد معلم در سایر پایه ها/ کلاس ها/ ساعات؛

ب- مشارکت در اجرای فعالیت در سطح مدرسه شامل: مشارکت با مدیر/ معاونین/ سایر کارکنان در انجام وظایف روزانه؛

ج- مطالعه موقعیت در ابعاد ذکر شده در کارورزی ۱/ تعاملات، آشنایی با ساختار و سازمان مدرسه (قوانین و مقررات و...).

گزارش عملکرد ضمیمه این فرم خواهد شد و واکاوی تجارب کسب شده در فرایند فعالیت ها در گزارش پایانی مورد استفاده قرار خواهد گرفت.





نام مدرسه: نیایش		نام معلم راهنما: تیر ملک		جلسه: سوم	تاریخ: ۹۴ / ۸ / ۱۹
هدف (چالش ذهنی)		انتظار دارم معلم راهنمایم مشخص شده باشد. هماهنگی با معلم در مورد تدریس درس مورد نظر در کلاس.			
کارورز					
پیش بینی ها		رخدادها/ وقایع		تأملات	
همراه با معلم جغرافیای دانش آموزان به کلاسشان بروم. تا دانش آموزان را در این کلاس برای دومین بار بررسی کنم.		در سومین جلسه از حضورم در مدرسه نیایش بعد از سلام احوال پرسری به دفتر مدیریت رفتم. معلمان آمده بودند. زنگ کلاس خورد. یکی از معلمان بلند شدند و به سایرین گفت: بلند شوید، برویم کلاس تا نگفتند، خانم ها بفرمایید کلاس. همیشه باید تذکر بشنوید. بقیه هم نیش خندی زدند و به کلاس ها رفتند. معلم جغرافیا به من گفت: می توانم همراه من به کلاس بیایم. من هم خوشحال شدم همراهشان رفتم. وارد کلاس شدیم. بچه ها بادی دینی من خوشحال شدند. من در کنار یکی از دانش آموزان نشستم. معلم بعد از سلام و احوال پرسری از دانش آموزانی که یکشنبه امتحان نداده بودند، پرسش شفاهی انجام داد. سه نفر بودند. در هنگام پرسش معلم به دانش آموز فرصت تفکر می دادند. بعد از پرسش دانش آموزان فعالیت هایی را که باید آماده می کردند نشان دادند. بعضی از دانش آموزان انجام نداده بودند. خانم گویزی، معلم جغرافیایشان به آنها وقت دادند تا یکشنبه تحویل دهند. برای فعالیت هم یک نمره گذاشتند. به دانش آموزان هم گفتند: شما به نمره مستمر نیاز دارید. دانش آموزان هم گفتند: خانم حتماً یکشنبه می آوریم. نمره یکی از مشوق های بیرونی در انجام تکالیف		معلم با من در نظر گرفتن کاستی های دانش آموز، مسئولیت را برای بالا بردن اعتماد به نفس دانش آموز به او محول کند. معلم در تدریس باید از روش های مختلف استفاده کند. مدرسه ساعات فرهنگی برای دانش آموزان قرار دهد.	
ساعت اول					

	برای تحریک دانش آموزان است. خانم گزینی از نماینده خواستند تا برگ های فعالیت ها را جمع کنند. متوجه شدم نماینده کلاس دانش آموزی است که از نظر تکلم مشکل دارد. شاید خانم گرزین برای بالا بردن اعتماد به نفس دانش آموز این کار را کرده بودند. خانم گزینی مانند همیشه درسش را از روی کتاب دادند. از دانش آموزان هم می پرسیدند. بیشتر مطالب را دانش آموزان در سال دوم خواندند. برای همین خانم گرزین آن ها را به سال گذشته می برد تا مروری بر آن ها شود. این کار اعتماد به نفس دانش آموزان را بالا می برد. چون با مرور گذشته و درس هایی که خواندند سریع به سؤال های خانم گرزین پاسخ می دهند. درس امروز در مورد لایه های مختلف زمین بود. به نظر من خانم گزینی به جای درس دادن از روی کتاب می توانستند یک نهم کره تهیه کنند و لایه های مختلف را با نشان دادن آن تدریس کنند. وقتی چشم در گیر تدریس شود دانش آموز درس را بهتر متوجه می شود. سخنرانی محض خسته کنند است. درس جغرافیا هم پر از نقشه و کره و.. است. معلم به راحتی می تواند با تهیه ی ابزار درس جغرافیا از آزمایشگاه یا پلور پوینت درس را تدریس کند. بعد از تدریس دانش آموزی را برای حل مسئله پای تخته آوردند. دانش آموز در حال حل کردن مسئله بود. ناگهان خانم فضلی، معاون آموزشی در را باز کردند و با یک اشاره به معلم از دانش آموزان خواستند تا به نمازخانه بروند. سخنران دعوت کرده بودند. من آن قدر متعجب	
--	--	--

بودم که تا چند ثانیه فقط به دانش آموزانی که به بیرون می رفتند خیره شدم. از خانم گرزین پرسیدم: همیشه همین طور است؟ گفتند: بله. دفعه قبل بچه ها در حال دادن امتحان بودند که معاون آمد راجع به شلمچه حرف زد. بچه ها هم تمرکز خود را از دست داده بودند. هرچه با خودم کلنجار می رفتم که اگر من جای خانم گرزین بودم چه کاری می کردم؟ کلاس برای معلم است. کسی حق ندارد قبل از زنگ تفریح آن را از معلم سلب کند. چه برسد به اینکه دانش آموز هم در حال امتحان دادن باشد. مدرسه باید ساعت مشخصی را برای امور فرهنگی در نظر بگیرد. اگر خبری شد می توانند با بلندگو اعلام کنند که بعد از اتمام کلاس دانش آموزان در نمازخانه حضور به عمل آورند، نه اینکه دانش آموزان را از کلاس درس کشان کشان به نمازخانه ببرند. قبل از اتمام کلاس دانش آموزان از خانم گرزین خواهش کردند با دفتر در مورد معلم جدید ادبیات صحبت کنند تا نیاید. خانم گرزین هم گفتند این مسائل به من مربوط نمی شود. دانش آموزان واقعاً معلم خود را نمی خواستند. من هم مستأسل بودم و با خود گفتم اگر با من هماهنگ نشود چه کاری انجام دهم. در میان همه های دانش آموزان از کلاس بیرون آمدم. وارد دفتر شدیم. خانم گرزین به معاون با شوخی گفتند: خانم فضلی جان چرا همیشه زنگ کلاس مرا می گئی؟ خانم فضلی هم گفتند: به خدا تقصیر من نیست همین الان از اداره زنگ زدند، گفتند، بچه ها را جمع کنید،، سخنران در راه است. من واقعاً

	شگفت زده بودم. بعد از چند دقیقه ، معلمی با بافتی بر دوش انداخته و لنگان لنگان وارد دفتر شد. پاها ی کمرش درد می کرد. کمی هم چاق بود. خانم گرزین بعد از دیدن ایشان بلند شدند و با صدایی بلند گفتند: سلام خانم. کجاها بودی. خوبید خانم تیر ملک. من هم که گوش هاجم تیز شده بود. خانم تیر ملک؟ معلم راهنمای من؟ بالاخره من معلم راهنما پیدا کردم؟ سریع بلند شدم و دست دادم ، خودم را معرفی کردم. گرم برخورد کردند. ایشان در طرف دیگر نشستند. گرم مشغول احوال پرسی بودند. همه از زیارتشان خوشحال و مسرور بودند. روابط اجتماعی بالایی داشتند. در سال های قبل معاون و مدی بودند. بعد از استقرار کامل ایشان بلند شدم و پیششان رفتم. از درسی که بادانش آموزان داشتند پرسیدم. آرایه و تاریخ ادبیات داشتند. از ایشان خواستم تا برآوردی داشته باشند تا دو جلسه دیگر به چه درسی در آرایه می رسند. درس تشبیه بود. من هم قبول کردم. ایشان کتاب را روبه رویم باز کردند و گفتند: بین همه چی اینجا نوشته بچه ها می خوانند تشبیه را از ابیات خارج می کنند. بچه ها معمولاً در امتحان نهایی نمره خوبی در آرایه می آورند. من هم هاج و واج مانده بودم. یعنی چه بچه ها خودشان در کلاس از روی کتاب می خوانند. صحبت دیگری نشد. من بلند شدم و روی صندلی خودم نشستم. بحث های همیشگی بین معلمان شروع شده بود. یک زنگ هم ازدست داده بودند. برای اینکه سخنرانی طول کشید. هیچ کدام نگران زنگ ازدست رفته نبودند. به کتابخانه مدرسه رفتم.	
--	---	--

	کتابی گرفتم و خواندم. به دفتر آمدم. خانم فضلی زنگها را تقسیم کردند.	
با معلم راهنما به کلاس بروم تا روش تدریس آرایه ایشان را بنجم. روش ارزشیابی رفتار ورودی معلم را در درس ادبیات بررسی کنم. دانش آموزان را در کلاس ادبیات مورد بررسی قرار دهم. درسی برای تدریس انتخاب کرده با معلم هماهنگ کنم.	ما به کلاس رفتیم. من صندلی را گرفتم و در گوشه ای از دیوار گذاشتن تا دانش آموزان و شیوه تدریس معلم را بررسی کنم. قبل از ورود، معلم از من پرسید دانش آموزان خوبی هستند؟ چون من تازه به کلاسشان می روم. من هم گفتم بله. بعد از سلام و احوال پرسری خیلی کوتاه، از دانش آموزان خواستند تا کتاب آرایه را بیرون بیاورند. از دانش آموزان خواستند تا یکی بخواند. یکی از دانش آموزان بازیگوش کلاس با مسخره بازی در حال خواندن بود. معلم به او گفت می خواهی تا آخر سال بازیگوشی کنی. از بالای عینک هم به نگاهی با عصبانیت انداخت. دانش آموزان همه که کردند که چه کسی بخواند. بالاخره یکی شروع کرد. درشان قالب های شعر بود. معلم از یکی از دانش آموزان خواست تا پای تخته بیاید و شکل چینش قافیه را در قالب ها بکشد. معلم هر قالبی را که درس می داد، دانش آموز از جایش برمی خاست و شکل را می کشید. معلم پاهایش درد می کرد. طی مشاهدات دفتری متوجه شدم، دیسکشان باز شده است. سؤالی برایم مطرح شد، آیا این معلم باید به کلاس بیاید؟ آن هم طبقه دوم؟ توان جسمی برای یک معلم بسیار مهم است. معلمی که توان جسمی نداشته باشد از شور معلمی می کاهد. معلم سرزنده و شاداب دانش آموزانی با انگیزه به بار می آورد. درس را بچه ها می خواندند همراه با یک نمونه شعری در کتاب. خانم بقی ملک کمترین	معلم باید در تدریس، دانش آموزان را هم شرکت دهد. روش تدریس مناسب درس را انتخاب کند. در اولین جلسه موقعیت پژوهی برای شناخت درست دانش آموزان داشته باشد تا ببیند در چه سطحی هستند. اگر نمی تواند بلند شود و بنویسد در اتاق فناوری با پاورپوینت درس دهد تا دانش آموز در هر چند ثانیه برای نوشتن از جای خود بلند نشود.

ساعت
دوم

	کاری که می توانستند انجام دهند ، تهی ی چند مثال غی درسی بود. اما حتی این کار را هم نکردند. در هنگام تدریس ، یک مبحث را اشتباه توضیح دادند. دانش آموزان هم متوجه نشدند. پشت سر هم می پرسیدند و خانم تیر ملک هم سرسری جواب می دادند. دانش آموزان در حین خوانش شعر از روی کتاب هم اشتباه می خواندند. اما خانم تیر ملک آن را تصحیح نمی کردند. تک زنگ بود معلم کلاس بعد آمدند. ما هم از کلاس بیرون رفتیم. بچه ها از من می پرسیدند : معلم خوب بود؟ من هم هر چند به دروغ گفتم: اره. خانم تیر ملک می توانستند درس قالب شعری با ساختن پاور پوینت یا ارائه چند مثال ، دادن آن مثال ها به گروه ها و پرسش و پاسخ به تدریس بپردازند. اما خیلی راحت از این مبحث گذشتند. به بچه ها هم در هر چند ثانیه می گفتند : درس را بخوانید ، تمرین ها حل شود ، متوجه می شویم. با هم از کلاس خارج شدیم. در دفتر از خانم تیر ملک خواستم تا دوج لسه دیگر کلاس را برای تدریس در اختیار من بگذارند ایشان هم قبول کردند. بچه ها مثل همیشه ورزش و امتحان دین وزندگی داشتند. خانم تیر ملک هم ساعت یک تا دو کلاس داشتند. من هم ساعت دو در دانشگاه کلاس داشتم. به خاطر همین از خانم تیر ملک اجازه رفتن خواستم. ایشان هم گفتند : برو کار به خصوصی نداریم ، تاریخ ادبیات است که بچه ها از روی درس می خوانند. خودم تا آخر ماجرا و روش تدریس ایشان را متوجه شدم. ولی دفعه بعد می مانم تا بینم اطلاعات تاریخی ایشان در چه	
--	---	--

	حدی است. مشتاقم تا هفته بعد که کلاس ندارم در کلاسشان شرکت کنم.		
ساعت سوم			
ساعت چهارم			
ساعت پنجم			
توصیه های معلم راهنما:			
توصیه های استاد راهنما:			
تأملات / دیدگاه کارورز:		آنچه آموختم:	
		پرسش هایی که باید به آن پاسخ دهم:	
استاد راهنمای تخصصی:		استاد راهنمای علوم تربیتی:	

در دوره متوسطه سه ساعت ۹۰ دقیقه و در دوره ابتدایی ۵ ساعت ۴۵ دقیقه. این گزارش مربوط به حضور دانشجو در طول روز در واحد آموزشی است و گزارش تدریس بر اساس فرم شماره ۳ تدوین می گردد. سایر فعالیت هایی که دانشجو در طول حضور خود در مدرسه انجام خواهد داد شامل:

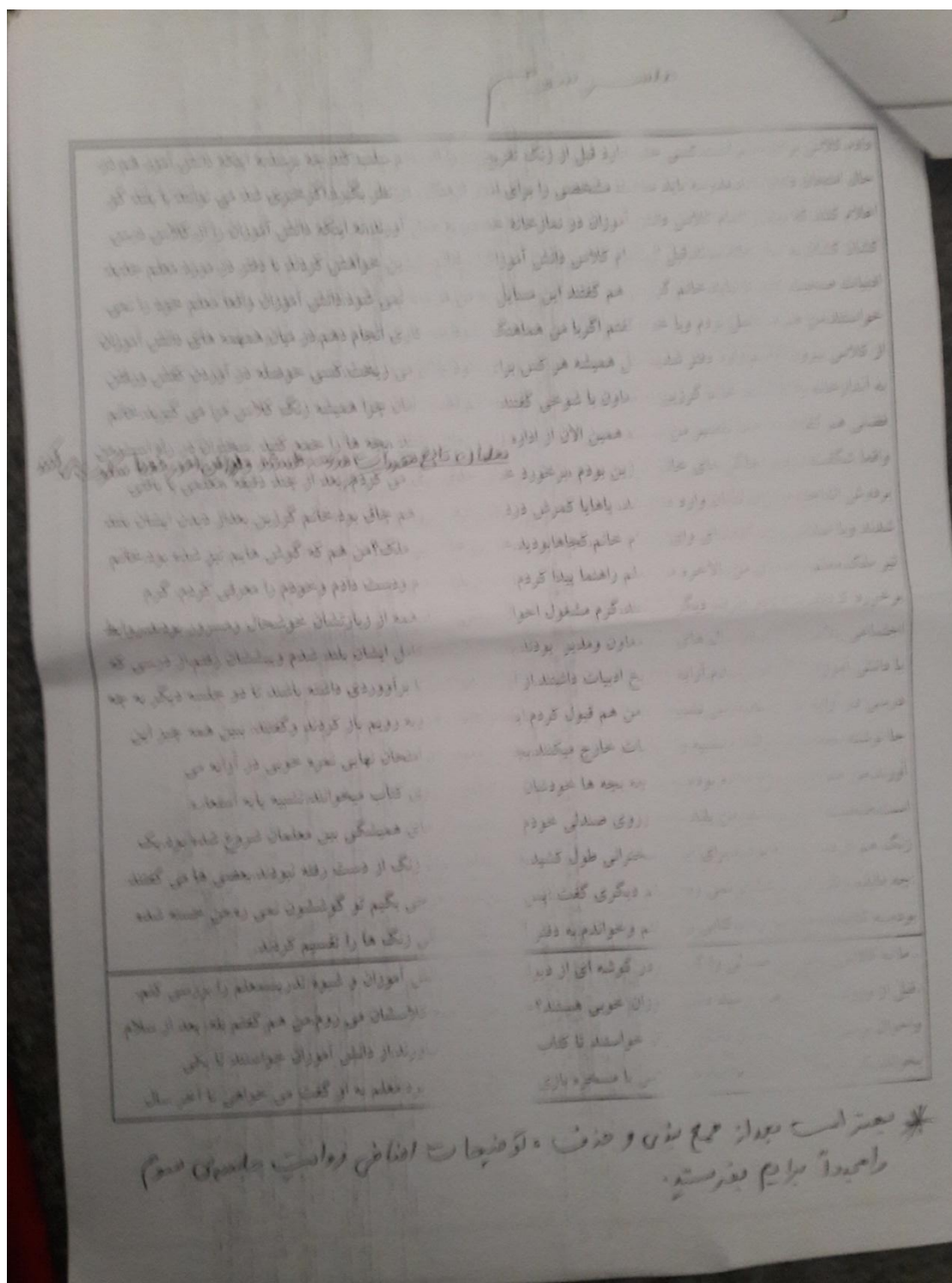
الف- مشاهده و تحلیل و تفسیر عملکرد معلم در سایر پایه ها/ کلاس ها/ ساعات؛

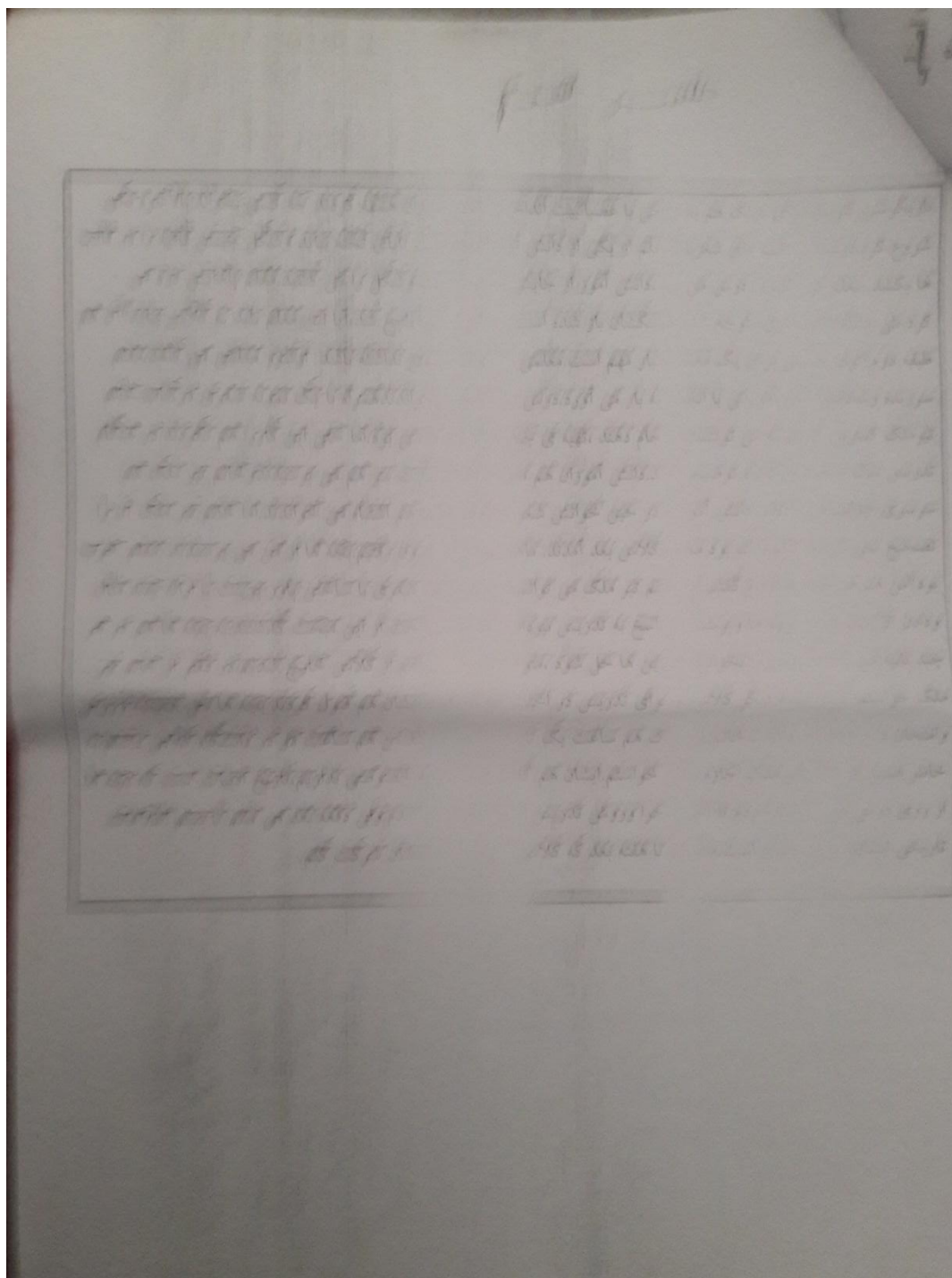
ب- مشارکت در اجرای فعالیت در سطح مدرسه شامل: مشارکت با مدیر/ معاونین/ سایر کارکنان در انجام وظایف روزانه؛

ج- مطالعه موقعیت در ابعاد ذکر شده در کارورزی ۱/ تعاملات، آشنایی با ساختار و سازمان مدرسه (قوانین و مقررات و...).

گزارش عملکرد ضمیمه این فرم خواهد شد و واکاوی تجارب کسب شده در فرایند فعالیت ها در گزارش پایانی مورد استفاده قرار خواهد گرفت.

[illegible]





نام دانشجو: خواجه صالحانی مدرسه: نیایش معلم راهنما:

جلسات	زمان	ارائه دهنده:	محتوای بحث‌ها:	یافته‌ها/ پرسش‌ها
نهم	۹۴/۹/۳	خانم گرجی	معلمشان مریض بودند. ایشان به نیابت از معلم امتحان گرفتند. سپس درس را شروع کردند. مفهوم جناس را درس دادند. جناس‌های مختلف را روی تخته نوشتن و گفتند چه تفاوتی باهم دارند. دانش‌آموزی را که بازیگوشی می‌کرد بیشتر در درس شریک می‌کردند.	اینکه با فرضیه‌سازی بیش رفتند جنبه مثبت کارشان بود؛ و اینکه دانش‌آموز بازیگوش را شریک کردند باعث می‌شد دانش‌آموز هم به درس گوش کند و هم مزاحم دیگران نشود. خانم رفیعی: اگر من بودم به دانش‌آموز می‌گفتم برود بیرون بخندد و بعد بیاید. من نظر خانم رفیعی را رد می‌کنم با اخراج دانش‌آموز موافق نیستم. معلم باید به گونه‌ای باشد که دانش‌آموز را در ساعت تدریس در کلاس نگه دارد نه اینکه او را بیرون بی‌اندازد.
		خانم رهی	به تدریس فعل و وی‌گئی‌های آن در زمان کوتاهی پرداختند. معلمشان به ایشان وقت نمی‌دادند. در طول تدریستان از گروه‌ها استفاده می‌کردند.	استفاده از گروه در طول تدریس هم باعث یادگیری فعال می‌شود و هم تعامل دانش‌آموزان را بالا می‌برد. استاد: ارائه پاورپوینت و فلش

کارت برای تدریس جالب است				
طنز در انشائویی را بر عهده داشتند. ایشان برای کارشان ابتدا چند نثر طنز آمی را برای دانش آموزان خواندند. سپس برایشان قسمتی از فطیم قهوه تلخ پخش کردند که هم طنز آمی است و هم مربوط به درس و مدرسه بود. موضوعاتی را که دانش آموزان باید انشاء می نوشتند به صورت عکس در پاور پوینت به آن ها نشان دادند. سطح انشا نویس دانش آموزان قوی بود ولی در طنز ضعف داشتند.	خانم سجادی			یازدهم
ایشان مبحث ادبیات پایداری را بر عهده داشتند. آهنگ مربوط به درس را پخش کردند. عکس و هنرهای دستی شهدا را آوردند. از دانش آموزان پرسیدند راجع به پایداری و مقاومت چه چیزی می دانند. سپس جناس را با مثال توضیح دادند. روی تخته نوشتند پایداری مثل این خود باعث درگیری ذهنی دانش آموز می شود.	خانم رفیعی			
تدریس درس خشکی مانند ادبیات پایداری سخت است. اینکه ایشان خلاقیت های جالبی به کار گرفتند. دانش آموزان را در حال و هوای ادبیات پایداری قرارداد.				
پانتومیم ابتکار جالبی بود. هم خستگی کلاس از بین رفت هم مشوقی برای تند نویی دانش	برای دانش آموزان درس را از روی خواند. در هنگام جمله سازی از اسم دانش	خانم باقری		

آموزان شد. استفاده از اسم دانش آموزان هم برای جلب توجه شان جالب بود.	آموزان استفاده کردند. دانش آموزان کند نویس بودند گفتند اگر زود بنویسید پانتومیم بازی می کنیم. همه سریع نوشتند.			
--	--	--	--	--

نام دانشجو: خواجه صالحانی مدرسه: نیایش معلم راهنما:

جلسات	زمان	ارائه دهنده:	محتوای بحث‌ها:	یافته‌ها/ پرسش‌ها
دهم	۹۴/۹/۱۷	خانم خاتمی فر	ایشان راجع به انواع روش‌های تدریس که قبلاً هم آن‌ها خوانده بودیم مطلبی خواندند. روش‌های سخنرانی و بحث گروهی، حل مسئله، آزمایشگاهی. در بین حرف‌هایشان دانشجویان هم مطالبی می‌گفتند. خانم صالحانی گفتند: من از روش حل مسئله برای تدریس استفاده کردم. در این روش از تجربیات دانش آموزان برای تدریس استفاده می‌شود. ایشان این کار را در تدریس خود انجام دادند. برای تدریس درس تشبیه از دانش آموزان خواستند تا آنچه در بیرون و کلاس می‌بینند را به هم ربط دهند و بگویند چرا. در مورد روش‌هایی که در درس ادبیات بیشتر کاربرد دارد هم بحث‌هایی شد. دانشجویان هر کدام نظراتی داشتند. خانم گرجی گفتند: بحث گروهی یا پرسش و پاسخ بیشتر مورد استفاده قرار می‌گیرد. خانم صالحانی گفتند: در کنار این‌ها بیشتر از روش سخنرانی، استفاده می‌شود. روش نمایشی هم	بیشترین روش تدریس مورد استفاده در ادبیات روش، بحث گروهی، سخنرانی، نمایشی هست. با ارائه روش‌های مختلف انشانوگیری با روش‌های بازخورد آن‌هم آشنا شدیم. برای عدم یکنواختی کلاس بهتر است از چند روش برای تدریس استفاده شود.

	مورد استفاده قرار می گئی.د. استاد هم تاجی کردند و گفتند: در بعضی از مدارس زنگ هنر با زنگ ادبیات یکی شده و دانش آموزان در آن به کارهای هنری مربوط به ادبیات می پردازند.			
	در مورد روش سخنرانی، بحث گروهی، سخنرانی، مطالبی را خواندند. بیشتر دانشجویان از بحث گروهی سخنرانی در تدریس خود استفاده کرده بودند. استاد هم در مورد بحث گروهی مطالبی را توضیح دادند؛ مانند: بحث های گروهی چند دسته اند. داخل گروه. سرگروه ها باهم، گروه ها باهم، مسابقه گروهی؛ که استفاده از هر کدام مزیتی دارد.	خانم گرجی		
	در مورد فواید و مراحل بحث گروهی مطالبی را خواندند؛ که خود دانشجویان و استاد هم با بحث هایی که داشتند به این نتایج رسیده بودند. ولی مراحل بحث گروهی مطلب جدیدی بود که ایشان ارائه دادند.	خانم رهی		
	در مورد انواع انشا، توصیفی، تخیلی، تحلیلی، خلاصه نویسی، نامه نگاری و... مطالبی را مطالبی	خانم جلیلی		

	خواندند.			
	در مورد عوامل نبوغ دانش آموزان در نوشتار و گفتار مطالبی را خواندند. در ارائه ایشان عوامل نبوغ ضلع های مختلفی مانند: خانواده، مدرسه، معلم، دانش آموز داشت. هر یک به سهم خود در این نبوغ سهیم بودند. البته بیشتر بر خود دانش آموز تأکید داشت؛ زیرا او خود باید از عوامل دیگر استفاده کرده و با نوآوری آنها به نبوغ تبدیل کند.	خانم قنبری		

	بازخوردهایی از قبیل: ذکر روش تدریس خود در کلاس، در روایت های خود وهم چنین روش تدریس معلم در روایت ها آورده شود. بیشتر راجع به روش تدریس معلم تخصصی درس اییات در روایت بحث شود. آیا از یک روش استفاده می کند یا چند روش تلفیقی؟ استاد متذکر شدند: انشا به نوشتار و خوانش دانش آموزان بسیار کمک می کند. در نوشتن مقالات هم تأثیری به سزایی دارد. مدرسی	استاد		
--	---	-------	--	--

	پژوهش محور در سطح کشور به وجود آمده که دانش آموزان را با چگونگی پژوهش آشنا می کنند تا بتوانند مقالاتی ارائه دهند یا حتی شیوه خواندن و نوشتن را یاد بگیرند.			
همان طور که قبلاً اشاره شد، استفاده از بحث گروهی روش مناسب برای تدریس ادبیات است. رفتار و مدیعت معلم در کلاس باعث کنترل رفتار دانش آموزان می شود.	گزارشی از برقراری ارتباط خود ارائه دادند. معلمشان با ایشان همکاری می کنند. در ابتدای کار خود گروه بندی کردند بعد از آن شروع به برقراری ارتباط کردند. درس فعل و انواع آن را بر عهده داشتند. از دانش آموزان در مورد فعل، جایگاهش در جمله سؤال می پرسیدند. با روش بحث گروهی درس را پیش بردند. تکلیف به تجربه گذاشتن را به دانش آموزان دادند. دانش آموزان املا داشتند و معلم از روش سخنرانی و پرسش و پاسخ استفاده می کردند. دانش آموزان در کلاس ادبیات ساکت و آرام بودند اما در کلاس آمادگی دفاعی به دلیل عدم مدیریت درست معلم بسیار بازیگوشی می کردند.	خانم خاتمی فر		
	خانم کریمی، معلم راهنما به تدریس پرداختند. لغات را برایشان معنی کردند. از دانش	خانم زرگری		

	آموزان آرایه های درس را با روش پرسش و پاسخ سؤال می کردند. بعدش تمرین حل کردند. بعد از آن خانم زرگری ارزشیابی خود را برایمان ارائه دادند. دانش آموزان بسیار ضعیف بوده و نمرات بسیار پایینی داشتند. نمرات قبلی آنان هم به همین منوال بود. استاد گفتند: آیا احساس نکردی از قصد این کار را کردند؟ خانم زرگری گفتند: نه نمرات قبلی شان هم همین طور بود. دانش آموزانش حتی خواندن صحیح کلمات را نمی دانستند. بر طبق آنچه بحث شد به این نتیجه رسیدیم، دانش آموزان این کلاس از پایه ضعیف اند. بسیاری از مشکلات آنها بسیار پیش پا افتاده و برای نشان بسیار تعجب برانگیز بود.		
		جمع بندی و تحلیل نهایی	
استاد راهنمای علوم تربیتی:	استاد راهنمای تخصصی:		

نام دانشجو: خواجه صالحانی مدرسه: نیایش معلم راهنما:

جلسات	زمان	ارائه دهنده:	محتوای بحث ها:	یافته ها/ پرسش ها
یازدهم	۹۴/۹/۳۰	استاد شرف زاده	ایشان در این جلسه به ارائی بازخورد دانشجویان پرداختند. بعضی از دانشجویان بازخوردهای خود را برای سایرین خوانده، خانم شرف زاده از همه خواستند تا این نکات را رعایت کنند.	آشنایی با بازخوردهای متفاوت دانشجویان به کاگیری آن در روایتهای خود.
		خانم خاتمی فر	ایشان در علائم نگارشی و وی ائتری مشکل داشتند. مانند: خط فاصله بعد از وی گول، نقطه و.. توجه به چگونگی نوشتار و تحریر جملات. از زیاد نوشتن پرهیز کنند. مطالب مهم را ذکر کنند. حاشی رفتن را کنار بگذارند. مستندات بیشتری باید ارائه دهند. درجایی گفتند: معلم نباید سؤالات را به دانش آموزان بدهد. استاد خواستند برای این ادعا دلیل بیاورند تا مستند باشد. روش تدریس معلم چه بود و شما چه روش تدریس را پیشنهاد می کرئ؟	
		خانم صالحانی	ایشان هم در علائم نگارشی	

	مشکل داشتند. حاشیه‌نویسی کردند. استاد از ایشان پرسیدند، معلم چگونه به تدریس دانش آموز نابینا می‌پردازد. چگونه امتحان می‌گهی؟ ایشان هم توضیح دادند که این بچه‌ها رابط دارند. از آن‌ها بیشتر شفاهی پرسش می‌شود. سالی دانش آموزان هم برایشان سؤالات را در کتاب می‌نویسند.			
	علائم نگارشی مشترک با سایرین. درجایی از روایتشان گفتند: دانش آموزان استرس داشتند. استاد از ایشان خواستند دلیل استرس‌های دانش آموزان راهکارهایی برای کم شده استرس بدهند تا نوشته علمی شود. کلی نظریات خود را در این مورد بیان کنند.	خانم گرجی		
	تکالیفی و مواردی که باید برایشان ارسال کنیم را، بازگو کردند. و از دانشجویان خواستند بازخورد، همراه با اصلاح‌ها را برایشان بفرستند.	استاد		

بارخورد های فرم ج در پرانتز با رنگ قرمز مشاهده می شود.

مشخصات: نام فاطمه خواجه صالحانی مدرسه نیایش پایه تحصیلی: سوم انسانی موضوع: تشبیه.

محتوا (مفاهیم/ مهارت ها به تفکیک): آشنایی با آرایه تشبیه و انواع آن. مفاهیم مربوط به تشبیه (مشبه/مشبه به/وجه شبه/ادات تشبیه)

مهارت ها: تعریف تشبیه. همراه با انواع آن. تعریف ارکان تشبیه. تشخیص تشبیه در جمله یا شعرونوع آن (اسنادی، بلیغ). نشان دادن ارکان تشبیه در جمله یا شعر.. تشخیص ارکان حذف شده در تشبیه (وجه شبه، اادات). حدس هوشمندانه در تشخیص وجه شبه حذف شده همراه با دلیل آن. آوردن مثال های غیر از کتاب درسی برای تشبیه و انواع آن. (درسته)

پیامد یادگیری: انتظار می رود دانش آموزان تشبیه و انواع آن را بشناسند و در متن داده شده تشخیص دهند. بتوانند تعریف درست از تشبیه و تشبیه بلیغ و اسنادی به همراه ارکان آن ها ارائه دهند. ارکان تشبیه را در متن تشخیص دهند. تشبیه بلیغ را همراه با وجه شبه حذف شده دریافت کنند در تشبیهات داده شده در نظم و نثر ارکان حذف شده را مشخص کنند. بتوانند تشبیهاتی بین کلمات داده شده ایجاد کنند. (خوبه عزیز)

مراحل	شرح تکالیف یادگیری / تکالیف عملکردی به تفکیک مراحل	محدوده زمانی	مواد/ منابع یادگیری
برقراری ارتباط	بعد از سلام و احوال پرسی و حضور و غیاب. (لطفا از نظر ویرایشی و رعایت فاصله بین کلمات کل فرم رو یک بار دیگر بررسی نمایید) از دانش آموزان پرسیدم چه آرایه هایی تا به حال خواندند. از گروه ها خواستم به اطراف خود در کلاس یا بیرون به دقت نگاه کنند. ببینند چه چیز هایی شبیه به هم هستند و چرا؟ میتوانند آنچه در کلاس هست را به هم ربط دهند یا در درون کلاس با بیرون. از گروه ها خواستم کلمات (باد/لب/رود/ابر/لامپ/) را بنویسند. و فکر کنند هریک از آن ها به چه چیزی شبیه هستند. چرا؟ برای هر یک حداقل دو مورد نام ببرند. از گروه ها خواستم بین کلمات علم/نور-معلم	۴۰ دقیقه	تعامل گروه ها. مشارکت دانش آموزان. پرسش و پاسخ. سخنرانی. مازیک یک عدد. آبی رنگ. تخته. کاغذ و قلم.

		/فانوس دریایی-درخت /دانش ارتباط برقرار کنند.همراه با دلیل. از گروه ها خواستم هر یک از عبارت های (شکستی مثل /سنگین همانند/درخشان مانند/سفید همچون)را با تشبیه کامل کنند. از هر کدام از دانش آموزان خواستم خود را به جای فصلی که دوست دارند بگذارند وبگویند چرا.من مانند بهار هستم چون... هر یک از فعالیت ها با هدف آماده سازی برای یادگیری تشبیه وارکان آن در نظر گرفته شده است. (آفرین)	
		من به مدرسه رفتم. ،از دانش آموزان خواستم تا آرایه هایی را که خواندن نام ببرند.بیشتر قالب های شعری را خوانده بودند.با تشبیه هم آشنایی داشتند.بعد از آن ها خواستم آنچه در بیرون یا کلاس می بینند به چه چیزی شبیه است .چرا؟دانش آموزان ابتدا کمی تعجب کردند.اما با یک مثال من متوجه موضوع شدند. گروه ها شروع به نوشتن کردند.تعامل گروهی بالایی داشتند.مثال هایی محسوس در عین حال جالب پیدا کردند.مانند:تخته پاک کن به ابراز نظر رنگ،شکل.کار بعدی پیدا کردن مشابه هایی برای باد،لب ،رودو..بود.این بار خیلی زودتر کارشان را تمام کردند.مثال ها برای باد جالب تر از سایر کلمات بود.فعالیت (۹!!)بعدی برقراری ارتباط تشبیه بین کلمات علم/نور.فانوس دریای /معلم.کلمات را بر روی تخته نوشتم و از دانش آموزان خواستم بین کلمات ارتباط ایجاد کنند.گروه ها رابطه هایی جالبی ایجاد کردند.مانند درخت چون شاخه دارد علم هم مانند درخت شاخه های متفاوتی دارد.از گروه ها خواستم تا جملات را شکستی مثل،سنگین همانند را تکمیل کنند.فعالیت (۹!!)آخر جایگذاری خود به جای یکی از فصل ها به همراه علت شباهت بود.سعی کردم در همه ی فعالیت هایم برای دانش آموز ایجاد فرضیه کنم.فرضیه سازی برای مشبه .مشبه به.وجه وادات.در مثال های دانش آموزان اضافی تشبیهی هم بود مانند لب لعل.فرضیه ایجاد شده برای سایرین نبود ن همه ی ارکان تشبیه بود.از دانش آموزان خواستم تا یک تشبیه از آن چه خواندن،شنیدن،دیدند بیاورند. (درسته عزیز فقط حواستان به غلط های املائی و ویرایشی بیشتر باشه لطفا)	فرآیند هدایت و ارائه بازخورد
		با استفاده از رغبت دانش آموزان مهارت های گوناگون را به آن ها آموختم.مهارت ایجاد	تحلیل و تفسیر

		تشبیه، برقراری آرایه تشبیه بین دو کلمه، پیدا کردن وجه شبه در مثال های مختلف. تصحیح تشبیهات نادرست دانش آموزان. تجربه به من نشان داده دانش آموزان با تشبیهات ملموس بهتر می توانند فرضیه های لازم را برای مهارت هایی که قرار است تدریس شود کسب کنند. اگر می خواستم این درس را بدون تجربیات دانش آموزان تدریس کنم جذابیتی نداشت. ولی با این کار تدریس عمیق تر و پایدارتری خواهم داشت. همچنین تجربه اولین جلسه نشان داد گروه بندی برای تدریس یکی از بهترین روش هاست. دانش آموزان تجربیات خود را در گروه خود بیان کرده و اینگونه بر تعداد تجربیاتشان افزوده می شود. به نظر می رسد در جلسات بعدی باید آموزش اصلی را شروع کنم. (خوبه آفرین)	
	(لطفا زمانبندی و منابع آموزش را در همه بخش ها کامل نمایید)	از دانش آموزن (۱۱۴!!) خواستم تا یک مثال از تشبیه از آن چه خواندن، شنیدن، دیدنند بیاورند. (خواندن شنیدن و دیدن یعنی چی عزیز؟ همون که مثال بیاورند از کتاب و یا جای دیگه کافیه)	به تجربه گذاشتن
		جمع آوری پاسخ های گروه های مختلف و رایج آن توسط نماینده گروه ها (عزیز دانش آموزان باید پاس خهای این بخش را در مرحله به اشتراک به گروه های دیگه نشون بدن)	فرآیندها و توارثها بازخورد
		یادگیری مشارکتی به تعامل بیشتر فراگیران با همدیگر و معلم می انجامد که این روند منجر به هم افزایی - درک هم افزایی و گسترش تفکر خلاق و نقادی شده که توان فردی یا گروهی افراد را ارتقا می بخشد. (درسته عزیزم)	تحلیل و تفسیر
		در این درس به تدریس تشبیه می پردازم. برای تدریس تشبیه پاور پوینتی آماده کردم. تمام اسلاید های پاور پوینت همگام با نحوه ی تدریس می باشد. ابتدا از دانش آموزان می پرسم تکالیف هفته قبل، که تهیه ی نمونه هایی از تشبیه بود، آورده اند؟ سپس شروع به تدریس می کنم. به دانش آموزان	به کار بستن

می گویم کلمه کلیدی که جلسه قبل راجع به آن بحث کردیم چه چیزی بوده است. سپس پاور پوینت را باز کرده و درس را شروع می کنم. تشبیه وار کانش را همراه با مثال توضیح می دهم. مثلاً: ابتدا تشبیه را معنی کرده بعد یک مثال می آورم. سپس از بچه ها می خواهم بگویند در این مثال چه چیزی به چیز دیگر تشبیه شده است؟ به نظر شما چرا این دو شبیه هم هستند؟ در مثال های ابتدایی از تشبیه کامل و دارای تمام ارکان استفاده می کنم. سپس مثال های متفاوتی ارائه می دهم و با آن مثال ها ارکان تشبیه را تدریس کنم. مثال هایی از تشبیه در نظم و نثر می آورم و از دانش آموزان می خواهم حال به صورت علمی و بر اساس درس داده شده تشبیه وارکان آن را بیابند. به نظر شما چرا این دو شبیه هم هستند. در مثال های ابتدایی مثال هایی از تشبیه کامل که دارای همه ی ارکان است استفاده می کنم. بعد مثال های متفاوتی می آورم و در قالب مثال ها، ارکان تشبیه که مشبه، مشبه به، وجه شبه و ادات است را توضیح می دهم. سعی کردم مثال های مختلف با وجه شبه ها و ادات متفاوت در پاور ارائه دهم تا ذهن دانش آموز فعال تر گردد و با مثال های مختلف آشنا شوند. مثال های ارائه شده از آسان به دشوار است. بعد از یادگیری تشبیه و ارکان آن نمونه سؤالاتی را آماده کرده تا دانش آموزان آن را به صورت گروهی حل کنند. پس از حل آنها، ارکان تشبیه را ابتدا از حذف ادات شروع می کنم. از دانش آموزان می خواهم بگویند این تشبیه با تشبیهات قبلی چه تفاوتی دارد. چه چیزی در اینجا تغییر کرده است؟ بعد از ادات وجه شبه را حذف می کنم و پرسش قبلی را تکرار می

		کنم. سپس تشبیهی مثال می زنم که وجه شبه و ادات نداشته باشد. از دانش آموزان می پرسم آلائی مثال هم تشبیه است؟ چرا؟ پس اگر تشبیه است ارکان آن کجاست؟ فرضی ای برای تدریس تشبیه باغی اضافی و اسنادی برایشان می سازم. بعد از پاسخگویی دانش آموزان تشبیه باغی را تدریس می کنم. مثال هایی آورده و از آن ها می خواهم وجه شبه آن را حدس بزنند. بعد از مثال ها سوالائی که در باب تشبیه باغی تهی کردم برایشان به نمایش می گذارم و از آن ها می خواهم حلشان کنند. بعد از حل تمارین، سوالائی کلای از تمام درس پرسیده می شود از این طریق به جمع بندی درس می پردازم. (خوبه آفرین)	
فرآیندهای توارا نه باز خورد		من سعی کردم بین فرضیه های ایجاد شده برای دانش آموزان و دانش سازمان یافته ارتباط برقرار کنم و بر اساس آن به آموزش مستقیم پردازم. برای برقراری ارتباط بین قواعد تشبیه، مشابه و مشابه به وجه شبه و ادات از دانش آموزان کمک گرفتم .. در تمام مراحل تدریس، سعی ام بر آن بود تا دانش آموزان را با درس درگئی کرده و نقش فعال به آن ها بدهم تا یادگئی انفعالی و تدریس به صورت سخنرانی نداشته باشم. با سوال و جواب به اهداف آموزشی خود رسیدم و با همی سوال و جواب روند آموزش ادامه پیدا کرد. (درسته)	
تحلیل و تفسیر		با برقراری ارتباط بین قواعد و ارکان تشبیه زمینه را برای دانش آموزان در دانش سازمان یافته و دریافت و کاربرد قواعد تشبیه مهیا کردم. علاوه بر این فعالیت ها دانش آموزان با یادگئی انواع تشبیهی لازم ی لازم را برای دانش منظم و درکافت کاربرد تشبیه در نظم و نثر آماده کردم. (آفرین)	
به اشتراک گذاشتن		در این قسمت از دانش آموزان می خواهم تا نمونه هایی از تشبیه را که آوردند بین گروه هایشان تعویض کنند. در کلاس شش گروه است که هر دو گروه مثال ها را با هم تعویض می کنند. (تعویض نه عزیز دل بلکه برای هم بخوانند و درستی و نادرستی آنها را بررسی کنند)	
فرآیندهای توارا نه باز خورد		از دانش آموزان می خواهم تشبیهات دوستان خود را از نظر ارکان و نوع تشبیهشان بررسی کنند	

(لطفا از نظر ویرایشی اصلاح کنید)	..من با این کار می خواهم یادگیری عمیق تر داشته باشم و در برقراری ارتباط بین قواعد تشبیه از دانش آموزان کمک گرفتم. (خوبه عزیزم)
تحلیل و تفسیر	در طول تدریس دانش آموزان تعامل بین گروهی و درون گروهی بسیار خوبی داشتند. به نظر می رسد وقتی دانش آموزان در یادگیری مشارکت داده شوند با کنجکاوی، علاقه، اشتیاق و فعالانه عمل می کنند. (مشکلی در کار گروهی مشاهده نکردید)
انتقال به موقعیت جدید	از دانش آموزان می خواهم بر اساس آنچه آموختند مثال هایی برای تشبیه و انواع آن به صورت نظم و نثر بیاورند. نمونه سوال هایی را برایشان آماده کردم تا به آن پاسخ دهند.
فرآیندها، نتایج و بازخورد	با طرح پرسش ها می خواهم بدانم آیا دانش آموزان در موقعیت (!!!؟) جدید هم می توانند مهارت های یاد گرفته شده را مورد استفاده قرار دهند یا به مهارت لازم در این زمینه رسیدند؟ و با سوق به حوزه های دیگر ذهنشان را فعال تر کنم. (بهرتره در این بخش مثال های جدیدی بدین تا دانش آموزان تا تشبیه و ارکان آن را مشخص نمایند)
تحلیل و تفسیر	یادگیری واقعی مستلزم به کارگیری مهارت قواعد تشبیه در (درسته) موقعیت جدید است. اگر دانش آموز قادر باشد این مهارت را در موقعیت جدید بشناسد و یا تکرار و استفاده کند می توانیم مطمئن باشیم تدریس موفق داشته ایم. دانش آموز با این روند می تواند یک پارچگی دانش و جهان هستی را درک کند و با تجربه به دست آمده این ارتباط را به طور ملموس حس کند و نگاه تحلیلی به موضوعات مختلف داشته باشد. (خوبه)
سنجش آموخته ها	در این بخش آزمونی برای دانش آموزان در نظر گرفته ام که در آن انواع آزمون های جورکردنی، صحیح و غلط، کوتاه پاسخ و تشریحی و جای خالی می باشد. سوالات از آسان به دشوار طراحی شده است. تشبیه چیست؟ انواع آن/ارکان تشبیه. تشبیه بلیغ اضافی و تعریف آن پیدا کرد بیان کردن این قواعد در نظم و نثر، از جمله سوالات مطرح شده در امتحان هستند. (در طول تدریس سنجش تکوینی نداشتیم؟)
تحلیل و تفسیر	گرفتن آزمون در پایان درس ما را متوجه میزان یادگیری دانش آموز از درس تدریس شده می کند

		همچنین دستیابی به مهارت تحلیل و ترکیب ارکان تشبیه و کاربرد تخصصی تر آن در نوشتار و گفتار به صورت روزمره. (درسته آفرین)	
(درود عزیزم خسته نباشید لطفا ابتدا کل فرم را از نظر فاصله و نکات املائی و ویرایشی یکبار دیگر اصلاح نمایید سپس موارد بازخورد داده شده را فقط در همین صفحه اصلاح کنید و به صورت زیپ شده برای بنده ایمیل کنید سپاس پیروز باشید معلم جوان)			
استاد راهنمای علوم تربیتی:		استاد راهنمای تخصصی: قنبری	

- تحلیل و تفسیر شامل: پیش‌بینی‌ها؛ محدودیت‌ها و فرصت‌ها در فرآیند اجرا و نحوه مدیریت آن؛ آنچه آموختم.
- مفاهیم و مهارت‌ها: از تحلیل محتوای کتاب درسی استخراج می‌شود.
- مواد/منابع آموزشی: شامل: تجهیزات (نرم‌افزاری و سخت‌افزاری)، امکانات محیطی، افراد/شخصیت‌ها و.... این فرم برای حداقل ۶ جلسه تدریس، تکمیل گردد.

S_sharafzade@yahoo.com

مستندات کدگذاری روایت ها

ما در کلاس برای تبادل اطلاعات درس گروهی‌هایی داشتیم و من این نکات را دریافتم:

روش پرسش و پاسخ برای تدریس یکی از بهترین روش‌هاست. (بهترین روش تدریس درس ادبیات) ما در کتاب روش و فنون تدریس در بخش انواع روش تدریس دکتر سیف در مورد محاسن آن از جمله، درگیر شدن دانش آموزان با درس، فهم بهتر درس، هزینه کم و... را خواندیم. (محاسن تدریس به صورت پرسش و پاسخ)

معلم راهنمای خانم قنبری ابتدا درس را کامل تدریس کرده، سپس نکات مهم را بعد از تدریس گوشزد می‌کنند. هم‌چنین با روش سخنرانی کلاس را پیش می‌بردند. هنگام تدریس بهتر است همراه با متن نکات آن گفته شود (درگیر کردن دانش آموزان در حین تدریس) چون دانش آموز در همان لحظه تمام حواسش در همان متن معطوف است اگر همه درس را تدریس کنیم، (درگیر کردن دانش آموزان در حین تدریس) سپس نکات مهم را بگوییم هم وقت کم می‌آوریم و هم دانش آموز درگیر کل متن شده است. (نقطه ضعف ارائه نکات بعد از درس) معلم ادبیات باید روشی به کار گیرد تا دانش آموزان نقش فعال در تدریس داشته باشند. (روش تدریس فعال) می‌تواند در طی تدریس آرایه‌ها را از دانش آموزان بپرسند. مطابق با درس فیلم پخش شود و به نقد آن بپردازند که چه میزان شبیه به متن خوانده شده است. (مثال هایی برای روش تدریس فعال ادبیات) در مجموع بهتر است معلم از روش تدریس فعال و متنوع مثل شاخه بندی، پخش فیلم و... استفاده کند. نکته خوب معلم خانم پوریانی این بود؛ که هنگام تدریس پیش‌نیازها را بیان می‌کنند. دانش آموزانشان می‌دانند باید در یادگیری به یکدیگر کمک کنند. اگر کسی مشکلی داشت او را مسخره نکنند. در یکی از جلسات بحث در کلاس خانم شرف زاه یکی از دانشجویان در مورد آوردن کتاب‌های کمک آموزشی توسط معلم در کلاس گله‌مند بودند. به نظر من معلم نباید از روی کتاب‌های کمک آموزشی تدریس کند. چون اعتماد دانش آموزان سلب می‌شود. معلم باید تسلط کامل بر روی درسش داشته باشد. حتی در هنگام پرسش نباید کتاب کمک آموزشی در دست داشته باشد. معلم می‌تواند از قبل سؤالات را گرفته، با دانش آموزان به حل آن بپردازد. (فعال کردن دانش آموزان با طرح سول

) کمبود وقت یکی از مشکلات اعظم معلمان ادبیات است که معلمان را مجبور به ارائه معنی متون به دانش آموزان، قبل از تدریس می‌کند. تا بتواند در کلاس نکات دیگر را بیان کند. البته مخالفان این امر اذعان دارند این کار باعث بهانه‌تراشی دانش آموزان شده و شاید امکانات لازم برای تکثیر آن یا پرداخت هزینه را نداشته باشند. معلمان اگر هم بخواهند روش دیگری را در تدریس استفاده کنند وقت کم می‌آورند پس باید حجم کتاب‌ها کم شود. استفاده از گروه در طول تدریس، هم باعث یادگیری فعال می‌شود و هم تعامل دانش آموزان

را بالا می برد. (تدریس گروهی و فعال کردن دانش آموزان) از تدریس خانم سجادی یاد گرفتم، در زنگ انشا ارائه عکس فیلم برای دانش آموزان جالب است. آن ها را راغب به نوشتن می کند. (تدریس خلاق ادبیات) همچنین می توان عکس هایی از موضوعات انشا به صورت پاورپوینت ارائه داد. از تدریس خانم باقری یاد گرفتم در زنگ املا برای تندنویسی دانش آموزان کند نویس انگیزه های بیرونی ایجاد کنیم. پانتومیم ابتکار جالبی است. هم خستگی کلاس از بین رفته، هم مشوقی برای تندنویسی دانش آموزان می شود. (روش خلاق ادر تدریس ادبیات) (بیشترین روش تدریس مورد استفاده در ادبیات روش، بحث گروهی، سخنرانی، نمایشی هست. برای عدم یکنواختی کلاس بهتر است از چند روش برای تدریس استفاده شود. (روش های کاربردی تدریس ادبیات)

تدریس با فرضیه سازی جنبه مثبت کار یک معلم است. فعال کردن دانش آموز بازیگوش در تدریس باعث می شد دانش آموز هم به درس گوش کند وهم مزاحم دیگران نشود. بعد از ارائه خانم گرجی و بحث در مورد اینکه یکی آموزانش بسیار بازیگوش بود یکی از دانشجویان نظرش این بود که آن دانش آموز باید اخراج می شد؛ اما به نظر من مدیریت معلم باید به گونه ای باشد که دانش آموز را در ساعت تدریس در کلاس نگه دارد نه اینکه او را بیرون بیندازد.

تجربیهایی که از حضور در مدرسه و تدریس کسب کردم:

در اولین جلسه حضور در کلاس به دلیل نداشتن معلم راهنما تنها به کلاس رفتم. از دانش آموزان خواستم تا ویژگی معلم خوب را از نظر خودشان بگویند. دانش آموزان، به خصوص دانش آموزان سال سوم چهارم بیشتر از معلمانی که نکات مهم درسی را می گوید و از آن هادر کلاس مشارکت می خواهد خوششان می آید. دانش آموزان با مشارکت در درس درگیر شدن با آن بیشتر درس را درک کنند. برای انتخاب معلمان این دوپایه بیشتر از پایه های دیگر متوسطه ی دوم باید دقت نظر داشت. چون دانش آموزان هم پایانی دارند وهم کنکور.

دانش آموزان معلمانی را دوست دارند که آن ها را درک کند. معلمانی که در درس دادن سخت گیری نداشته باشند. امتحانات کلاسی بگیرند. در مورد مسائل غیردرسی که باعث بالا رفتن اطلاعاتشان شود هم صحبت کنند از نوشتن زیاد معنی خسته می شوند. دانش آموزان درس معلمانی که به آن ها علاقه دارند بهتر فرامی گیرند.

معلم در تدریس باید تفاوت‌های فردی دانش آموزان را در نظر بگیرد. در دومین جلسه حضور تمام قوانین کلاس را به دانش آموزان بازگو کردم چون معلم باید قانون کلاس خود را به دانش آموزان بگوید تا دانش آموزان بدانند باید چه رفتاری را در کلاس پیش بگیرند. معلم جغرافیای دانش آموزان مسئولیت‌های مختلفی به آن‌ها می‌دهد. معلم باید سطح دانش آموزان را قبل از تدریس بررسی کند و با در نظر گرفتن استعداد دانش آموز، مسئولیتی را برای بالا بردن اعتماد به نفس دانش آموز به او محول کند. (فعال کردن دانش آموزان). معلم باید در تدریس، دانش آموزان را هم شرکت دهد و روش تدریس مناسب درس را انتخاب کند. (پیش نیاز تدریس) (شرکت دانش آموزان در تدریس) معلمی جدیدی که برای دانش آموزان آورند بدون شناخت از دانش آموزان شروع به تدریس کرد ندو به دلیل مشکلات جسمی اندکی که داشتند برای تدریس از دانش آموزان به شکل نادرست استفاده می‌کردند به طور مثال برای نوشتن هر مثال در هر چند دقیقه یکی از دانش آموزان را پای تخته می‌بردند و متوجه شدم دانش آموز خسته شده است. در اولین جلسه موقعیت پژوهی برای شناخت درست دانش آموزان بسیار مهم است تا معلم سطح دانش آموزان را دریابد. خانم تیر ملک فقط از روش سخنرانی استفاده می‌کردند و این باعث گوش ندادن دانش آموزان و بازیگوشی آن‌ها شد. اگر معلم مشکلات جسمی دارند و نمی‌تواند بایستد و بنویسد در اتاق فناوری با پاورپوینت درس دهد تا دانش آموز در هر چند ثانیه برای نوشتن به جای معلم از جای خود بلند نشود. کار گروهی یکی از بهترین روش‌ها برای فعال کردن دانش آموزان است با این شرط که همه دانش آموزان را درگیر کنیم. (تدریس گروهی) همه اعضای گروه پرسش شود. (تدریس گروهی) باید به دانش آموز مجال فکر کردن و پرواز دهیم. (پرواز ذهن با تدریس گروهی) نباید با سخنرانی صرف درس را به اتمام برسانیم. مدرسه هم باید برای دانش آموزان به خصوص در درس‌های تخصصی آن‌ها معلمان خبره انتخاب کند. نه معلمانی که در هر هفته تغییر می‌کنند. در طی تدریس نکات مهمی را فراگرفتم اینکه دانش آموزان تشویق را دوست دارند. وقتی دانش آموزی را تشویق می‌کردم متوجه می‌شدم پیش دوستانش احساس بزرگی می‌کند. به دانش آموز بازیگوش کلاس مسئولیت دادم. مسئولیت به دانش آموز بازیگوش باعث می‌شود احساس تعهد بیشتری به کلاس و درس داشته باشد. معلم دیگری که برای دانش آموزان آمد بسیار حرفه‌ای بود و روش تدریسشان را پرسش و پاسخ قرار دادند. (استفاده از روش پرسش و پاسخ) موقعیت پژوهی کردند و سپس تدریس را شروع کردند. در هنگام تدریس ادبیات همه نکات درس‌هایی مثل آرایه و دستور زبان را هم در نظر داشتند. (در نظر گرفتن پیش نیاز تدریس) دانش آموزان هم با اشتیاق تمام به درس گوش می‌دادند و در درس شرکت می‌کردند. شیوه تدریس معلم هم در جذب دانش آموز به درس و هم در سطح

یادگیری آن بسیار مهم است. معلم در حین درسی مانند ادبیات نباید فقط ادبیات درس دهد بلکه باید از متن داده شده برای همه دروس مربوط به ادبیات استفاده کند مانند زبان فارسی، آرایه و. معلم با درگیر کردن دانش آموز در درس یادگیری فعالی را رقم می زند. در موقعیت پژوهی خود از دانش آموزان متوجه شدم از اینکه معلمشان برایشان کتاب های غیردرسی مثل شعر بخواند لذت می برند. معلم باید با پرسش و پاسخ از دانش آموزان تدریس کند. دانش آموزان وقتی درگیر درس هستند بهتر درس را متوجه می شوند. (نتیجه تدریس به پرسش و پاسخ روشن)

از تمام تجربیاتی که از کلاس اساتید و کلاس های کارورزی کسب کردم به این نتیجه رسیدم برای داشتن کلاس پربار و تاثیرگذار باید تدریس تعاملی همراه با دانش آموزان داشته باشم. علاوه بر این مسایل که مربوط به یادگیری و یاددهی بود نقاط ضعفی داشتم که مهم ترین /ان ضعف در مدیریت زمان بود. این ضعف را با برنامه ریزی زمانی برای هر قسمت از فعالیت هایم و پایبندی به آن در کلاس درس بهبود بخشیدم.

بعد از کنفرانسم در جلسه سمینار متوجه شدم :

فعالیت های کلی در طرح درس توسط اساتید حاضر تایید شد. در کنش پژوهی باید نقاط ضعف وقوت خود را می شناختم و اگر طی تدریس این نقاط، بهبود یا توسعه یافتند، در روایت پایانی بیان می کردم. اما من فعالیت یادگیری را به عنوان جمله تبیینی قرار ادم. هم چنین آموختم نباید بین مرحله به تجربه گذاشتن و اشتراک گذاری وقفه ایجاد کنیم و باید بر اساس تجربه دانش آموزان تدریس را آغاز کنیم و در همان ابتدا به سراغ کتاب نرویم.